

و شما خواهید دید که گروه

خورشید

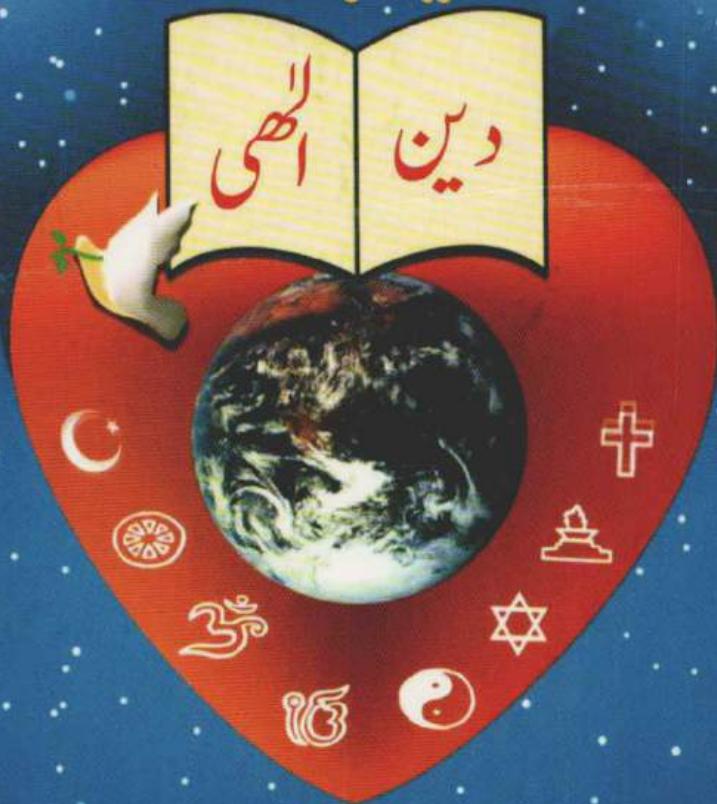
گروه مردم به دین خدا میپیوندند

ماه

(کتاب مقدس)

دایزی که نهفته شده پشت تصویر هایی که در
خورشید و ماه دیده میشود در تصویر هایی
که بواسیله ناسا (NASA) و دیگر مؤسسات

معروف گرفته شده



دین الهی

این کتاب ارزش مطالعه و تحقیق را
برای همه ادیان دارد هچنین برای تمام
گروههای مردم، این کتاب مبارزه ای است
با آنهاست که روحانیت را رد می کنند

ناشر

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت ریاض احمد گوهر شاھد

(ناشر)

دین الہی

رموز نهفته خدا

حق نشر این کتاب مقدس محفوظ است

کتاب مقدس (دین الہی) هدیه ایست برای مرد می که عشق می ورزند و در
جستجوی خدا هستند.

تبصره برای ذاکرین (مریدان حضرت گوهر شاهی)

تقدیم کنید این کتاب مقدس را به اشخاص رو شنفکر در ستکار و آنها لی که در جستجوی خدا هستند
ریاکاران (از زمان قبل از وجود انسان) کوشش می کنند این کتاب را مردود اعلام کنند.

موافق شده توسط

امجد علی (امارات متحده)

یونس الگوهر (انگلستان)

حرکت مردمی بین المللی

Website: www.goharshahi.com

تماس بگیرید با

amjad_ali7@hotmail.com, younus38@hotmail.com, mehdi_foundation@yahoo.co...

مترجم: کاظم کاتبیه با همراهی زهره نعمت الہی (dubai, UAE)

حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی



حضرت والا گوهر شاهی که مدت ۳۶ سال رادر اعتکاف روحانی بسر برد در کوههای سند سہوان و لعل باع سند، پاکستان، بخاطر عشق آسمانی. حضرتش از دنیا و لذات آن دوری کرد تا به اتحاد با خدا دست یابد. سپس به روای عادی زندگی برگشت البته بدستور خداوند. ایشان باذکر خدا قلوب هزاران نفر را روش ساخت و تعداد زیایی از افراد را به عشق آسمانی جذب کرد.

پیروان ادیان بسیاری از حضرتش دعوت بعمل آور دند تا در محل های معین برای آنها از روحانیت صحبت کند و اعم از مسجد، معبد و کلیسا تا به تعلیمات ذکر قلبی دست یابند بسیاری زنان و مردان از گناهان دست کشیدند و به خدا متوجه شدند حضرتش بسیاری از مردم را که دچار بیماریهای غیر قابل علاج بودند شفا داد از طریق شفای روحانی.

پس خداوند چهره مبارک ایشان را بر روی ماه نقش فرمود. بعداً چهره نورانی حضرت‌خان روی حجر الاسود منقوش گردید. اسم مبارک ایشان در چهار گوشه جهان طین انداز شد. ملاهایی که از مقامات روحی درونی محروم بودند و آنها بی که زهاد را قبول ندارند حضرت مبارکشان را مردود اعلام کردند. آنها کتابهای ایشان را رد کردند و خون ایشان را می‌حاج اعلام کردند. آنها بسب بنزینی به خانه ایشان پرتاپ کردند در منجستر و زمانی که در کنیزی پاکستان مشغول موعظه بودند بطرف ایشان نارنجک پرتاپ کردند. برای سر مبارکشان مبالغی پول پیشنهاد شد. در پاکستان اعلام جرمی با پنج ماده بر علیه ایشان اقامه شد توسط اشخاصی که بی احساس هستند. توسط نواز شریف رئیس جمهور پاکستان و همچنین حاکم محلی سند در این موضوع در گیر شد. از این پنج تهمت دو تا تهمت قتل بود، یکی حمل سلاح غیر مجاز و دیگری اشغال زمین غیر قانونی حتی در آمریکا هم از ایشان شکایتی انجام شد. روزنامه "نگاران زرد" هیچ حریه ای نبود که بر علیه ایشان بکار راند. بالاخره پس از تجسس های بسیار داد گاه تمام اتهامات را رد کرد و بیگناهی ایشان را پذیرفت. به این ترتیب خدا ایشان و دوستانشان را از تمام بلاایا محفوظ نگهداشت همانطور که همیشه نگه می دارد.

گزارش اتهاماتی که بر علیه جناب ایشان اقامه شد توسط داد گاه موجود است

حضرت ایشان مدام در تله های فضولانه فرقه ای گرفتار می شوند.

ORDER SHEET
IN THE HIGH COURT OF SINDH - FEDERAL BENCH

Cr.B.A.No.159 of 1999.

APPLICANT
DEFENDER
PLAINTIFF DEFENDER
REPLICA

VERSUS

RESPONDENT
DEFENDANT
OPPONENT
JUDGEMENT DECISION

Serial No.	Date	Order with signature of Judge
------------	------	-------------------------------

1. FOR ORDERS ON MA NO.238/99. (If granted).
2. FOR ORDERS ON MA NO.239/99.
3. FOR ORDERS ON MA NO.240/99.
4. FOR HEARING.

18.03.1999.

Mr.Qurban Ali Chochan Advocate for the applicant
Mr.Behsdur Ali Baloch A.A.G.

1. Granted.
2. Granted subject to all just exceptions.
3. Granted as the bail application No.88/99 has also been moved by the present applicant.
4. Learned counsel submits that the present bail application has been moved seeking bail before arrest of the applicant/accused with regard to his alleged involvement in crime No.18/99 for which an F.I.R. was lodged on 16.03.1999 by Police Station City at Hyderabad. It is alleged that the applicant on the day of incident viz. 19.03.1999 in the day

time produced a T.P. Pistol bearing No.3BP-13410 of 30 bore and licence bearing No.5109339 dated 04.02.1999 issued by District Magistrate Sanghar in the name of accused Mohammad Nadeem who has been nominated in crime No.10/99 pending with Police Station City Hyderabad. Thereafter upon verification by the police authorities it transpired that the said licence was a forged one and was not issued in the name of accused Mohammad Nadeem. The F.I.R. was accordingly registered against the applicant U/s.420, 468, 471 PPC read with Section 13-D Arms Ordinance.

Learned counsel submits that the lodging of the FIR is a further attempt by the political and religious foes of the applicant to have him implicated in xxx false and concocted case, as earlier attempts have failed and in two other cases the applicant was granted bail before arrest by this Court. Learned counsel submits that for all the offences above mentioned the maximum sentence is seven years along with fine and consequently do not come within the prohibitory clause of Section 497 Cr.P.C. The learned counsel vehemently argued that unless this bail application is granted and the applicant is given protection by this Court he would be immediately arrested by the police as he has been prevented from approaching the trial Court for seeking bail.

Mr. V. S. R. 22/8/93

I have gone through the F.I.R. as well as the

memo of this application. In the first instance, it appears that nowhere in the FIR it is mentioned as to why the applicant/accused visited the Police Station City on 19.02.1999 along with the weapon in question and its licence. Secondly, no reasons have been given in the FIR as to why the same was lodged after almost one month of the day of incident. In the earlier bail application No.88/99 I have granted interim protective bail to the applicant on the basis that the FIR in the said case appeared to have been lodged due to enmity and jealousy between the applicant and religious sects as well as political parties. The lodging of the FIR in the present case also appears to have been motivated by the same factors.

In the circumstances, the applicant is granted pre-arrest bail in a sum of Rs.1,00,000/- in the form of security or cash and P.N. bond in the like amount to the satisfaction of Additional Registrar of this Court. Notice to A.A.G. for 24.03.1999.

M/S/SH
22/3/99

5. Today I have received a pamphlet allegedly from the applicant seeking justice from the Prime Minister of Pakistan regarding his persecution at the hands of various ~~xxxmxx~~ religious sects and Ulema. Although the pamphlet has not been signed by the applicant, copies have been forwarded to all High Courts of Pakistan as well as Supreme

(5)

Court of Pakistan and others. At the end of the pamphlet a threat has been extended to the Government that unless the applicant/accused's request is acceded to the Government will soon crumble by hidden spiritual forces. In my view if at all this pamphlet has been either issued by the applicant or his supporters and sent to this Court, it amounts to unlawful interference in the administration of justice and may be taken up as a contempt matter. In these circumstances, let a notice be issued to the applicant inviting his comments on the pamphlet, a copy whereof to be sent along with the notice.

S/P/M. HAMMAD J. UMMARI
JUDGE

CHIEF JUSTICE
SPECIAL COURT

On Bail Application No. 159/1999.

No. 2009 Dated 22/8/99

Copy forwarded to the Sessions Judge/Deputy for information and Compliance. It is informed that party has been furnished on behalf of the above-named applicant before the Additional Registrar of this Court in the sum of Rs. 100,000/- Viz Bond No. 5823 and P.L.Bond No. 5824 dated 22/3/1999.

COPY TO THE APPLICANT ADDED.

(CHULAS MONTAFIA CHANNA)
DEPUTY REGISTRAR
HIGH COURT OF SIKKIM CIRCUIT COURT
KOLKATA

این شیاطین (ملاها) بس از شکست های قبلیشان در ساختن بروندہ های دروغین دوباره بروندہ دروغینی ساختند (به شماره PPC-295) و اظهار کردند که ایشان ادعاً پیغمبری نموده) و حضرت والا گوهر شاهی را به دادگاه کشاندند. ملاها نظر افراد والا مقام را به خود جلب کردند. حتی رفیق طرار سابق رئیس جمهور پاکستان تمایل کور کو انه ای به آنها پیدا کرد. در نتیجه، قاضی محکمہ ضد ترور تحت فشار قرار گرفت و رأی بر علیه حضرت والا گوهر شاهی صادر کرد. انشاء الله این رأی یا در محکمہ عالی و یا در محکمہ اعلا مردود و حکم برائت حضرت والا صادر خواهد شد.

مقدمه

بعد از ظهور سیمای مبارک حضرت گوهر شاهی، روی حجر الاسود در مکه، ماه، خورشید و معبد شیو و در مکانهای زیاد دیگر، بسیاری از مسلمانان و غیر مسلمانان باور کردند که ایشان همان مردی موعود میباشدند یا کالکی او تار و یا مسیحا. بسیاری از کتابهای مقدس آمدن اورا پیشگویی کرده بوند.

ما از شما دعوت میکنیم تا خودتان قضاوت بفرمایید. برای مطالعه و جستجو با ماتماس بگیرید. شما میتوانید وجود و خصوصیات ایشان را از کتابهای ایشان دریافت کنید.

محمد یونس الگوهر

لندن، انگلستان

younus38@hotmail.com

ابتدا

ادیانی که بر اساس کتب آسمانی هستند معتبر ند تاز مانیکه تغییراتی در آنها داده نشده باشد.

ادیان، قایقها و دانشمندان همانند ملا حانند. هر کدام عیبی داشته باشند، غیر ممکن است که بساحل بر سند؛ هر چند که، اولیاء میتوانند کشتی شکسته رانیز به ساحل برسانند(مردم را). دل شسکته هابه همین منظور دور آنها جمع می شوند.

بالاتراز دین، عشق به خدا است که عصاره ادیانند، در حالیکه نور خدا روشنگر راه می باشد.

سه بخش دانش ظاهریه می باشند و یک بخش باطنیه دیگر توسط خضر توسعه یافت(ویشنو مهاراج).

عشق به خداتنها راه نزدیکی به خدا می باشد. سگ بهتر از کسی است که قلبش خالی از عشق به خدا است، چون سگها به اربابشان عشق می ورزند، و طالب نزدیکی به صاحبشان هستند، در غیر این صورت سگ و انسانی که با آسمان ارتباط دارد قابل مقایسه نیستند.

اگر بخواهید بهشت و حور یانش را، خدارا زیاد عبادت کنید تابه بالاترین طبقه بهشت برسید.

در عین حال، اگر شما در جستجوی خدا هستید، شما روحانیت رانیز بیاموزید، تا اینکه وقتی در راه راست قرار دارید بتوانید رایحه خدار ابدست آورید.

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

انسان از ابتدای آنها

وقتی خدا خواست ارواح را بسازد، او گفت "باش" (گن) و بسیاری ارواح بوجود آمدند. در مقابل خداونز دیک او را واح پیغمبران بودند. پشت سر او در دلیل دوم ارواح اولیاء بودند و در دلیل سوم ارواح مومنین و پشت سر آنها ارواح مردم عمومی بودند. بنابراین، ارواح زنان در جاییکه چشم آنها را نمی دید و پشت سر آنها ارواح حیوانات و بعد ارواح گیاهی و دیگر ارواح جمادات که قادر به حرکت نبودند و راست خدا، ارواح فرشتگان بودند متعاقب آنها حوریان (بهشتی) آنها نمی توانستند چهره خدارا پیمایند، چون فرشتگان در طرف راست خدا بودند، نمی توانستند چهره خدارا پیمایند و پشت سر آنها ارواح مولکین بودند (موجودات شبیه فرشته). که بعد آن به دنیا آمدند تا مرافق پیغمبران و اولیاء باشند. در طرف چپ خدا، روح جهان بودند پشت سر آنها ارواح جهانی بودند و روحهای بد، که به شیطان بعد از آمدنش به کره خاکی کمک می کردند. ارواح چپ و راست، نمی توانستند تجییات باری تعالی را پیمایند (قبل از خلقت)

با این دلیل اجنه، فرشتگان وزنان می توانستند در طرفه با خدا صحبت کنند ولی نمی توانستند اورا پیمایند.

یک توپ آتشین بود که خدا فرمان داد و شود، پس قطعات آن در فضای خوش شد (تکمیل منظمه مشی را دادند)، ماه خورشید، ثوپیتر، زمین و ستاره های قطعات آن می باشند. و خورشید هم باقی مانده آن گوی آتشین می باشد. زمین چیزی نبود جز خاکستر. ارواح جمادی (ارواحی که تکمیل اتمهای سخت را می دهند) به پایین فرستاده شدند به زمین تا تکمیل سکه های را بدند. پس، ارواح گیاهی به پایین فرستاده شدند تا تکمیل درخت جوانه ها را در سکه های بدند از آن بعد، حیوانات از ارواح حیوانی بوجود آمدند و در روی زمین درجیط خاکی.

خدای از همه ارواح پرسید (در زمان قبل از خلقت)، "آیا من ارباب شما هستم؟" تمام ارواح قبول کردند و در جواب روز به زمین حرکت کردند. ارواح گیاهی و صخره های روز به زمین کردند به انظر که در یک آیه از کتاب مقدس اشاره شده.

پس برای آزمون ارواح - خدا یک جهان خیالی به نمایش گذاشت به لذات آن، و پرسید چه کسانی به آن تعلیل دارند (جهان) بروند و به آن برند. تعداد زیادی از ارواح به طرف آن هجوم بروند و از چهره خداوری گزیدند. برای آنها سر نوشت رفتن به جهنم رقم زده شد. پس خدا صورت بهشت را به ارواح نشان داد که از صورت اولی اولاد را بود محکم برای مطیعان و فداکاران، خیلی از ارواح بطرف آن روکردند برای آنها بهشت نوشته شد. بسیاری از ارواح نتوانستند تصمیمی اتخاذ کنند جای آنها میان خدا و شیطان تعیین شد. روح آنها میان این دو گرفتار شد در زندگی زمینی و سر نوشته آنها مر بوط به کسانی شد که با آنها ارتباط برقرار کردند.

بسیاری از ارواح چهره خدارا نگردنند (قبل از خلقت) بدون توجه به بہشت یادنی. خدا آنها را دوست دار و آنها عاشق هستند. پس از آمدن به دنیا آنها دنیا مادی را رها کردن و به جنگل پناه بردن. برای خدمت به ارواح و شادی آنها هیجده هزار نوع مختلف بوجود آمد. شش هزار در دریا، شش هزار بر روی زمین و شش هزار در هوا و فضای آسمانی. پس خدا هفت طبقه بهشت ساخت و هفت طبقه جهنم. هفت طبقه بهشت عبارتند از (خلد، دارالسلام، دارالقرار، عدن، الماء، نیم و فردوس) هفت طبقه جهنم عبارتند از (سفر، سیر، نعلی، هلمه، مجیم، جهنم و هاویه).

تمام این اسمای سریانی هستند. (زبانی که خدا با آن به فرشته ها تکلم می کند).

تمام ادیان اصولی دارند که خدا آنها را به جهنم می فرستد یا بهشت، هر چه او را داده کند. اگر خداروی را مستقیماً به جهنم بفرستد (قبل از خلقت) او شکایت خواهد کرد که او چه گناهی مرکب شده. خدا به او می گوید که ترویت را از من گردانند و دنیا را برگزیدی. روح پس خواهد گفت "این تنها یک قرار احتمانه بودن یک عمل" - پس روح بد نیا فرستاده خواهد شد تا ثابت کند این بهانه را.

آدم که پنجین شنکر جی شناخته می شود، از خاک بهشت خلق شد، غیر از روح انسانی خصوصیات روانی دیگری نیز در آن قرار گرفت. وقتی بدن آدم ساخته می شد، شیطان از حادث به اتفاق انداخت. آب دهن بر ناول افتاد می کرب آب دهن وارد بدن شد. شیطان از اجنه می باشد و در ادبیات دیگر کشور ها گفته شده که هر کس بد نیامی آید یک روح جنی همراه او بد نیامی آید (شیطانی) بدن انسانی از خاک ساخته شد تا شانزوده پدیده روانی را در خود جاده همراه با خناس و چهار پرنده روحانی نیز.

قسمتی از زندگانی آدم که شبیه به یک زن بود. پس یک روح در آن دمیده شد و تبدیل به "حوا" شد. بنابراین آدم از آسمان به سری لنگا نزول کرد و حوابه جده فرستاده شد. این پایه نژاد آسیانی است پس ارواح دیگر به زمین فرستاده شدند. ادیان مثل کلاسیکی برای تربیت مردم قرار داده شده پنجین برای صعود و تعلیم ارواح طبق سرنوشت آنها در قبل از خلقت بعضی دارای دین شدند بعضی بدون دین.

اروایی که عاشق خدا بودند نیز به این دنیا آمدند. بعضی از آنها به خانه مسلمانان آمدند، بعضی در خانه هندو و بعضی در خانه سیک ها، مسیحیان یا یهودیان. آنها در صدد پیدا کردن خدا از طریق ادیان خود برآمدند. به این دلیل است که برگزیدگان هر دین به مقام زهد رسیدند. بعضی می گویند که زهد (گوشہ گیری) در اسلام نیست. این ادعای صحیح نیست. پیغمبر اسلام نیز به غار "هراء" میرفت. شیخ عبدالقدار گیلانی، خواجه معین الدین اجیری، داتا علی نجفی، بری امام، بابا فرید، شهیاز قلندر وغیره به مقام صعود روحانی رسیدند فقط بعد از زهد (تصوف) - تبلیغات دینی تو سلط آنها انجام می شد.

اصل انسان در جهان

وقتی که انسان وارد رحم می‌شود روح جمادی وارد می‌شود تا خون را قادر به جمع آوری کند. پس جنین در رحم رشد می‌کند بدون روح گیاهی. روح حیوانی بعد از چهار ماه وارد رحم می‌شود و جنین شروع به رشد می‌کند. آنها را بنا نام روح زمینی می‌نامند. پس از تولد، روح حیوانی همراه با خصوصیات روانی و دیگر وارد بدن می‌شود که ارواح آسمانی نامیده می‌شوند.

اگر بچه در رحم بیرون دچند ماه قبل از تولد، یعنی مراسم تدفین برایش انجام نمی‌شود مثل اینکه او یک انسان کامل نبوده. اما اگر چند لحظه پس از تولد بیرون داشته باشد، روح انسانی همراه با روح فردی همراه با خصوصیات همراه باشند. اگر روح جمادی قوی باشد او ترجیح می‌دهد در کوه زندگی کند و اگر روح گیاهی در او قوی بوده باشد احساس قوی خواهد داشت نسبت به گلهای و گیاهان و چنین رفتار حیوانی توسعه می‌یابد اگر روح حیوانی در کسی مسلط شود فرد شبیه به یک سگ می‌شود. اشخاصی که شخصیت فردی (خود) در آنها مسلط شود شرور می‌شوند و شیطان بروح آنها در دفاع از خود مسلط می‌شود آنها در وقت ورود به بدن شخص به مردم آسیب می‌رسانند آنها ارواح شیطانی می‌نامند.

بر طبق انجیل، مسیح عادت داشت که ارواح شیطانی را از بدن آنها بیرون دخراج کند. روح زمینی همراه با خصوصیات فردی بعد از مرگ در جهان می‌ماند در حالیکه روح انسانی یا به علیین بالا رفته یا به عجین نزول پیدایی کند. همان جاییکه ارواح شرور تا روز قیامت. بقیه خصوصیات روانی انسان در وجود او اگر تعالی یافته باشد به علیین می‌رود، در غیر اینصورت در قبر فاسد می‌شوند. بعلت خصوصیات فردی انسان ناخالص شد.

به گفتهء ”ولی بوله شاه“، خصوصیات فردی مارانا خالص ساخت، ما از ایندانا خالص نبودیم. کتابهای مقدس آشکار شدند پیغمبران و اولیا برای پاکی روح بشر آمدند انسان بعضی اوقات از جهنم می‌ترسید و بعضی اوقات با انگیزه بهشت به حرکت درمی‌آمد. با تجربه ا نوع مختلف تقدس، تهرفات، عبادت، روزه مساعی انسان شروع به تحول و پیشرفت می‌کند فقط آنوقت است که او شایسته رفتن به بهشت می‌شود. بسیاری خود را پاک کردن با داش اخصاصی و از آنچادر زمرة دوستان خدار آمدند.

وجود نفس (خود مرکزی یا مس)

این میکرب شیطانی است و جای آن در نقطه ناف می باشد - تمام پیغمبران و اولیا از زشتی او در جستجوی راهی بودند - خوراک افسری و بدبو بوده که در استخوانها یافت می شود پنهان در ذغال و تاپله - تمام ادیان احتمام را بعد از رابطه جنسی تجویز کرده اند بعلت بوی بد عمل از روزنه های پوست بیرون می زند - بعلاوه نوشیدنیها گوشت حیوانات با روایتی بد - استفاده از آنها برای انسان منوع شده تمام ارواح در پیشگاه خداحتی ارواح جمادی همه با هم آشنا شده و متعدد در زمان قبل از خلقت - انسان خانه ساخت از صخره بواسطه داشتن روح جمادی از شاخ و برگ درختان سقف ساخت بحاطر داشتن روح گیاهی - از سایه درختان استفاده کرد چون آن اکسیون تمیز برایش می ساخت - ارواح حیوانات که در پشت دیگران قرار داشتند هم به جهان آمدند و حیوان شدند و برای استفاده انسان حلال شدند - پرندگان نیز بهمان ترتیب حلال شدند -

درست چپ خدا، اجنده ارواح دوزخی وجود آمدند، و پشت سر آنها ارواح شیطانی که بعد آن دشمن خدا شدند، ارواح حیوانی، گیاهی و جمادی که پشت سر ارواح شیطانی قرار داشتند با انسان به ضدیت برخاستند - ارواح جمادی این مجھ و قی به دنیا آمدند خاکستر و ذغال شدند - گازهای متصاعد شده از آنها برای انسان مضر بود - گیاهان خاردار خطرناک و درختان انسانخواه از ارواح گیاهی این مجھ پدیدار شدند -

در رابطه با ارواح حیوانی این مجھ (در طرف چپ خدا) حیوانات انسانخواه و حشی بوجود آمدند پرندگان مربوط به این گروه که مضر برای انسان تشخیص داده شد حرام اعلام گردیدند - این دسته پرندگان بواسطه اینکه غذای خود را بانججه های خودی گیرند شناخته می شوند -

اروح سمت راست خدا دنیا آمدند بصورت نوکران مک پیانمه بر برای انسان - خدا انسان را بالاترین موجودات قرار داد - اکنون انسان مختار است که با کوشش و سرنوشت خود این مقام را حفظ کند یا از دست بدهد -

روح در خواب از بدن خارج می شود بصورت انسان ظاهر می شود، و در اجتماع شیاطین وارد می شود - روح (خود) همراه خناس که شبیه یک فیل است و میان نفس و قلب می نشیند حرکت می کند - خناس همراه نفس به گراهی انسان می پردازد - بعلاوه چهار پرندۀ روحانی به چهار بخش روحانی انسان می آویزند در بدن انسان و اورا گمراهی کنند - از این چهار پرندۀ خرسک به قلب می آویزد و آزاری به هم متمایل می کند - با تکرات قلب خرسک مصفا شده و به آگاهی می رسد تا می خوب و بد انتخاب کند و حلال و حرام را بشناسد - قلب در این حالت "قلب سلیم" نامیده می شود (قلب سالم) -

چسبیده به وجود روحانی سیری که یک کلاع است خالق حرص است - مشابه با آن، همراه با خفی یک طاووس است که خالق حد است و همراه با آنها کبودریست که خالق خست می باشد طبیعت این پرندگان وارد می کند حرص و حذر ابر و وجود روحانی - تازمانیکه روشنایی روحانی به آنها تابد همین چهار پرندۀ بوند که از بدن ابر ایم گرفته شد، خالص شد و به بدن برگشت - پس از مرگ، پرندگان داخل بدن ترکیه یافته پس از خروج از آن به خانه شان در درخت بر می گردند - بسیاری از مردم صدای شبیه به پرندگان از خود در می آورند پس از گذراندن چند روز در جنگل - این پرندگان با سمعیت به آنها مک کردن تا شفایانند -

نکته هم

روح شخصیت فردی (خود) و رابطه با شیطان است. پنج موجود روحانی داخل سینه با احترام مرتبط به پنج پیغمبر بزرگ می باشند.

موجود روحانی اقا (که در سر جادارد) و رابطه با خدا است.

مشابه آن، رابطه بدن انسان با کامل مرشد میباشد (ارباب جهانی).

وقتی انسان در ارتباط خاص با وجود روحانی نباشد او خود را از ارتباط با بخشندگی و عظمت روحانی محترمانه جدایی کند.

وجود روحانی قلب

پیامبری و داشت ب پیامبر "آدم" ہدیہ شد

قسمت گشته قلب "دل" باردو و "فواز" بعربی نامیده میشود۔ وجود روحانی (عضو ظریف) ہر اہل ہمان "قلب" نامیده میشود۔ حضرت آدم پیغمبری و داشت را دریافت کرد۔ با یک رسم پیغمبری، تفاوتیست بین "دل" و "قلب" این جہان خاکی عالم ناسوت۔ بعلاوه، عالمہای دیگری وجود دارند مثل ملکوت (مل ملائکہ ہا)، عنکبوت، جبروت (علم آسمانی) لاہوت (علم طبیعت خدایی) وحدت (علم اتحاد) احادیث (علم وحدانیت خدا)۔

این عوالم قبل از انجا کلوله آتشین در عالم زمین ناسوت وجود داشتند و خصوصیات آن قبل اہمان شکل بود۔ ملائک ہمراہ با ارواح وجود آمدند اما۔ ملائک مقرب و موجودات روحانی لطائف (که در زمان تولد در درون او بوجود آمدند) قبل اور این ایستگاهها وجود داشتند۔ بعداً، بسیاری از سیارات در عالم خاکی وجود داشتند۔ هم زمان، بعضی از این اشکال زندگی خاموش شدند و دیگران در انتظار (فنا خود) بودند۔ فرشته ہائی مقرب و موجودات روحانی "لطائف" (بدن انسان) هفت ہزار سال قبل از خلقت (کن) ارواح وجود داشتند۔ از موجودات روحانی خدا "قلب" را ایستگاه عشق قرارداد۔ اور ابطی است که ارتباط بین خدا و بندہ را برقراری سازد او مثل یک اپر اوت تلفن می ماند بین خدا و بندہ او دلیل (اثبات تظاهر) والہام ب انسان از طریق آن انجام خواهد شد۔

عبدتی که توسط موجودات روحانی انجام میشود بے بالاترین عالم را پیدا می کند تا سریر خدایی از راه آن عبوری کند۔ اما این وجود خودش ب تہیی نبی تو انداز ملکوت بگذرد (علم ملائکہ ہا) جای آن در خلد (آسمان پائین) میباشد۔

عبادت او در وسط میماند و تسبیحش در میان اسکلتیش باقی می ماند (ضربان قلب)۔ ساکنین بہشت بدون تکرات او (درجہان) پشمیان خواهند شد، زیرا خدا اگفت آیا ساکنین بہشت فکری کنند کہ آنہا باز ہاد مساویند (که به عالم بالاتر رسیدند با رفتار روحانی، چون آسمان هفت طبقہ دارو)۔ آنہایی کہ تکرات قلبی انجام میدهند از لذت آن در بہشت بہرہ مندی شوند (وقتی کہ قلب آنہا با اسم اللہ بہ طیش در می آید۔ ہمانطور کہ در دنیا ی تکمیلی انجام می داد) دنیا ی غیر روحانی با مرگ از بین می رود۔ آنہا یکہ قلب وجود ہائی روحیشان بے اندازہ کافی قوی نیست از نور خدا، در قبر از میان میر و ندو تباہ میشوند۔ اما وجود ہائی مصطفی وجود ہائی قوی روحانی بے علیمین می روند (مکانہای بالا) پس از روز جزا، و یک بدن جدید بہ آنہا داده خواهد شد و وجود ہائی مصفای روحانی ہمراہ باروح انسانی بے بدن وارد خواهد شد۔ مردمی کہ پس وجود روحانی خود تکرراً آمودخته اند و اسم خدارا میسر ایند در این دنیا ہمین نام در دنیا ی دیگر نیز زمزمه می کنند آنہا بے صعود ادامہ می دهند وقتی بہ آنجابر سند "پرده قلبها" (کہ به روشنی نرسیده اند) در این دنیا ی تکمیلی، پرده سیاه بر قلبشان کشیده شده در جہانی کہ در پیش دارند، (چون آن جہان عمل بود) پس ہمانطور بدون حرکت باقی خواهند بود۔

هم مسکیان و میهودیان، و هم هندوها به موجودات روحانی اعتقاد دارند. هندوها آنها "شاکتیان" می‌گویند و مسلمین آنها را لطف مینامند. قلب دوازده طرف چپ دل قرار دارد. این موجود را زنگ زرد است. بر انگیختن آن چشم هارا برجگ زردمتایل می‌کند. آنها یک که دارو باشند گیری را تجویز می‌کنند مردم را به رنگ این لطف روحانی معالجه می‌کنند.

مفهوم امردم کلمات داشان را (احساسات درونیشان را) بعنوان حقیقت می‌پذیرند. اگر دلها در حقیقت راست می‌گفتهند پس چرا همه‌ی اهل دل متخد و یکصد ایستند. قلب بسیاری از مردم خواب دلی احساس است. (قلب صنوبر) و یقیناً فهم و درک صحیحی ندارد. این عدم فهم و اوراک بواسطه تسلط نفس و خناس (وسوسه گر) می‌باشد. یا بواسطه سادگی و تفہمی آنهاست.

واروکردن اعتماد به دل خواب (دلی حس) احتقانه است. وقتی نام خدا اول را به تپش و امید اراده درک درست و غلط و فهم متعاقب آن می‌آید. در این حالت قلب سلیمان نماید می‌شود (قلب سالم). و تعالیٰ تکرات قلب به سوی خدا تغییر جهت می‌دهد. در این صورت نامش قلب نیب است (قلب تائب). این قلب می‌تواند انسان را از شرارت بازدارد اما تضادت صحیح را باعث نمی‌شود. وقتی تجلیات خدای شروع به پر کردن دل می‌شود به آن قلب شهیدی می‌گویند.

یک رسم پیغمبری بیان می‌کند "رحم خدابه دلهای شکسته و قبرهای شکسته سرازیری شود" (وقتی دل به این مرحله می‌رسد) انسان باید با آمادگی هر چند دل می‌گوید قبول کند بجا اطراف (تجلیات) نفس به نفس مطمئنه تبدیل می‌شود. در این موقع خدابه او نزد یک تراست از رنگ گردن. خدا سپس می‌گوید. "من زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید من دست او می‌شوم وقتی می‌گیرد" .

روح انسانی

پیغمبری و داشتن به ابراهیم متعلق گرفت

وجود روحانی "روح" در طرف راست سینه قرار دارد. تکرات و اندیشه هاروح را بر می‌انگیزد، سپس تپش بیکوون تپش دل مدام طرف راست را می‌لرزاند. سپس نام خدا "یا اللہ" همراهی می‌شود با این لرزش. به این ترتیب، وجود روحانی متکر داخل انسان وجود خواهد داشت و این از تکرات قلبی نیز بالاتر است. رنگ روح قرمزا است، وقتی روح بیدار می‌شود بطرف عالم ارواح پروازی می‌کند، جبروت، که جایگاه جریل است خشم و طغیان به آن آوریز ان می‌شود و در بزرگ او تاثیر می‌گذارد.

وجود روحانی سری (مخنی)

پیغمبری و داشتن آن به موئی داده شده

این موجود روحانی درست چپ مرکز سینه قرار دارد. آن هم تو سط تکرات درباره خدا "یا حی یا قیوم" بحرکت در خواهد آمد. رنگ آن سفید است. در حالت رویا تکرات عرقانی آن سفرمی کند تا "لا هوت" عالم طبیعت آسمانی". اکنون سه وجود روحانی در دل انسان در تکر اندو آن از

نظر رتبه از دو تای دیگر بالاتر است.

وجود روحانی خفی

پیغمبری و داش آن به پیغمبر عیسیٰ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖہ وَسَلَّمَ اعطا شد

این در طرف راست مرکز سینه قرار دارد. آنهم نام خدارا بصورت "یا واحد" آموخته است با تلفظ. نقش سبز است. رسیدن به آن از راه وحدت میباشد (علم یگانگی). رتبه انسان مرتبًا افزوده میشود با تلفظ در چهار (لطف) همورد.

وجود روحانی اخفی (مخفي)

پیغمبری و داش آن به حضرت محمد ﷺ اعطا گردید

این موجود در مرکز سینه وجود دارد. تلفظ در باره نام خدا از راه "یا احد" به نقطه اون خود میرسد. نقش بخش است آنهم مربوط میشود به پرده وحدت که در پشت آن تاج و تخت خدایی قرار دارد.

دانش خاص درباره این پنج موجود روحانی با کمال احترام به پنج پیغمبر بزرگ اعطا گردید. وصفی از هر کدام ازین پنج وجود روحانی نصیب اولیا شد. به این ترتیب، به ده قسم تقسیم شدند. پنجم، برگزیدگان نیز از سهیمه اولیا بهره گرفتند. دانش خاکی مربوط به قسمت فیزیکی بدن میشود (غیر روحانی) کلمات ادا شده. عالم خاکی، نفس (خود) و برای مردم عادی میباشد. این دانش در کتاب مربوط به بدن کسی بخش دارد. پیغمبران دانش مربوط بدن را نیز از راه "وجی" (پیغام آورده شده توسط جبرئیل) می آموزند و "کتاب مقدس خاکی" نامیده میشود بسیاری از آیات قرآن بعد از نازل شدن مفسون خ گردیدند. زمان پیغمبر فقط آیاتی که مربوط به برگزیدگان بودند نازل شد و پیغمبر آنها را باز گو کرد. بعد اتفاقی این دانش از راه دنیوی ادامه پیدا کرد، از یک ولی به دیگری و اکنون در کتابهای باز گو میشود.

وجود روحانی انا (لطیفه انا)

این موجود داخل سر میباشد و بی رنگ میباشد. تلفرات بر اسم خدا "یا هو" راه رسیدن به آن است این موجود روحانی وقتی تقویت شود با خدا مقابله میشود چهره و قار و خواهد بود شخصاً بدون پرده با خدا صحبت کند. این ایستگاه "عشق" میباشد (دوستی عاطفی با خدا). بعلاوه آن، خدا به برگزیدگان خود موجودات روحانی دیگر انیم مثل "طفل نوری" یا "جس توفیق الہی" موقعیت آن بالاتر از هم انسان میباشد. با موجود روحانی انا (لطیفه انا) دیدن خدا در رویاست با وجود روحانی "جس توفیق الہی" دیدن خدا از راه مراقبت میسر است (وجی موجود روحانی خودش از بدن انسان خارج میشود به اصل الہی و اصل میشود). آنها عینکه دارای موجود روحانی طفل نوری میباشند خدارا در میان بندوقی در خود آکاهی قرار دارند.

آنها "نائب اللہ" نامیده مشوند (نواب خدا) در جهان - آنها میتوانند هر کسی را توسط عبادت بگیرند و در تقسی خودو یا اینکه بستایند هر کسی را با
نگاهشان در مقام محمود (محل عظمت و بزرگی) - لطف روحانی آنها بطرف مسلمین سرازیر است بطرف زندگان و مردگان بطور یکسان - همانطور
که دزد گزیده شد بعنوان قطب (ولی) با نگاهی از طرف شیخ عبد القادر گیلانی، یا ابو بکر حواری یا اینکه منگای دزد بعنوان پیر (مرشد) برگزیده
شد با نگاهی از طرف برگزیدگانی مشل او -

پیغمبر بزرگ با کمال احترام داشت موجودات روحانی (لائف) به آنها داده شد - (با هماهنگی با ظاهر قیافه آنها) همانطور که روحانیت به رشد
ادامه میدارد - با هر کدام از برگزیدگان شناور تفکر ایقان همراه شوید، شماره ردیف مرتضیان با پیغمبر قرار خواهد گرفت و کمال روی قابل احترام - هر
کدام از موجودات روحانی که تجلی را در یافت کند - زهدی که به آن موجود روحانی عطا شده مرتبط میشود با خط همان پیغمبر - پیش رفتن بسوی
علوم هفتگانه و مراتب در هفت آسمان از طریق همین هفت وجود آسمانی میسر است -

وظیفه لائف (وجود ہای روحانی) در داخل بدن انسان

وجود انگشتی: انسان در رابطه با وجود روحانی انگشتی صحبت می کند، در غیر این صورت، انسان لال است با وجود داشتن زبان قاوت انسان و
حیوان مربوط به همین وجود روحانی میباشد - در زمان تولد، اگر انگشتی به هر دلیلی وارد بدن انسان نشود پیغمبر محترم که وظیفه داشت (که شرط رابر
آورد) که اورا به صحبت در آورده باشد کوشش را شروع بفرزدن میکرد -

وجود سری (راز): انسان توسط وجود روحانی سری میبیند - اگر نتواند وارد بدن بشود، انسان از بد و تولد کر میباشد - پیغمبر محترم این وظیفه را
داشت که شرائط را انجام دهد کوشش را شروع بفرزدن میکرد -

وجود قلب: بدون این وجود روحانی انسان شبیه به یک حیوان میشود - نا آشنا و دور از خدا، زندگیش بی هدف و همراه با بد مختی خواهد بود - بر
گرداندن این موجود به بدن انسان نیز وظیفه پیغمبر میباشد - مجزات پیغمبران یعنی کیمی اولیا عطا شد بصورت کرامات به این دلیل ناپاکان و متجاوز
زین همه به خدار سیدند -

وقتی وجود روحانی محترم بر گردانده میشود از طریق ولی یا پیغمبر کر لال و کورش فای یا بد

وجود " اقا ": وقتی موجود روحانی نتواند وارد بدن شود انسان مجذوب به حساب می آید حتی اگر تمام اعصاب و جوارح او عادی کار نکند -

وجود خفی: انسان بدون وجود خفی کراست حتی اگر کاتال ہای گوش کاملا باز باشد - شرائط فیزیکی یعنی میتواند عملت کری باشد اما آن قابل
علاج است - اما اگر عملت داخلی باشد شفایی یابد مگر به کمک یک پیغمبر یا ولی -

وجود نفس (وجود شهوانی نفس - - خود): راه انسان بطرف دنیا می باشد در رابطه با نفس و به خدا میرسد به کمک قلب -

کلمه اللہ

زبان سریانی که با آن در عالم مساوات صحبت می‌شود زبانی است که خدا افرشتہ بایا هم در آسانه‌ها صحبت می‌کند. آدم صفوی اللہ در بهشت با این زبان صحبت می‌کرد، آدم و حوا به کره زمین نزول کردند. در عربستان مسکن گزیدند. پچ ہائی آنها نیز با همان زبان صحبت می‌کردند بعلت اینکه پچ ہائی آنها در سرتاسر زمین پراگندہ شدند زبان آنها به زبانهای فارسی، عربی، لاتین و انگلیسی تغییر یافت. به این ترتیب خدا در هر زبانی نامی یافت. چون آدم در عربستان زندگی می‌کرد بسیاری از کلمات سریانی به زبان عربی وارد شده. خدا با پیغمبران صحبت کرد، آدم بعنوان آدم صفوی اللہ عیسیٰ بعنوان عیسیٰ روح اللہ و محمد رسول اللہ این کلمات (غلب) در زبان سریانی در لوح محفوظ حک شده بود قبل از اینکه پیغمبران دنیا بیاورد. به این دلیل پیغمبر محمد ﷺ لفظ می‌گفت: من قبل از اینکه بد نیای بیاهم پیغمبر بودم.

بعضی فکری کنندگان می‌نمایست که توسط مسلمانان داده شده، امام نظرور نیست

نام پدر حضرت محمد "عبد اللہ" بود که قبل از اسلام زندگی کرد. نام "اللہ" (کلمه) تمام ادیان قبل از اسلام نیز بوده. وقتی ارواح بوجود آمدند او لین (کلمه) که او اکردن "اللہ" بود. وقتی روح وارد بدن آدم شد او لین بار (کلمه) اللہ را ادا کردند. روح بعد از گفتن (کلمه) "یا اللہ" وارد بدن شد. بعضی از ادیان این را قبول وارند. و (کلمه) "اللہ" را تکرار می‌کنند، بعضی بخاطر سوء ظن و شک از آن اعتنای می‌کنند.

هر نامی که به خدام ربوط می‌شود قبل احترام است

راهش را بسوی خداع عرض می‌کند. اما اثر (متعدد بودن) نام (خدا) آنها از هم سوا کرد. طبق ترتیب حروف و تلفظ آنها یک ترتیب شماره برای هر کدام از حروف وجود دارد. همچنین یک دانش آسمانی وجود دارد. ارزش شماره ای مر بوط به همه خلقت می‌باشد. تصافا، ارزش شماره ای همانگی در داخل خود ندارند همچنانکه انسان نگران است. بسیاری بطرف ستاره شناسان و آشنايان به این علم میروند و فال بنی. واسطه بایی دارند بر اساس ستاره ها و آنها نامهای پچ ہائی خود ابراساس آن انتخاب می‌کنند. یک ترتیب قرار گرفتن حروف عربی (مثالاً، ب، ج، د، ه، ۲، ۳، ۴، ۱) به این شکل ارزش حروفی به آنها داده شد. همینطور بر اساس این حروف ابجد ہر ای یک ارزش عددی دارد. اگر ہم مردم خدارا په یک نام می‌نامیدند آنها ہم روح احمدی شدند با وجود تفاوت دینی آنها. سپس آنها هم مثل ناک صاحب و بابا فرید می‌کنند "تمام ارواح از نور خدا آفریده شده اند گرچه محیط و اجتماعات اشان جداست".

ملانکه بایی که در زمین و ظایقی دارند، همچنین زبان مردم دنیا را آموخته اند. برای پیر وان ہر پیغمبر می‌بم است زمزمه کنند نیایش "کلمه" ای را که توسط رب به پیغمبرش داده شده در زمان خاص، برای تشخیص، سپاس و تذکر کیه جامعه اش. ورود ہر شخص به ہر دین منوط به عرضه "کلمه" می‌باشد ہما نظر ک قول وقرار در ازدواج و خطبہ آن یک نوع پیش شرط می‌باشد، ورود به بهشت نیز منوط به عرضه و میان "کلمه" می‌باشد (در اسلام شہادتین). اما در جهان غرب بسیاری از مسلمان مسیحیان از "کلمه" پیغمبر ایشان اطلاع ندارند یا حتی نام اصلی پیغمبر انشان را (در زبان اصلی پیغمبر شان).

مردم در موقع بیان کلمه احتیاج به اعمال نیک دارند، و آنها بی کنی تو ایند کلمه را بیان کنند به بہشت راه ندارند. آنها نیک و رقیب شان تائید کلمه ریشه گرفته بدون یقین اشاره ای به بہشت وارد می شوند. کتاب آسمانی در هر زبانی که بوده باشند. و اگر در زبان اصلی باشند، وسیله ای برای پیدا کردن خدمایها شند. متون به بلوغ رسیده و ترجمه ها (مثل آردو که تغییر ماهیت داده برای معده مضر است) برای دین مضرند و گلهای یک دین و یک پیغمبر به حقایق بسیاری تقسیم شدهند.

برای اطمینان از شناخت راه راست، بہتر، از انوار ائمی را هنما می بخویم.

روش ایجاد نور

در زمانهای قبل از تاریخ - ماش سنگها بهم ایجاد آتش میکرد - و ماش و قطعه فلز نیز ایجاد جرقه می نماید - اکنون الکترسته از حرکت آب بوجودی آید - مشابه آن، از حرکت قلب در بدن ایجاد الکتریسته می شود و همچین از حرکت خون در رگهای انسان - تقریباً یک نصف (۲۱) ولت برق در بدن وجود دارد، این بدن انسان را به حرکت سریع و ای دارد، همانطور که ضربان قلب در افراد پیر کند می شود، مقدار برق در بدن کم میشود و همینطور چاکی انسان کم میشود - اول آباید ضربان قلب مناسب نگهداشته شود - بعضی با قص و دیگران باورزش و نرمیشند - بعضی باز مزموده نام اللہ ایکار را انجام می دهند.

وقتی ضربان قلب مناسب باشد، سعی کنید "اللہ اللہ" را هماهنگ کنید با یک ضرب قلبجان و "ھو" گفتن را با ضربه ای دیگر - بعضی اوقات دستان را روی قلبجان بگذارید و با احساس ضربان آن هماهنگ کنید باتام اللہ - گاه گاه هماهنگ کنید آزر با ضربان (ریتم) قلب - و تصور کنید که خدا وارد قلبجان می شود - زمزمه "اللہ ھو" بهتر و نافذ تر است - اگر کسی "ھو" را در کنده ای از زمزمه "ھو" میترسد بهتر است بجای آن "اللہ اللہ" را هماهنگ کند با ضربان ولرزش - زمزمه کند برای آنها یکم در کلیسا دعای خوانند، تذکار و سرو دباعث پاک ماندن هر چیزی شر میشود -

کارهای ناختر مانه به اتمام نمی رسد و کارهای خوب به اتمام و اکمال میرسد

اویین روش بوجود آوردن نور: اللہ را روی یک کاغذ با مرکب سیاه بنویسید و تکرار کنید ہر اندازه میتوانید بصورت روزانه - یک روز کلمه اللہ در مقابل چشم شنا نقش می گیرد از روی کاغذ - پس، سعی کنید جا بجا کنید کلمه اللہ از چشمتان به قلبجان تو سط تمکز -

روش دوم برای ایجاد نور: اللہ را روی یک لامپ صفر و آبی بنویسید - وقتی بیدارید یا قبل از رفتن برخت خواب، تمکز پیدا کنید و سعی کنید که این نام را در چشمتان جذب کنید - وقتی ظاهر شد و یا بالای چشمتان به پرواز در آمد یعنی پس از چند روز سعی کنید آزر ابا تمکز به قلبجان وارد کنید -

روش سوم ایجاد نور: این روش برای انسانی است که مرشد کامل دارند (رهبر جهانی) که رهبری می کند توسط ارتباط و باستگی روحی خود - در گوش ازدواجیگرد، تصور کنید آنگشت اشاره شما یک قلم است - با استفاده از آنگشت و با تمکز، سعی کنید کلمه اللہ را روی قلبجان بنویسید - رهبر جهانی خود را صد اکید تا او هم - در حالیکه آنگشت شما اگرفته کلمه اللہ را روی قلبجان حک کند - ہر روز این کار را تمرين کنید، تا وقتی که ببینید کلمه اللہ روی قلبجان حک شده - در اویین و دو میں روش نام خدا بر قلب نقش می بند و همیشه بخوبی دیده میشود وقتی با ضربان قلب هم آهنگ شد - کم شروع به درخشش می کند - همانطور معاون رهبر جهانی از این راه به نتیجه رسیده - بسیار خوب نوشته شده و از ابتداء روی قلب می درشد -

بسیاری از پیغمبران و اولیا به این جهان می‌آیند. فقط برای آزمایش در حین ذکر (تفکر). اگر شما مناسب دیدید گاه تمرکز پیدا کنید و نام آنها را بر زبان آورید. اگر ضربان قلب شما زیاد شد یا حال خوشی یا غمید باین معنی است که سرنوشت شما (هم شما از رحمت و مغفرت) هر راه آن پیغمبر را ولی است. اور ابرای موقوع تمرکز تان انتخاب کنید (حالت خلصه). زیرا هر ولی (مرد خدا) مربوط به یک پیغمبر می‌باشد، حتی اگر آن پیغمبر در حال زندگی خاکی نباشد.

رحمت و مغفرت هر مومن با یکی از اولیا است. زندگی خاکی آن ولی یکی از پیش شرط‌هاست. گاهی یک انسان خیلی خوبخت رحمت روانی آسمانی را بواسطه یک ابر مرد جهانی خاص دریافت می‌کند (که در حال زندگی نباشد) اما این خیلی کم اتفاق فی افتادا مازهادی که در این جهان خاکی در حال زندگی نیستند این رحمت جهانی میتوانند از داخل قیر خود به مردم اعطای کنند. این رارحمت رومی اویسی بین‌الملوک دریافت کنندگان این چنین رحمات و کرامات اغلب در گیربینیش و رویای خود می‌باشند، زیرا هنسای جهانی آنها که این معونت و مک را به ایشان می‌رسانند را وارای طبیعت می‌باشد و همانطور هم شیطان. به این ترتیب، شناخت این دو شکل هر راه با این رحمت روحانی، داش نیز مهم است همانطور که یک ولی زنده (مراد) مناسب تر است. اگر رحمت روحانی باشد اما داش نیز نباشد، او مجذوب نامیده می‌شود (شخصی که در تکرات آسمانی فرورفت) وقتی رحمات آسمانی باشد اما داش هم باشد او محظوظ نامیده می‌شود (دوست داشته شده) تو سلط علم و داش خود محظوظ هر ایشانی دنیوی را هر راه با رحمات روحانی ہدیه می‌کند. در حالیکه مجذوب در امور کم اهمیت مساعدت می‌نماید هر راه با فریادهای ناجا غیر عادی و تنفسی مردم باعضا.

اگر کسی ظاهر شده اما بشما کمک نکرد پس حضرت گوهرشاهی را بیازماید

در ییج دینی شرائط خاص وجود ندارد مگر وقتی که شخص سرنوشت بد ابدی داشته باشد. بسیاری از مردم (رحمت روحانی قلب) را از تفکر و خلصه از ماه نیز دریافت می‌کنند. این روش: وقتی ما تمام از مشرق سر می‌زند. هر راه با تمرکز به آن نگاه کنید وقتی چهره حضرت گوهرشاهی را روی آن دیدید گویید اللہ، اللہ، اللہ، سه دفعه و در این حال رحمت خدایی شامل حال شما خواهد شد. از آن بعد بدون ییج ترس و پنهان کاری عمل ذکر و تفکر را انجام دهید همانطور که توضیح داده شد. اعتقاد پیدا کنید که (به این حقیقت) این چهره نقش شده در ما با بسیاری از مردم بازیان خودشان با آنها صحبت کرده. شما هم میتوانید آزمایش کنید و با آن صحبت کنید.

درباره مراقبه

(تکرات متعالی یا سفر روح)

بعضی از مردم کوشش می‌کنند به مراقبه بدون بیدار کردن موجودات روحی (لطائف، هلتیاں) و بدون کسب قدرت روحی - آنها یا نمی‌توانند به حال خلصه و تکریر سند یا تحت تسلط حالات شیطانی قرار می‌گیرند - این نوع تکریر برای افراد بی‌نور رسیده می‌باشد که نفسشان را سرکوب کرده باشند و قلبشان تصفیه و پاک شده باشد - این نوع تکرات احتمانه و برای مردم عامی می‌باشد ہر نوع عبادت فیزیکی که انجام داده باشند (برای رسیدن به آن) - برای جمیع آوری نیرو از موجودات روحانی بوسیله نور و پس سفر به یک مکان، همان است که بعنوان مراقبه شناخته می‌شود -

ولایت یک چهلم پیغمبری است

هر رؤیا، سفر روحانی، الهام یا ظهور پیغمبر ذهن انسان معتبر است و احتیاج به اثبات ندارد - فقط چهل درصد از رؤیاها سفرهای روحانی و الهامات اولیا صحیح هستند بقیه قبل اعتماد نیستند که برای اثبات احتیاج به داشت زمینی دارند -

بدون داشت شناخت خدا غیر ممکن است

پایه‌نترین نوع مراقبه پس از بیدار کردن موجود روحانی قلب شروع می‌شود، که بدون تکرات قلبی غیر ممکن است (تکریرهای بالرژش ضربان قلب که هماهنگ با نام اللہ باشد) - آن احتیاج به یک ضربه دارد تا انسان را از حالت خلصه (تکرات) به حالت عادی برگرداند - استخاره (جستجوی الطاف الہی - نگاه به کتاب مقدس، یا قضاوت بوسیله فال) - چنین ارتباط به قلب دارد - دوره دوم مراقبه بوسیله روح است - این احتیاج به شش ضربه دارد تا بحال اول برگردد - برگشت انسان از حالت خلصه به حال معمولی - موجود روحانی اتا و روح بخش سوم مراقبه را هم انجام میدارد روح همراه با موجود روحانی اتا به جبروت (جهان خواهش های آسمانی) سفری کند - همانطور که جریل ملک مغرب همراه حضرت محمد به جبروت صعود نمود - این چنین اشخاص حتی در قبر دفن شده اند و از آن آگاهی نداشته اند - این چنین سفر روحی اصحاب کهف را در برگرفت - و در غار بیش از سیصد سال بخواب رفتهند - وقتی این حالت روحانی شیخ عبد القادر گیلانی را اور برگرفت از جنگل - اهالی جنگل او را به قبر کشاندند چون فکر کرند که او مرده - اما حالت روحانی (خلصه) درست قبل از زور و بد بقیر پایان یافت (شیخ به حالت طبیعی برگشت) -

تشخیص الہام و حی از خدا

وقتی انسان ارزش در یافت تجلیات را پیدا کردو ان زمانیست که موجود رو حانی در سینه اش در خشان شده است و بیدار در ان موقع خدارو برو با او به ختن در خواهد آمد. در حالیکه خدا که قادر مطلق است در حال و هر شکل میتواند این کار را انجام دهد. اما اوروش خاصی قرار داده برای تشخیص خود را بدین وسیله دوستانش را از وسوسه های شیطانی برخاند او آلتی به زبان سریانی در قلب جتوگر ظاهر میشود هرراه با ترجمه آن به زبان خود جتوگر مشتاق متن مذبور سفید و در خشان است و چشم بطور ناخودآگاه بسته میشود. متن را از درون درمی یابد. متن سپس وارد قلب میشود. و همیشه پیش میرود تا به وجود رو حانی سری برسد. در نتیجه پیشتر به در خشش درمی آید. سپس متن پیشتر رفت و به موجود سری انھی میرسد. و در آنجایی از هم در خشانتر میشود. و سپس بطرف زبان حرکت می کند و زبان خود به تکرار آن متن مینماید.

اگر این الہام از طرف شیطان باشد یک قلب مشعشع آن متن را پاک می کند و اگر متن قدر تمدن باشد. موجودات رو حانی سری و انھی هم را پاک می کند. بعد ایواسط ضعف موجودات رو حانی اگر متن به زبان پیاید زبان خود بخود باز پیان آن جلوگیری می کند. این الہام برای برگزیدگان اولیا است، در حالیکه بخاطر اولیاء معمولی خدا پیغام را تو سط فرشتگان یا ارواح دیگر میفرستد. وقتی که جبرئیل هرایی کند آن متن مخصوص الہام شده را به آن وحی می گویند که آن فقط مخصوص پیغمبران است.

بہشت برای کیست

کسانیکه از ابتدا سرنوشتشان رفتن به جهنم است کوشش می‌کنند تا با اعمال نیک و عبادت، اما در آخر آنها مردود می‌شوند. (همانطور که شیطان رانده شد) بعلت اینکه خست، تکبر و حسد را به ارت برده اند.

یک رسم پیغمبری هست، "کسیکه حتی ذره ای از بخل و خست، حسد و تکبر در وجودشان هست نمیتوانند به بہشت بروند" -

مردمی که سرنوشتشان رفتن بہشت است - حتی اگر عبادت نکنند مشخص هستند - آنها دارای قلبی نرم - مخلص و آزاد از حرص و حسد می‌باشند، آنها تجیه هستند - اگر عبادت مشغول می‌شوند آنها مرتبه ای عالی دریافت می‌کنند - خدا زینه بایی برای آمرزش آنها فراهم می‌کند - و یگر این بینهاین هستند و یک گزارش مادومی از کروار نیک و بد آنها بثبت می‌شود.

برگزیدگان نیز هستند، لئنها قبل از خلقت به خدا عشق می‌ورزیدند - آنها کاری به بہشت و جهنم ندارند، و همه چیز را بحاطر عشق به زمین میگذارند (عشق خالص به خدا) همراه با رحمت و ذکر و حرم خدا - آنها روح خود را به درخشش و امید اند - وزیبائی دیدار خدارادرمی یابند، بالاترین بہشت (فردوس) فقط مختص این ارواح می‌باشد.

یک حدیث پیغمبری برای آنها اظهار می‌کند، بعضی از افراد بدون پیچ حسابی به بہشت می‌روند
(وضع)

خداصورت رویایی جهان را به بعضی از ارواح نشان داد (در زمان قبل از خلقت) و آنها را برآنگیخت تا در سرنوشت خود دنیوی باشند - آنها کوشش شجاعانه ای کردند تا ثروت زمین را صاحب شوند (پس از آمدن به زمین) آنها دزدی کردند، جیب بری کردند، رشوه گرفتند و به جنایات توجه کردند و حتی وحدانیت خداران پذیرفتهند.

بعضی ارواح بین آنها بودند که طرفداری کردند از دین و عبادت کردند تا به بہشت برسند - اما این کاربی نتیجه ماند (همانطور که وضع شیطان بود) چون بعضی متکبر بودند یاداری دینی بودند که خدا آنرا دوست نداشت - در راه آنها موافقی ایجاد شد.

ارواح دیگر که بہشت را انتخاب کردند (در زمان پیش از خلقت) اعمال روزمره خود را انجام میدادند، اما عبادت را ترجیح میدادند و نیکوکاری را آنها همچه جاذب نباید عبادت میدویدند حوریان آنها را می‌پنند و کاخهای بہشت و موفق به گرفتن بہشت شدند - اما در این مبحث دیگرانی بودند که در عبادت تجملی کردند، زیرا سرنوشت آنها برای بہشت نوشتۀ شده بود - بعضی ها، آنها را مورخ تحسین قرار دادند اما هرگز آنها مرتبه پر هیز کاران را در بہشت نیافرند - در این باره خدا گفت "آیا آنها خیال می‌کنند که آنها را همراه پر هیز کاران قرار خواهیم داد" (همانطور که هفت سطح و طبقه در بہشت هست).

هدایت مردم عادی تو سط پیغمبران انجام میشود، کتابهای مقدس، گروها، اولیا و سلیمانی آنها دین و اظهار عبودیت است. اولیا در تخت بیشتر کریمانه خدای قرار می‌گیرند بدون کتاب بعبارت دیگر نور آنها را هبری می‌کنند این موضوع در کتاب مقدس بیان شده.

آنها نیکه خدا انتخاب می‌کند آنها را نور را هنمایی می‌کند

گفته می‌شود که "کلمه" اساس ورود به بهشت است این بدنهای میشوند بلکه روحها هستند که به بهشت وارد میشوند "کلمه" رمز ورود به بهشت است. پس روحها میتوانند اعتماد خود را ظاهر کنند، وقتی به عالم بینش می‌رسند. یامکن است پس از مرگ این کار را انجام دهند. همانطور که والدین و عمومی حضرت محمد عقیده خود را ظاهر کردند. پس نوبت بر گزیدگان رسید. که اطمینان کرده و تا کید کرد "کلمه" را در عالم آسمانی، قبل از آمدن به این دنیا.

پیغمبر ما بارها گفت که اقبل از آمدن به این دنیا پیغمبر بوده است. این گفتار روح بود (روح حضرت محمد ﷺ) بهارواح. وقتی به حضرت محمد بدن عطا شد پس از آمنش با این دنیا (توضیح این مطلب اینست که) فقط در صورتیکه ملتی باشد که باید رهبری شود رهبری پاپی دینی آیند وقتی پیغمبران می‌آیند که پیر وانی داشته باشند و غیر این صورت فایده چه خواهد بود.

پس این چنین افراد (اولیا) به دین های مختلف فرستاده میشوند. بعضی بیکل بابا فرید و بعضی دیگر به قیافه گروناک. روحانی که خدارا پیدایی کنند به دینها نگاه نمی‌کنند بلکه به آنها نگاه می‌کنند که بسوی خدا پیش می‌روند و از آنها پیر وی میکنند غوث علی شاه (ولي) در کتاب "تذکره غوشیه" نوشت، که حتی کرامات روی راز اولیاء هند و دریافت کرده. روحانیون اسلام، ملاها نتوانستند این موضوع را در کتاب کنند. به این دلیل غوث علی شاه را به مرگ محکوم کردند. آنها حکم کردند که اگر مسلمانی در منزش کتاب او را در باید آنرا آتش بزند، اما، این کتاب باقی ماند و هنوز هم در هندو پاکستان وجود دارد و هنوز هم مورد علاقه مردم است.

بعضی از ملجهای پیغمبر خود را قبول کرند و دیگران آنها را نمی‌شنند. آنها نیکه پیغمبران را را نمی‌شنند. با وجود این مطابق دینشان پیغمبرانی فرستاد. آنها به آن ملت روش نجات از گناه را آموخت، آنها کوشیدند تراه معتقدین خود را برگردانند با طرف خدا از طریق عبادت، مراسم و آداب و رسوم. آنها آموختند در سهایی صلح و عشق خدایی را. اگر آنها فرستاده نمی‌شدند پس امروز باید هر دین تشنه خون دینها و دیگر باشند. خضر (شنومه راج) که راز همه دینیان را می‌داند روح این چنین اشخاص را رهبری می‌کند.

تقوی برای کیست؟

علم الیقین: این چنین افراد دنیوی هستند، وزندگی خود را بر اساس شنیده هاستواری سازند. اعتماد آنها بر اساس علم است. ایمان خود را بر پایه آنچه از دیگران می‌شنوند بنامی کنند و احتمالاً بهیراهمی روند هر چه بدست می‌آورند بواسطه خود حتمشان است نه تقوی شاید از راه حلال بدست آورند یا حرام.

دہد

عین ایقین (چشم اطمینان): گرچه این افراد از اهدنامیده میشوند. هنوز هم دست از دنیا برخی دارند. اما تمکن زندگیشان و دل بسوی خدا متوجه است. آنها اغلب دیدگاه‌های آسمانی را می‌بینند. جایگاه آنها جایگاه نظر و بینش است. آنها از حال زندگی می‌کنند و حرام آزارشان می‌خدا

حق ایقین (حقیقت اطمینان): جایگاه آنها سیدن به حقیقت است. به عبارت دیگر خدا آنها را به مقامی منسوب کرده. آنها در حیطه رحمت و کرامت پروردگار قرار دارند. و در این جهان غم و گرفتاری ندارند. حتی در زندگی خاکی آنها از حالات هم دوری می‌گزینند. اگر بر وند و در یک جنگل بنشینند. خدا آنجلیز احتیاجات آنها را برآورده میکند. این جایگاه خدا تسان است. حتی تازه کاران طریقت از خداتری حرف میزند، اما آنها موفق نیستند.

تقدیر (سرنوشت)

دونوع تقدیر و جوودوارد

۱- ازل (ابدی و آنچه باید اتفاق بیافتد) ۲- معلق (مشروط یا موقوف)

بعضی می‌گویند وقتی حوادث قبل از نوشته شده در تقدیر یا، پس چرا باید برای بدست آوردن این دروغ آن در بین خیم؟
محمد و مسلم جهانیان گفت که این دروغ آن و در زدن و کوشش برای بدست آوردن روزی هم در سرنوشت مانو شده شده.

برای مثال: گلدانی مال شماروی با مگذاشته شده (این ازل است). برای برداشتن گلدان باید شما از پله ها بالا رفته و به پشت با مرسید این شرائط معلق است که به انتخاب شما بستگی دارد. بخاطر همین بخش شرطی است که در روز قیامت موآخذه میشوند بخاطر آنچه در اول نوشته شده. وقتی شما به پشت با مرسید شما بدست می‌آورید آنچه در سرنوشت شما نگاشته شده. اگر شما تبلیل بودید و به پشت با مام نمی‌رسید. شما بآن نمی‌رسیدید. از طرف دیگر، اگر شخص دیگری، که در سرنوشت گلدان گل وجود نداشت به پشت با مام برود یا باز محبت مناسب باز هم به آن دسترسی پیدا نمی‌کرد.

سویین مجھش روح

سویین مجھش ارواح، آنها که نه دنیارا انتخاب کردنده بہشت را، تنها آناند که به دیدار خدا نائل می‌شوند (در جهان قبل از خلقت). آنها همه چیز را بخاطر جستجوی خدارها کردنده وقتی که به این جهان آمدند بسیاری سلطنت خود را ها کردند و گرسنه و تشنده و جستجوی او در جنگل گذرانند. بسیاری سالهای در رودخانه نشستند پس از موقیت آنها اولیا اللہ نامیده شدند (دستان خدا). آنها را به موقعیت و وظائف مختلف نامزد کرد و آنها شفا و وسیله امید برای آنایکه سرنوشت‌ها رفتن به جهنم بود قرار گرفتند.

بها نطور که اقبال شاعر پاکستانی در این شعر میسراید:

”که سرنوشت تغییر میسر میدهد با نظری از یک مرد خدا“

کاملاً لازم است که روحهای خاکی (که دوباره به بدن وارد شده‌اند) در هر زندگی فیزیکی یک رہنمای روحانی را ملاقات کنند (پیر، مرشد، گرو) بعنوان رہنمای زندگی قلبی یا معلم یاری دهنده تازه‌روزد به بدنها دیگر خلاص شوند.

این همانند خلاصی از یک پیشگوئی پس از آمدن یک پیغمبر بزرگ است. برای مثال حضرت موسی (موی کلیم اللہ) یک پیام آور بود و پیغمبرانی که پس از موسی آمدند دین آنها پس از آمدن عیسیٰ (عیسیٰ روح اللہ) باطل شدند.

بعد ادینهای پیغمبران مائیین عیسیٰ و حضرت محمد نیز با آمدن او باطل گردیدند. با این وجود مدت زمان پا بر جایی سیستم دینی هر رسول (پیغمبران بزرگ) ادامه میبافت، و هنوز هم ادامه دارد. این حتی شامل آدم صفوی اللہ نیزمی شود. ابراہیم خلیل اللہ، موسی کلیم اللہ، عیسیٰ روح اللہ و محمد رسول اللہ هم - ہروی (مرشد محترم) در راه آنها قدم بر می‌دارند، زیر الطیف (موجود روحانی) داخل بدن انسان در رابطه محترمانه با پیغمبر رسول (پیغمبران الوالعزم) میباشد و پیغمبری و برکات روحی آنها تاروز جزاپی این دلیل باقی خواهد ماند.

وقتی گفته می‌شود که شخص داخل بهشت نمیشود مگر وقتی که آن شخص ”کلمه“ را بر زبان جاری سازد، یک پیغمبر. در نظر نیست بلکه مقصود اظهار قبولی و تبعیت از دین و ”کلمه“ (شهادت) آن رسول میباشد (پیغمبران بزرگ). با این دلیل است که حضرت محمد فرمودند، ”من نیامده ام تا پیغمبران، دینشان و کتابشان را برآنم از میباشد، بلکه برای انقلاب (رفورم) آمده ام زیرا کتاب آنها تغییر یافته.“

سلسله (زنجیر یا ارتباط روحانی) از آدم صفوی اللہ ادامه میباشد تا حال - آنها که فقط مشغول تفکرات قلبی میباشند، که خود را هماهنگ می‌کنند و سر فرو دمی آورند و رزد پروردگار بزرگ توبه می‌کنند و می‌کوشند از کارهای بد و دوری کنند همه خود راوابسته به اولین دین می‌سازند، و اولین نوع عبادت.

غوث (سلسله ارتباط مرکزی اولیا، مرشدان) در عالم انسانی در زمان با مجتهد روحانی - ہروی با یک پیغمبر با دیگری در ارتباط است. که آن هم ارتباط روحانی دارد با آدم صفوی اللہ.

احیا کننده ”مجد والفق ثانی“ گفت که مجتهد روحانی و خط ارتباطی او مختص به موسی میباشد. در حالیکه زنجیر قلندران (درویش‌ها) در ارتباط با عیسیٰ میباشد. شیخ عبد القادر گیلانی در خط ارتباطی خود به حضرت محمدی رسید.

یک لحظه فکر کنید به کدام "آدم" تعلق دارد

در بعضی از کتب الهام شده تذکر داده شده که چهارده هزار "آدم" به این دنیا آمده‌اند. کسی دیگر گفت که آدم صفاتی الله چهاردهمین و آخرین آدم بوده. در حقیقت آدم بای بسیاری به این دنیا آمدند. وقتی صفاتی الله داشت از خاک آفریده می‌شد. فرشتگان به خدا گفتنداوهم باید به زمین بروند باعث اغتشاش و خلافکاری شود. آن به این معنی است که فرشتگان از وضعیت آدم بای قبلى خبرداشتند. در غیر این صورت چگونه آنها میتوانستند به فرمند که خدا چه می‌ساخت واو (آدم) در دنیا چه میکرد.

در "لوح محفوظ" زبانهای مختلفی بکار رفته است، کلمه‌های مختلفی، فریب‌های مختلفی، اسمی مختلف با ری خدا، آیات مختلف و حتی مجد و ب شدن با از طریق حری که توسط دو فرشتة "هاروت و ماروت" به مردم آموزخته شد. هر دوی این فرشتة با درحال است سر پائین آویز اند در یک چاه در شهر بابل در مصر.

هر آدمی یک زبان را می‌آموخت. از آن بعد، پیغمبرها فرستاده شدند به جامعه خود برای راهنمایی مردم. بنابراین گفته شده است که یک صد و پیست و چهار هزار پیغمبر به جهان آمده‌اند. در حالیکه آدم صفاتی الله آخرین آنها بوده شش هزار سال پیش. اگر هر ساله یک پیغمبر فرستاده می‌شد پس فقط شش هزار پیغمبر می‌باشد تی بوده باشند.

چند وقت بعد، این ملتها از میان رفتهند بواسطه اطاعت عکرون، باستان شناسان شهرهای باستانی را همراه با زبانهای باستانی کشف کردند. زبانهای که همیچکس آنها را نمی‌فهمد. بعضی از ملتها در طوفان از میان رفتهند. ولیکن که در میان آنها پیر وان فوج زنده ماندند.

دست آخر، صفاتی الله به عربستان فرستاده شد که از دیگران بہتر فقار کرده بود. و بسیار فرستادگان را رخ اسلامه او پیدا شدند. بسیار زبان دیگر از پیر وان آدم بای دیگر باقی ماند و میان ملتها بای ماند. وقتی آخرین آدم آمد، وزبانش سریانی (سیریک) بود. وقتی پیر وانش به سر زمینهای دیگر کوچ کردند. با ملتها بای دیگر برخورد کردند. بعضی از مهاجرین سر زمین بای جدید را از میهای پر حاصل آن پسندیدند و با این ترتیب با آنها زندگی کردند.

زبان سریانی در عربستان رواج داشت و سپس روابط با دیگر ملل آن به زبانهای عربی، فارسی، لاتین، سانسکریت و انگلیسی وارد شد. از اخلاق آدم بای مختلف در جزاً مختلف زندگی کردند. از میان آنها، یک "آدم" بود که یک کولی بود. و اخلاق او زندگانی از نمودن امر و زود نتیجه مل بسیاری کشف گردیدند.

مردم جزایر از یک دیگر اکاهی نداشتند، و سفر توسط اسب یا قایق بای کوچک امکان نداشت. کریستف کلب کشتی بحر چایی بکار برد و او این شخصی بود که به امر یکار سید او وقتی به آنجار سید مردمی با پوست سرخ در آنجا دید. ولی فکر میکرد به هند رسیده. آنها هندی یا سرخ پوستان مردم بودی آمریکا بودند و هنوز هم در داکوتای شمالی زندگی می‌کنند. من از یک رئیس سرخ پوستان پرسیدم که آیا "آدم" خودشان را می‌شناسد. او گفت که

”آدم“ اور آسیا بوده نام همسرش ”حوا“ بوده - طبق عقاید دینی خودشان او پس مچنین گفت که بر طبق گزارش های تاریخی آنها ”آدم“ آنها (از ملت بزرگ سیوس) از یک کوه در جنوب داکوتا (کوه های سیاه) پیدا شد - آن مکان تا حال علامت گذاری شده -

گفته می شود که اروپانیها و امریکا نیها پوست سفید دارند بعلت آب و هوای سرد - این درست نیست - از نژاد ”آدم“ تیره پوست هم زیادی هستند در آن مناطق اما آنها پوست روشن ندارند - بنابراین، دلیل آن همین است که رنگ، قیافه، خلق و خواسته های زبان و روش صرف غذای مردم تقاویت می کند -

اختلاف آدم صفاتی الله فقط در خاور میانه باقی ماندند به همین دلیل است که همه مردم خاور میانه هم قیافه هستند - گفته شده که آدم صفاتی الله (شکری) در سری از کارهای خود آمد - اواز آنجا به عربستان رفت و در آنجا ساسکن شد - و هنوز هم قبرش در آنجاست - پس چه کسی نژاد سری از کارهای خود آورد - چه کسی نقش پایی اور اور آنجا کشف کرد؟ (هنوز هم در آنجا باقی مانده) این به این معنی است که مردمانی قبل از اینها آنجا نمیگردند -

پیغمبری و ولایت در ملتها بیان که از میان رفته و وجود داشت، باقی ماندگان (آن ملتها) بلند مرتبه ها آنها را از خود راندند، و مدتی بعد از راه بیرون رفتهند - همانطور که این سرزینهای بعد ”کشف شدند“ اولیا از آسیا به آنجا هارفتهند و دین والای خود را به آنها آموختند - امروزه دین های آسیایی در همه سرزینهای پراکنده شده - عیسی از بیت المقدس بود - موسی از بیت المقدس (مقر ظهور پیغمبران دیگر) و حضرت محمد از مکه و نوح و ابراہیم هم از عربستان بودند -

بعضی نسل های از شکنجه بین رفتهند، بعضی به خرس و میمون بدل شدند - بعضی هم رو به خدا کردند بدون ترس، اما بعضی گمراه شدند و خدارا ”القهر“ نامیدند - آنها خدار اطاعت نکردند و می گفتهند - چیزی بنا نمی پروردگار و جود ندارد و انسان حشره ایست و بهشت و جهنم زاییده خیال و تصورات است - در زمان موسی یک ملت تبدیل به بوزینه شدند و به طرف اروپا رفتهند - زنان حامله در زمان که تبدیل به بوزینه شدند ولی بچانسان زاییدند - این ملت هنور پا بر جاست، آنها هنوز می گویند که از نسل میمون هستند -

یک ملت تبدیل به خرس شدند، بطرف جنگل های افریقا رفتهند - زنان باردار بچه انسان در شکم داشتند آنها ”مام“ می نامند - آنها دارای موهای بلند در سراسر بدن هستند - اکثر زنده، آنها آدم ربایی می کنند - دین نجی تو اند در آنها اثر کند، و آنها بدن خود را ببرگ می پوشانند بخاطر انسان بودن خود -

آدم دیگر بخاطر خطای خود هزار سال تنبیه شد، او به مارتبدیل شد - اختلاف آنها هنوز بشکل خاصی از مار موجود نیباشدند - هزار سال بعد از تولد به شکل انسان در می آیند و بنام ”روحان“ نامیده می شود - این در سرگذشت اسکندر عظیم نوشته شده است، وقتی از جنگلی برای شکار میگذشت متوجه زن زیبایی شد که فریاد میکرد - وقتی از حال او پرسید - او گفت شاهزاده خانم چینی میباشد وقتی با شوهرش به شکار میرفت یک شیر به او حمله و میشود و شوهرش را میخورد و پنای این او تها مانده - اسکندر از اوقاضا میکند که با او برو دتا اور ابه چین برگرداند بنابراین اسکندر اور اهمره اور بدو با او ازدواج کرد -

چند ماه بعد، اسکندر در دی در شکم احساس کرد. هر دوایی را امتحان کردند ولی مرض شدت گرفت و پزشکان عاجز آمدند (که مرض را علاج کنند) یک نفر مارگیر نیز برای علاج، او آمد او اسکندر را به چلوگرداند به او گفت، من میتوانم ترا معالجه کنم اما شرطی دارم. اگر تا چند روز خوب نشدی می‌توانی مرآتقل برسانی. امشب یک بشقاب جبویات و برخی با مقدار زیادی نمک تهیه کنید و با همسرت از آن زیاد بخورید. در اطاق راطوری پهند که بیچ کدام نتوانید خارج شوید. تو خود را بخواب بزن طوری که همسرت کاملا خیال کند در خواب هستی، حتی قطره‌ای هم آب در اطاق نباشد. اسکندر همان کار را کرد در طول شب، همسرش تشنده شد و دید که بیچ آب در ظرف نیست. پس او کوشید که در را باز کند و دید که قفل است. بشو هر شنگاه کرد فکر کرد که کاملا در خواب است. پس به ماری تبدیل شد و از سوراخی خارج شد آب نوشید بهمان شکل مار بر گشت و بعد په شکل بهمان زن درآمد.

اسکندر همه را دید و لی بروی خود نیاود. صبح او همه چیز را به مارگیر گفت. مارگیر به او گفت همسرش یک مار ماده میباشد، که پس از هزار سال تغیر شکل داده و گفت که اسم او باعث در شکم اسکندر شده است. بعد از نهار بعنوان گردش به کنار دریا برداشده و علامت آن محلی که اورا به دریا اند اختند هنوز باقی است. وزرده اسکندر را تامیده میشود. هنوز تزادشان در جهان هست، انواع معمولی مارگوش ندارند اما این چنین مارها گوش دارند. میدانیم که اجتماع کدام پیغمبر در کوچین محصور گشته اند و ذوالقرنین (شاه دوشاخ) دیواری ساخت. که آنها نتوانند به مملکتش وارد شوند. آنها گوشهای خلی بلندی دارند. آنها یکی راز برخود پنهان می‌کنند و دیگری را روی خودی کشند به آنها یا جوج ما جوج میگویند. داش بسیاری از اقوام را مشخص کرد، اما هنوز هم اقوامی هستند که باستی کشف شوند.

در پشت کوههای همالیا "استانهای برفی" وجود دارند، بسیاری مردم هم در جنگلهای زندگی می‌کنند و بیچ کس بجز خودشان زبانشان را نمی‌داند. آنها اعتقادشان به آدم خودشان است. از سوم خود، آنها سیستم قبیله‌ای دارند. این قاره‌ها سیارات بزرگتری هم وجود دارند مثل ماه، خورشید، مرنخ زهره و غیره در آنجا هم آدم هایی بوجود آمدند. قیامت آنها حادث شد وقتی که اکسیون آنها تمام شد، و با خرابی کامل کره شان.

هنوز هم زندگی انسانی روی مرتع وجود دارد و یک نوع زندگی آتشین روی خورشید

در دنیای مرتع خردمندی از هر دین وجود دارند. داشتمندان ما هنوز بمرتع خرسیده اند. در حالیکه اهالی مرتع بارها بزیمن سفر کرده اند و مردمی از کره مارا برای آزمایش به مرتع برده اند و انش واختراعات آنها از مایستر است. اگر داشتمندان ما و ما هواره های ما به آنجا بروند از دست آنها خلاصی نخواهند یافت.

خدایک آدم را که به او داشت بسیار داده شده بود برآمیخت اولاد او به بیت المعمور رسیدند (کعبه) با داشت بسیار. آنها می توانستند هر چه خدابه ملائک دستور میدادند. یک روز ملائک شکایت کردند که این قوم در کارهای آنها دخالت می کنند و وقتی که فرشته های بزیمن می آمدند که وظیفه خود را انجام دهند آنها مراهم کار آنها می شدند.

خدابه جبراًیل دستور داد که برو و تحقیق کند. یک بچه دوازه ساله در حال چراندن گوسفندان بود و وقتیکه جبراًیل به او نزد یک شد از او پرسید آیا تو داشتی داری؟

پرک جواب داد "از من سوال کن". جبراًیل پرسید. آنون جبراًیل کجاست؟ پرسیم خود را بست و گفت. "جبراًیل در آسمان نیست". جبراًیل بعد سوال کرد "پس کجا است؟" پرسیم باز کرد و گفت، "من در چهارده عالم گشتم ولی او آنجا نبود. یا من جبراًیلم یا تو؟" سپس خدا دستور داد که این ملت بوسیله طوفان از بین برو آنها این را شنیدند و خانه بانی از شیشه و فلز ساختند بعد یک زمین لرزه خانه بایشان را خراب کرد. در آن زمان آن منطقه کالده نامیده می شد. آن سر زمین اکنون در یونان است.

آن مردم با داشت روحانی در آنموق و داشتمندان ما با داشت علمی خود اکنون دارند در کار خدا دخالت می کنند. بخاراط وارد کردن ترس در انسانها اکنون بدینکی را موجب شده و برای فنا کامل یک سنگ سرگردان آسمانی هم اکنون بطرف زمین فرستاده شده که احتمالاً پیست تاییست و پنج سال دیگر بزیمن برخورد کند. وقتی آن بزیمن برخورد کند چیزی از زمین باقی نخواهد ماند. قسمت کوچکی از آن به مشتری برخود کردد و دو سال پیش داشتمندان ما از این حقیقت آگاهی دارند.

آنها میخواهند که به ما یا سیاره دیگری پناه ببرند قبل از اینکه زمین نابود شود. باین دلیل بسیاری تاکنون ثبت نام کرده اند تا به ما سفر کنند ولی میدانند که زندگی در ماہ امکان ندارد بخاراط نبوده کیمیون و آب و گیاهان. نتیجه این همه بیجان چیست؟ تا آنجا که تحقیقات اجازه میدهد، چنین نتیجه این انسان خواهد بود از سفر به ماہ یا مشتری؟ آیا دارویی برای طولانی کردن عمر ساخته شده و یا شفایی برای مرگ پیدا شده. حتی اگر بوجود داشت مرتع پرسیم، تفاوت محیط (اکسیژن) زندگی روی مرتع غیر ممکن بود. ثروت زیادی در این راه صرف می شود (برای این منظور) اگر امریکا و روسیه این ثروت را در راه فقر اصرف می کردن. پس همه از آن میتوانند بهره مند شوند. اختلاف بین دولتها باعث ساختن بمب اتم و دیگر سلاح های کشتار جمعی شد فقط برای از بین بردن یک دیگر، در حالیکه جهان بدون این سلاحها هم بپایان می رسد.

تعداد بسیاری ارواح در عالم سماوات خلق شدند

اروح پاک در دریف اول قرار داشتند (در زمان قبل از خلقت) ارواح معمولی در میان ملل "آدم" ہا که از خاک سیاه ساخته شده بودند یا سفید، زرد یا قرمز - جبرا نیل ہاروت و ماروت (فرشته ها) دانش را بآنها آموختند (وزہدرا) وقت آدم ہاروی زمین از خاک آفریده شدند - جهای داخلی وارد بدنهای آن آدم ہا میشدند در زمان آنها در زمان مناسب و معنی میکر دند بر آنها تسلط پیدا کنند - پس پیغمبران و اولیاء آن ملت و آموزش ہائی آنها و سیمه ای میشد برای رستگاری آنها - آدم ہائی بسیاری بصورت هفت آفریده شدند (هرراه با همسرانشان) و خلقت آغاز میشد - بعضی اوقات یک زن تنها آفریده میشد (بدون یک آدم) و بوسیله امر "باش" (گن) دارای بچه میشد -

این ملل اکنون در جهان وجود دارند - فقط زنها رهبر قبیله هستند - چون آنها فقط از زن بوجود آمده اند فرمی کنند خدا زن است - و آنها اولاد فرشتگان هستند زیرا آدم بوجود آمد بدون وجود مرد (یا ازدواج) - این رسم ہنوز هم بین آنها رواج دارد - زنهای این قبائل از هر کسی ممکن است حامله شوند و بعد با هر شخص دیگری ازدواج می کنند و این کار را نجابت آور نمی دانند -

شغل بوسیله ارواح، سرنوشت (آخرین) و طبقه (در زمان قبل از خلقت) نوع آدم را بر انگیخت (که برای آنها فرستاده میشد) - این چیزی ارواح پس فرود آمدند (پس از فرستاده شدن آدم) - به این دلیل است که یعنی دینی برای آنها در نظر گرفته نشده بود - حتی وقتی پیغمبران به میان آنها آمدند - تعداد کمی از آنها را پذیرفتند، و دیگران کارهای خلاف دستورات آنها انجام میدادند - بجائی خدا آنها ماه، ستاره ها، خورشید، درختها - آتش پسپرستیدند، حتی مارهارا -

بالاخره آدم صفات اللہ از گل بهشت آفریده شد بمظور اینکه از همه سر باشد (از آدم ہائی قبلی) ہم در تعالی و ہم در تجلی و از ارواح دوزخی محافظت شد - چون آنها را یی بہست نداشند شیطان با دانش این را فهمید - او رهبر فرشتگانی شد که عبادت رامنع میکردن و از اجهنه بود - او بخاطر حسد به آدم تف انداخت بزرگ و هن او، یک میکرب شیطانی به بدن آدم وارد شد - آن نفس نامیده میشد - (نفس شهواني) - نسل آدم آنرا به ارث برد - حضرت محمد گفت "وقتی انسانی آفریده میشود - یک جن فاسد نیز هر راه او آفریده میشود" -

تفاوی است بین فرشتگان و ملاک مقرب - فرشتگان در مملکوت هستند - آنها هر راه ارواح خلق شدند - موجودات روحانی که در عالم بالاتر قرار دارند (عالم خارج از دنیا ای اشکال) ملاک مقرب نامیده میشوند - ملاک مقرب حتی قبل از حکم "کن" وجود داشتند - خدا ملاک مقرب دستور داد که "آدم" را سجده کنند - قبل از او یعنی آدم در بهشت خلق نشده بود یا فرشته ای نیامده بود - از از میل شیطان سر باز زد - بنابراین او از بهشت، رانده شد و او دشمن اولا و آدم صفات اللہ شد - ملل تابع آدم ہائی دیگر از شر دشمنی اور امانتند - چون ارواح داخلی شان به اندازه کافی آنها را گمراهمی کنند -

چون شیطان از همه اجنه دیگر تو انا تر بود، تو انست اولاً آدم را چنین اخواکند و جنایات را به آنها موقت و ماین ترتیب مل دیگر نیز شروع په کجر وی کردند همراه با این آسیانی ها - بحاطر علوم مقام این آدم خدابازی از تابعین اور اراهنما نی کرد - آنها آنقدر خدایی و متعالی شدند که مل دیگر تجرب کردند - بزرگترین کتاب آسمانی توریت، انجلیل، زبور داد و قرآن فقط برای آنها نازل شد - طبق آمودخته ها - متاتج روحا نی و رحمت (این کتابها) ادیان آسیانی سرتاسر دنیا را فراگرفت -

روح آدم هنوز در بدنش قرار گرفته بود که فرشتگان فهمیدند او برای زندگی بر روی زمین آفریده می شود - زیرا کسی که از خاک افریده شده برای زندگی مناسب است - سپس بوسیله بازی نافرمانیها او به زمین فرستاده شد - گرچه اعمال ابدی همه بدست خدا انجام میکیر داما انسان باید توان آنرا پس بدهد - اگر آدم بدون اتهام به زمین فرستاده شد بود - او به این دنیا که آمد بیچ کاری جز شکایت نمی کرد - چرا آنقدر تو به وانا به وسگواری کرد -

۱) روحی که از ازل سرنشیش برای جهنم نوشته شده، در صور تیکه در خانه ای بدنیا بیاید بدون دین او یک بی دین و دروغگو نامیده می شود - این افراد ضد خدا و دشمن پیغمبران و اولیاء می شوند - آنها متنکبر، دل سخت هستند و از آزار دیگران لذت می برند - دسته دیگر (از این گروه) آنها بی هستند که در صورت قرار گرفتن در یک دین باز هم از آن دوری نمی کنند - این چنین روحی، اگر در خانه یک متدين بدنیا بیایند، بعنوان منافق شناخته می شوند -

۲) این افراد پیغمبران و اولیاء را نسزاده و اذیت می کنند و به آنها افترایی زنند - در میان ادیان خطایی کنند - اگر عبادت کنند نیز پذیرفته نخواهند بود مانند عبادت شیطان - دین آنها بطرف بهشت میبر داما سرنشیشان آنها را بطرف جهنم میبرد - زیرا آنها را از کمک گرفتن از پیغمبران و اولیاء پرهیز دارند - آنها آماده پذیرش اخوای شیطان و نفس (در اعتقاد اشان) میباشد - آنها آنقدر داشتند دارند و انقدر زهد که میان آنها و پیغمبران تقاضی دیده نمی شود - و بدون توجه به حقایق ذاتشان آنها خود را مانند پیغمبران می بینند - فکری کنند زهاد به آنها وابسته اند - آنها روحانیت و مجزه را قبول ندارند و فقط آراء و عقاید خودشان را قبول دارند - آنها حتی مجرمات پیغمبران را نیز قبول ندارند و میگویند که آنها محراست - آنها به

قدرت شیطان عقیده دارند - اما همراهی با قدرت پیغمبران و اولیاء برایشان مشکل است -

۳) روح اگر سرنشیش رفتن به بهشت باشد - اگر حتی در خانه بدنیا بیان پاک بدنیا بیانند "ناتوان" نامیده می شوند - فرصت آمرزش و بخشیده شدن برای "ناتوان" وجود دارد - آنها از اولیاء (مرشدان، مرادان) یاری می جویند و از آن وضعیت ریاضی می بینند -

۴) روح اگر سرنشیش رفتن به بهشت باشد اگر در خانه دین آسمانی یا در خانه ای که دیندار هستند به دنیا بیاید، یک درستکار و مومن نامیده می شود - آنها قرب پروردگار را عبادت و پاکدا منی بدست می آورند و مدعی ارث بردن ازاو (خدا) هستند - فقر (فقر روحانی) افتخار ممن است و به آن افتخار می کنم (روش پیغمبرانه) -

در تصور موجود روحانی (لطیفه روحانی) قلب مهم است

بعضی جاه طلبان زمزمه می کنند (یک سرو دی بالکل مات مقدس از روی قلب)، دیگران به ورزش می پردازند. بعضی دیگری رقصیدند، بعض دیگر دیوار می ساختند و خراب می کردند. بعض دیگر تمرینات بدین انجام می دادند. همه سعی کردند که ضربان قلبشان بالا رود و سپس همان‌ها نگ کردن ضربان قلبشان را با اللہ، اللہ، هماهنگ می کردند و زیاد کردن برایشان آسانتر می شد. خرد خداوند اللہ به موجودات روحانی رسید (در داخل بدن). بعضی از آنها تقلید کردند بدون اینکه بعمق (این علم) فرموده باشند. چون طبیعتشان این در و آندر زدن بود باتم اللہ آشنا شوند. اینطور روح بناتی (در اشخاص) آشنا شده و با هماهنگی یا اللہ اللہ همراه با موسیقی قوی ترمیشید. موسیقی خوارک روح بناتی است.

یک آزمایش در آمریکا بر روی گیاهان انجام شد و موسیقی برای گیاهان در حال رشد پخش کردند. همان گیاه در جای دیگر نیز در حال رشد یود. یک پخش همراه با موسیقی پخش دیگر بدون موسیقی - گیاهانی که برایشان موسیقی پخش می شد خیلی بهتر رشد کردند از آنها می که برایشان موسیقی پخش نمی شد.

نفس روح خود (فرد) خیلی زیان آور است حتی پس از تصفیه شدن، آن مقلد و انموکنده است و موسیقی و ریتم را دارد. بعضی از مردم کوشیدند که نفس را با آواز و شعرخوانی در مقابل خدا نفس را جذب کنند. بعضی آواز خواند و هماهنگ کردند نام اللہ را با آهنگ گیتار. اگر چیز دیگری نبود افلا گوششان به عادت خوییگرفت. من گیتار نوازی را دیدم که داستانی را برایم باز گرد. "در وقت استراحت، من با خوشحالی گیتار مینوازم و همراه با آن اللہ را زمزمه می کنم". بعضی اوقات وقتی بیدار می شوم یک آهنگ اللہ را در درون خود می شوم یک آهنگ اللہ را در درون خود می شوم این چنین اشخاص به تن بجهتی میرسند فقط با آواز نو اختن موسیقی اما آنها موقعیت زاهمانه ای را بدست نیاورند گرچه، آنها تمايلی دارند و اشتیاق و اگر آنها (ارتباط پیدا کنند) په یک رهبر جهانی، آنها حتماً به درجه ای از روحانیت میرسند.

مسلمانان و صوفیان اویان دیگر کوشیدند بطرق مختلف اسم خدار ا در درون پیاپند. هر عمل، که انسان را به خدا جذب کند و عشق خدا (غیریزی) در آنهاز یاد کند عیوب ندارد.

گفتة پیغمبرانه "خدابه اعمال نگاه نمی کند بلکه به نیت کار توجه دارد"

مردمی که به تحریم‌سین ها توجه دارند، این را قابل سرزنش و غلطی دانند، همانطور یکه آنها تغذیه می شوند و رضایت حاصل می کنند با پیروی از شریعت. اما آن افراد که می خواهند پیشرفت بیشتری کنند از تبعیت از شریعت تاریخیت را بخدا، و یا کسانی که از شریعت پیروی نمی کنند. چه این چنین افراد از گرفتن یک جایگزین طفره رفتند.

عشق‌اللهی - اتحاد‌اللهی

تمام ادیان در این جهان از طریق پیغمبران گسترش یافته‌ند، در حالیکه قبل از آن (خدا) عشق بود. عاشق و معشوق، ارواح که نزدیکی قرار داشتند، عالی رتبه‌ها عشق (در زمان قبل از خلقت) در عشق خالص خدایی غرقه بودند و در دین خدایی و دین روبه‌آسمانی - پس از آمدن جهان همه‌چیز را در جستجوی خدا بر زمین گذاشتند.

(این داش) به برگزیدگان داده شده، که اکنون از راه روحانیت به مردم عادی هم رسیده
در یک رسم پیغمبرانه، یکی از همراهان پیغمبر گفت، من دونوع داش از پیغمبر دریافت داشتم
من یکی را برای شما بازگویی کنم ولی اگر دوی را بازگو شما را می‌کشید.

وقتی "ولی شاه شس"، کتاب خنگ را از چاه پر از آب برگرفت مولا ناروی از او پرسید، "این چیست؟"
شاه شس جواب داد "این آن علم است که تو نمی‌دانی"

وقتی مویی از خدا پرسید، "آیا علم دیگری نیز هست؟" خدا جواب داد، "بر و طرف خضر" (شخصی بود عارف که از رموز غیب آگاهی داشت)
نمایز ہر عابد "راه راست را بمانشان ده راه آن کسانیکه رحمت و برکات خود را به آنها عطا کرده‌ای" -
اقبال شاعر میکویید "دانشمندان یچاره از این چه میدانند؟"

از قبل از خلقت ارواح بلند مرتبه که خدا آنها را دوست میدارد و آنها هم خدارا دوست دارند - خداراستالیش می‌کردند وقتی به جهان آمدند - برای
مثال عیسیٰ در گهواره گفت، "من یک پیغمبرم" جبرئیل قبل اطاف خداوندی را به مریم عطا کرده بود (قبل از تولد عیسیٰ) فرعون قبل اطلاع
حاصل کرده بود که مویی فرزند پسر از یک قبیله خاص سبب تابودی او خواهد شد و خیلی مورد توجه خدا قرار خواهد گرفت - حضرت محمد نیز گفت، "من حتی
قبل از بد نیا آمدن پیغمبر بودم" -

تعداد زیادی روح‌های خدایی ابدی و عاشق خدا در ابدان و ادیان مختلف حاضرند

در آخر زمان

خدا یک "روح خاص" را بز می‌میرستد، که آنها را جمع می‌کند تا در بال ارواح (عاشق) بگردند و به آنها یادآوری کنند که "یکباره خدا عشق ورزیدید"، خواه در بدن دین داران باشند یا بی دینان آنها نداری اور امی آزمایند و دوراً جمع می‌شوند.

او به این ارواح یک "اسم" خاص خدار اعطای می‌کند که از میان موجود رو حانی قلب آنها به طرف رو حشان حرکت می‌کند. پس روح رابط آن نام خواهد بود. این نام یک لطف جدید را بوجود خواهد آورد یک انژری جدید یک عشق جدید با نور. ارتباط روح و دوباره برقرار خواهد شد با خدا.

تفلرات قلب و سیله ایست برای تفلرات روح، به انظور که ریاضت یعنی نماز و روزه و سیله ای است برای تفلرات قلب، وقتی که روح شخص شروع کرده بزمزمہ نام (اللہ)، اگر او از مردم عادی باشد ترسی از ترازوی عدالت یاروز قیامت ندارد. تفلرات والا عبادت از طرف روح شهامت مقام بسیار والا ای او میند (در جهان آینده).

آنها یکی که از تفلرات قلب به روح در حرکتند، به دین خدادست یافته اند، یا بزودی به آن خواهند رسید، آنها از نور راهنمائی میگیرند نه از کتب. نور از گناه آنها جلوگیری می‌کند. چون این موضوع را در یافته اند یا برخلاف سمعی و کوششها، اگر دیگران این موهبت را ندارند آنها شامل این زنجیری باشند (ارتباط رو حانی) اگر کسی خودش را در این سلسله می‌داند یا بدون تفکر قلبی و روحی و انسودی کند که در این سلسله هستند او یک مخد است.

راه نشیده شدن مردم معمولی بادین و ارتباط با خدا است.

راه رهنمون شدن توسط کتابهای آسمانی ممکن است.

راه در یافت شفاعت بوسیله پیغمبری و اولیا (مرشدی) است.

بعضی از مسلمانان تصدیق نمی‌کنند شفاعت اولیاراً وقتی (همه آنرا می‌دانند) حضرت محمد را هنما می‌کرد هر اهلش را که تقاضا کند از او لیس قرنی تا برای بخشش امت دعا کند (تابعین پیغمبر).

دین ارواح

تشخیص آنہایی کے عشق خدایی دارند و دین خدایی

جانکیکہ تمام رو دخانہ ها میریزند دریانا م دارو

جانکیکہ تمام دینہا ب آن منتہی م شوندو وحدت پیدائی کنند عشق خداست و دین خدا

”چهار دین در کجا بھمی پیوندند“ (ولی سلطان صاحب)

تشخیص اولیہ: وقتی تفکرات دل و روح شروع میشود با عبادت با نظری از طرف ارباب جهانی۔ انسان برای ابد خدایی است، (چون از زمان قبل از خلقت سر نوشتش این بود)۔ بیزاری از گناہان شروع میشود و اگر شروع شد چنین شخصی بشدت از آن تو بھی کنند۔ و راهی رامیگوییدتا از تکرار آن جلوگیری شود۔

خداء گفت ”من آن اشخاص را هم دوست دارم که در راهی پا بر جا هستند که دور از گناه بمانند“، عشق تمثیلی دنیوی برای این چنین کسان از بین می رو و تفوق عشق خدایی شروع میشود۔ حرص، حسد، خست، و خود بزرگ بینی از میان میر و دو زبان از افتخار و تهمت آزاد میشود۔ آنها احساس بی تکبری میکنند کرامت جای خست را می گیرد و دروغ فراموش می شود۔ تهدیات حرام جای خود را به تهدیات حلال می دهد و نسبت به چیزهای حرام احساس تغیری کند و چنین ب غذاها عمل بایی حرام۔

تشخیص نہایی: یک ریاضت کامل باید در کار باشد تا دوری کند از کوکائین، تریاک، هروئین، تباکو و الکوال باید قادر باشد تا مقام عالی روحی بر سید و روحیا ہادر سفر ہای عرفانی یا در دیدار۔ از نفس عمارہ تانفس مطمئن را هتان را عوض کنید۔ موجود روحانی اقا را بیا بید۔ رو برو جلو خدا قرار بگیرد۔ و پرده بین خدا و بنده را بالا بزینید، بعد از گناہان آزاد شوید۔ عشق کامل بے خدا پیدا کنید و رشته تشخیص و شناخت خدا اقرار بگیرد۔ و از بنده تا گرامی دارندہ بندگان واز یک مرد فقیر و بیچارہ تا مک دہندہ بے فقر ابر سید۔

بسیاری از ارواح خدایی ادیان مختلف کے خدار آزمودہ در پیان قبل از خلقت وارد این سلسلہ خواهند شد۔ بنابراین شرطی دربارہ انتخاب دین نیست۔ ہر شخصی قادر خواهد بود مطابق دستورات دینی خود عبادت کنند۔ اما تفکرات قلب در همه ادیان مثل ہم است۔ با وجود ادیان متفاوت آنها قلبًا با ہم متحدند۔ وقتی ذکر خدار و لشان ریشه بگیرد۔ آنها ہمہ خدایی خواهند شد۔ بنابراین با خداست کہ آنہار ابرای خودش نگاہ دار دیا آنہارا بہ یک دین بفرستد برای راہنمایی۔ بعبارت دیگر، بعضی استفادہ خواهند کرد، بعضی دور از مردم و گوشہ گیر خواهند بود، با وجود این دیگر جنابجویان و فرمائندہان روحانی خواهند بود۔ حتی گناہگاران با مک و معاضدت با آنہا بے مقصد خاصی خواهند رسید۔ پیشتر مردم کہ بے جمع خواهند پیوست (دین خدا) در ہمکاری با شیطان وارد خواهند شد (ضد مسح) خواہ آنہا مسلمان باشند یا غیر مسلم۔ بالآخرہ این دستے در یک جنگ تمام عیار وارد خواهند شد۔

آن ہائیکہ باعیسیٰ مستند یا با مهدی یا کالکی او تارگو، همای دیگر را شکست خواهند داد۔ خلی از ضد صحیح ہا کشته خواهند شد و اخلاف آنها در سکوت بجا خواهند ماند۔ بخاطر ترس و بیچارگی۔ مهدی و عیسیٰ در قلب مردم باقی خواهند ماند و صلح سراسر جهان را خواهد گرفت۔ تمام ادیان جهان از تبدیل شدن به یک دین متوقف خواهند شد۔ آن دین بیشتر مورد علاقه خدا خواهد بود، و عصارة دینهای پیغمبران و کتابهایشان خواهد بود و از تمام مردم قبول خواهد شد۔ قابل احترام ترین ہمه عبادت و حتی بہ ”محبت“ بہ خدا ”عشق“ خواهد بود (همان علاقه عاطفی بہ خدا)۔

”جائیکہ عشق غلبہ کند، ایمان آگاہ خواهد بود“

(ولی سلطان با ہو)

اقبال شاعر معروف تصویری از این زمان رسمی کند در این شعر:

”جهان احتیاج بہ مهدی دارد کہ فلسفہ اساس افکار پذیر فروخته شده را خواهد لرزاند۔“

”راز ہا بر ملا خواهند شد، آزمائی کہ خدادید ارش را در لغتی کرد گذشتہ است۔“

”عصارہ او پیش مردم طاہر شده، او مهدی است کہ در آخر الزمان طاہر شده۔“

”چشم ہائی من در آینہ شناخت باز شده تا بہ تصویر کدر آیندہ نگاہ کند۔“

”بہ جهان نگاہ کن، زمین و فضاء بمالحظہ ای دیگر دند بے کسی کہ از شرق طلوع خواهد کرد۔“

”زمان گذشتہ است ای ہدیہ دهنہ شراب (عشق) و قی کہ نوشندگان پنهان می شوند۔“

”تمام دنیا اکنون میخانہ ای خواهد شد و ہمه مردم پیالہ گیر خواهند بود۔ (از عشق الہی)۔“

”زمان پرده برداری رسیده است، ہمه شکوه اور اخواهند دید و عظمت اور اسکوت پرده او بود، آنکہ اکنون رازش بر ملا خواهد شد۔“

از درون صحراء پیدا گشت کہ امپراتوری روم را سرنگون کرده۔

”من از زبان خود فرشہ ہانیو شیدم کہ آن اسد از خواب برخواهد خاست“

تمام کتب آسمانی و صحیفہ (کتاب آسمانی ابراہیم) از دین خدایی نیستند، در این کتاب ہا مراسم صلات نوشتہ شده، راجع بہ روزہ ولیش اما خدا به آنها پیوسته نیست۔ خدا خودش نور خالص است، وقتی کسی نور میشود (درخشان) پس او شناخت عصارہ خدا، آن وقت است کہ وارد دین خدا میشود۔ کہ عشق و احساس است، معنی خالص نو دونہ اسم خدا، کسی کہ دوستانش را بیاد دارد۔

خدا، خودش عشق است، عاشق و معشوق۔ اگر یک بندہ خدا جزئی از آن را در یافت کند او بدبین خداوارد میشود۔ پس عبادت تحریر در زیبایی دیدار خدا و زمزمه نام خدا در طول زندگیش۔ بعد، خیرہ بہ زیبایی دیدار خدا ہمگئی تمام واجبات ادیان خواهد بود، پس عبادت کلی جهات، ملائکہ و انسانهای تو انند بہ حضورش بر سر (خدا)۔

در ارتباط با آن جناب شیخ عبدالقادر گیلانی گفته است

”هر کس به دیدار خدا نائل شود و هنوز هم عبادت می کند یا تصمیم دارد عبادت کند، آن توینی است به خدا“

ولی بله شاه گفت است

”پس از اینکه من شروع کردم به عبادت عشق، من معجود و مجرد افراموش کردم“ -

اقبال شاعر گفت است

”کشیش بیچاره در این باره چه می داند؟“

هم حضرت محمد از قول ابو ہریره گفت است، ”من دونوع داش از حضرت محمد گرفتم. من کیمی را برای شما باز گویی کنم و اگر دوی را بگویم مرابه قتل می رسانید -

این قضیه مورد تائید قرار گرفته و شاهد دارد، هر کس رموز این داش را باز گوئند شایسته قتل میباشد. مثل شاه منصور، سرمه. امروزه حضرت گوهر شاهی در لبه تیغ قرار گرفته ای اطاعت از شریعت.

برای مومنین به پیغمبر است اما خود پیغمبران مجبور به عبادت نیستند، قبل از شریعت پیغمبران حتی در زمان قبل از خلقت نیز وجود داشتند. از آنجا که آنها باید الگوی دین را کامل کنند و اگر آنها هر یک قائد کلی قرار دهند یا بر اصولی پا فشاری کنند سپس مومنین آزاد بیال خواهند کرد و به این دلیل، پیغمبران باید متعال و موقر باشند (لاحظه کار) آیا کسی ہست که بگوید اگر پیغمبری که یعنی نوع عبادت را انجام نمی دهد او به جهنم خواهد رفت (هر گز چنین چیزی نمی توان گفت)

آیا کسی میتواند بگوید که پیغمبری نمی تواند به شخصی بر سر بدون تعلیمات مربوط؟ و یا کسی میتواند بگوید که انسان نمی تواند پیغمبر شود بدون انجام عبادت شخصاً؟ پس چرا اولیار اردوی کنند و در باره آنها شکایت می کنند در حالیکه ولی (مرشدی، مراد بودن) یک نوع از پیغمبری است.

باید فراموش نکنند که آنها می کنند که ادعای شناخت خدار ادارند بدون دریافت خدا و کسانی که خود را در این موقعیت روحانی میبینند و یا تظاهری کنند (دیگران در این حد) آنها مردم و دروغگو هستند. کتابهای مقدس این چنین دروغگو ہارا فاسدی داند این چنین، آنها زمان و ایمان ہزاران مردم (بی گناه) را از بین می برند.

این کتاب برای انعکاس است و ارزش مطالعه را دارد و تحقیق توسط دین ہرگز و هر شخص و آن عرضه میکند

مبازه طلبی با آن دسته از مردمی که روحانیت (رابطه با خدا) را قبول ندارند.

بعضی مطالعی درباره حضرت گوهرشاهی

سیستم از علم ظاہر و جود دارد. (علم آسمانی) و یک قسمت علم باطن (علم زمین)

”انسان باید و نباید یک موئی بگرد و تا علم ظاہر را باید و یک خضر که علم باطن را بایموزد“.

”صدایی که بدون وجود جبرا میل شنیده شود (عنوان میانجی) الهام نامیده میشود، و انش دریافت شده صحیحه (کتاب) نامیده میشود و حدیث

قدی (صدای آسمانی) داشت که هر آنچه جبرا میل بیاید قرآن ندارد. خواه علم زمین باشد یا آسمانی یا توریت، زیور داد یا انجیل“

”وقتی یک دانشمند دینی استنباتی می‌کند، اور عنوان یک سیاست عفوی کند. اگر اولیاء استنبات کنند (ولی‌ها) آنرا عنوان عقل قبول کرده و صرفنظر می‌کنند. در حالیکه یک پیغمبر رانی تو انها یک استنبات محکم کرد“.

”هر کسی در سیستم روحانی خاص قرار نگیرد، موجودات روحانی مر بوط در درون آنها قوی است (یاروش) و آنها می‌کنند که داخل این سیستم قرار نداشته باشند و جود (لطیفه) روحانی آنها خفت و بی احساس است. آنها نیکه نام خدار اجدب کردن ناتم (الله) را در هر موجود را با هر روش می‌شوند و ذکر سلطانی، مغروف قند (یک نظر سطح بالا از هر هفتة موجود روحانی داخل بدن) و عشق (عشق عاطفی) به خدا“.

علامه اقبال گفت:

”اگر عشق عاطفی باشد، بی ایمان ایمان خواهد بود

چل سائین گفت:

”بدون عشق به معشوق ای چل، بی ایمان چیست و ایمان چه؟“

سلطان با هوگفت:

”عشق پر شور غلبه کند، ایمان آگاه نیست“.

وقتی این چنین اشخاص در هر دینی هستند ووارد شوند، آن بارانی از رحمت خدار انازل خواهد کرد. اگر آنها مش بابا فرید باشد (مسلمان ولی) حتی هندو ها و اقوام سیک بر درگاه خانه شان خواهد بارید. اگر مش گرونا نمک (ولی سیک) باشد مسلمان و مسیحیان اطراف آنها گرد خواهند آمد.

امام مهدی یا ایمان را منقلب خواهد کرد

پس از حضرت محمد (خاتم النبیین) اخلاف به اسلام روکردند، و مطابق محیط احیاء شدند. شبیه به آن، در وقت آمدن ”امام مهدی“، با قیامنده

آنها به پایان خواهند رسید. امام مهدی انتساب خود را نجات خواهد داد مطابق با (احتیاجات) تمام ادیان، در بعضی کتابهای ثبت شده که او یک

دین جدید خواهد آورد.

مطالبی از حضرت گوهرشاهی

اگر کسی در تمام زندگیش عبادت کرده است، آخر امام مهدی یا عیسیٰ را مخالفت کرد (که بادن خاکیش برخواهد گشت و مهدی با اراده خاکیش)، او را نوشتند برای جهنم قم خواهد خورد مثل بلعم باعوراً- مثل ابلیس (شیطان) رانده خواهد شد- (بلعم باعورا ضرب المثل بود در انسان روحانی که بوسیله هوس ولذات از راه بدر شده، علام خدا ای را در کهنه میں موئی را مثل یک سگ به جهنم خواهد رفت)- اگر کسی مثل یک سگ در جهان زندگی کردو دست آخ رمهدی و عیسیٰ را مکث کرد و عاشق آنها بود، او به بہشت خواهد رفت درست مثل سگ قطعی که همراه شد با اصحاب کف و به بہشت خواهد رفت.

بعضی گروههای ادیان می گویند که عیسیٰ مرد قبرش هم در افغانستان است- این یک تبلیغ غلط است، در افغانستان قبر یک پیر هست بنام عیسیٰ- مقصود از محل جد او به افغانستان چه میتواست باشد در حالیکه وسائل محل در آن موقع بسیار ابتدایی بود و ماهما وقت میگرفت تا جازه او به آنجا محل شود- بعضی میگوید، چگونه عیسیٰ به آسمان رفت، مامپر سیم چطور آدم به زمین جبوط کرو؟ بعلاوه، اولیس پیغمبر هنوز بادن خاکی در بہشت زندگی می کند، و خضر و حضرت الیاس هنوز روی زمین زندگی میکند و هنوز نموده اند.

نوه شیخ عبدالقدار گیلانی، حیات الامیر، شش صد سال است که در زمین زندگی می کند- جدش شیخ راهنمایی کردا و را که نمیر دتا مهدی ظهور کند و سلام او را به حضرت برساند- او (حیات الامیر) ولی شاه لطیف را گرامی داشت بالقب باری امام محل نشیمنگاه (محل زندگی حیات الامیر) هنوز در مری پا بر جاست (پاکستان) محلی بنام بارا کوه-.

جزای کار را زشت در این دنیا زندان است یا یک جریمه یا جزای مرگ، اگر انسان در میسر فقر قدم بر می دارد (فقر روحانی) تنبیه او ملامت (خجالت) است- اما گناهان نسبت به خدا خیلی در دنیا ک است- برای کسی که به دیگران تهمتی زندگی کارهای نیک او به کسی که به او تهمت زده میرسد بعنوان جریمه تهمت زندگ- بعلاوه، حرص، حسد، خست و تکبر ثواب های اور ازالیان میمیرد (که در نامه اعمال اش ثبت شده)- اگر کسی در درونش نوری یا بابی حرمتی یا بدگویی از یک پیغمبر یا ولی خاموش می شود- همانطور که شیخ صناعان به شیخ عبدالقدار گیلانی ناسزا گفت و در نتیجه از همه کرامات و برکاتش محروم شد-

داستانی هست در باره بایزید بسطامی: وقتی دید شخصی به او دشام می دهد او هر روز پولی برای او میفرستاد- آن شخص به دشام ادامه می داد و مرتب از داشته داشت- یک روز زنش به او گفت که باید یک پول را در یافت نکند- به این ترتیب، از آن بعد آن شخص شروع به تعریف کردن از او کرد وقتی بایزید فرمید که آن شخص از ناسرا اگویی دست برداشته دیگر به او پولی نداد- آن مرد زند بایزید آمد گفت چگونه بود که وقتی دشام می داد پول در یافت می کرد اما حالا که مدح میگوید پولی در یافت نمی کند-.

با زینید جواب داد: "در آنوقت تو من دوم من بودی و ناس زاها بیت گناهان مرآپاک می کرد و من مزد خدمت تو رامی دادم. اکنون مزد چه رامی خواهی؟" بسیاری از گناهان از نفس اماره سرچشمی گیرد و از شیطان کمک می گیرد.

در حالیکه ولی کرامت، بخندگی، صبر علطف، و اثار الهی در رابطه با قلب شهید می باشد که مدکارش ولی میباشد (ولی، مرشد مراد) - تا قق نفس اماره، وجود دارد، نور پیچ "کلمه مقدس" نمیتواند در قلب ریشه بگیرد - حتی اگر آیه های حافظه بحسبند - چون او مثل طوطی می ماند - اما اگر نفس به نفس مطمئنه تبدیل شد - پیچ چیز غیر خالص نبی تو اند در آن لانه کند و اونورانی خواهد شد.

شما باید دنبال راهنمایی بگردید تا روشن کشتن نفس را بشما بیاموزد - آنها در تمام زمانهای این کار مشغول بوده و مستند (از طرف خدا) برای شستشوی بدن از آب استفاده می کنیم اما برای تمیزی روحی باید از نور کمک گرفت - اگر انسان تمیز نشود ناخالص و ناپاک خواهد بود - بدن تمیز و خالص لا ایق عبادت خدامی باشد - و قلب پاک شایسته دریافت انوار الهی میباشد - (تجليات)، فقط در آن صورت کتاب مقدس میتواند رهبری انسان را انجام دهد - کتاب می گوید "ہدیٰ للّٰتِقین" (ہدایت برای پرہیز گاران است) - در غیر این صورت پیروان ادیان مختلف با یکدیگر به ضدیت بر خواهند خاست، مجرد الف ثانی در نامه اش می نویسد، آنها بیکاری که ہنوز دارای نفس اماره هستند شایسته خواندن آیات قرآن نیستند - و شاگرد باید اول خود را باز کر قلب مطهر کند، وقتی پاک شدمی تو اند قرآن را بخوند -

"روش پیغمبرانه ایست که بعضی مردم کتاب مقدس را می خوانند و کتاب آنها را نفرین می کنند" -

"ولی بولے شاه می گوید که بعضی دیگران را فریب می دهند اما ہنوز قرآن را زیر بغل دارند" -

یک تنوژین می گوید که اور تجرب است که مرابت و عبادت خودش را بحاطر خدا انجام می دهد - "با این ترتیب خیلی نزد یک به خدا هستم" - پس از عبادت او از خدا برای سلامتی خود، زندگی طولانی، کشاورزی مادی، حوریان بہشتی و قصرهای بہشتی تمنا کرده - فکر کنید! آیا گاهی خدار عبادت کرده اید و از خدا جز خود خدا خواسته اید؟ یک دانشمند بینی میگوید که او بازدید یک به خدانجات یافته زیر ادائش و کتاب را در درون خود دارد - پس چرا قضاوت به دیگرانی بسپارد که سرنوشت رفتمن بجهنم را دارند - در حالیکه هر مسلمان داشتی دارد و چند آیه از قرآن را حفظ کرده؟ فکر کنید! کی داشت را می فروشد؟ کی در حال فروش است؟ چه کسی پر ولی بد میگوید؟ چه کسی حود، حریص و خسیس است؟ بعضی تقصیم ها در قلب و بعضی در زبانه، یک جور صحبت در صحیح و جور و گیک در شب - چه کسی دروغ را حقیقت جلوه می دهد؟ اگر شادور از چنین کارهای زشت هستید شما به راه پیغمبر هستید، پس اگر دیگران به شما پشت کنند کار درست نیست -

علامه اقبال گفت:

"اگر شما غرق خصوصیت های زیاد هستید شما بمانید" -

که توسط گرک توصیف شده، که اگر او در حقیقت یوسف را خورد بود پس امیدوار است که بعنوان یک دانشمند قرون چهاردهم بر این محیثیت شود - (بجزی) -

راه راست

- ۱) آنها نیکه ظاہر شان پاک و باطن شان ناپاک است، تا بکاران هستند در دین و به شیطان نزدیک می شوندو وارث اویند. در یک حدیث پنجمبری گفته شده "پرسید و دوری کنید از کشیشان نادان (دانشمندان) که زبانشان از دلش خن می گوید اما قلبشان نادان (تیره) است. ۲) وقت باطن پاک و ظاہر نباشد. آنها را مجذوب می گویند ناتوان و دور از اجتماع.

آنها نیکه احساسات خود را در عشق عمیق رها کرده اند.

چرا در روز جزا محاسبه شوند (از کتاب تریاک قلب حضرت گوهر شاهی)

- مجذوب ها از دین ترس دارند اما به خدا نزدیکند. آنها نمی توانند رتبه های بالاتر بدست آورند. درست کاران بلند مرتبه هستند. اما خود نما ها (متظاہرین) مخدن مجذوبین با فقار خوب مواجه خواهند شد مثل رئیس جمهور ایوب، بنظریان از شریف در طول حکومت محمد مانع خود با وقاوت انجام ایجاد چوب زندگی آیا شما میتوانید این شکل با کسی رفتار کنید و رقدرت؟ اما در این حال، این فقط محمد و به مجذوبین می شوند و دیگران.
- ۳) آنها نیکه هم از ظاہر و هم باطن پاکند و درخشنان هم تابع شریعتند و هم تکرات قلبی را دنبال می کنند.

آنها عالم رباني هستند و ارشین منبر و دین پنجمبر، وقتی حالات درونی و بیرونی شخص کی شد، او "نائب اللہ" نامیده میشود. اگر بزیارت برادر خواب یا بیداری او ثواب سفر واقعی (بدنی) را خواهد گرفت و حتی بیشتر. نماز بواسطه روح بعنوان یک عبادت دینی بحساب می آید بلکه بیشتر اگر بدین عبادت کنند، آن عبادت همراه عبادت روانی به علم روحانی بالاصعود خواهد کرد. این اشخاص بدنشان یک جا و روشنان جای دیگر است. در چیزی (عشق خالص به خدا) تنها چیزی که او طالب است دیدار عظمت و زیبایی خداست. بعضی میگویند که یعنی کسی کی تو اندر خدار اور برگیرد (بینند). علم بیش خدایی با حضرت محمد شروع شد. به قول ابوحنیفه (دانشمند اسلامی) اونو دونه بار خدار دیده. بازیزید بسطامی (ولی مسلمان) میگوید که او هفتاد بار خدار دیده. دیدار خدا از طریق موجود (لطیفه) آسمانی اتا امکان پذیر است (که درست است) اما شما از تعلیمات و تکرات اتنا آگاهی ندارید.

دوسن خدا

بعضی افراد به کسی ولی می گویند (دوسن خدا) مطابق با کشف و کرامت او.

اما اگر شما از کارها و دین اور تردید قرار گرفتید پس بجای ناسر آنکن به اواز ادوری کنید. کسی چه می داند؟ شاید در دیدار خدا غرق شده یک شخص می تواند برگزیده باشد که حتی بعد از شهادت زنده ماند (دوراه خدا). یا بعضی مثل لعل شهیاز یا خضریا سائی بایا، گرونا نک یا ولی بلحه شاه یا دیگران عاشق ابدی خدا باشند.

پیغام انتقامی از حضرت گوهرشاهی به تمام انسانیت

مسلمان می‌گوید که از همه بالاتر است، در حالیکه یهودیان هم می‌گویند که از مسلمانان بالاترند. مسیحیان هم می‌گویند که از هر دو بهترند، بلکه او همه امت بالاترند چون ازملت، "پر خدا هستند" -

امام حضرت گوهرشاهی می‌گوید

اعلا و بالاترین آنها می‌هستند که عشق ربانی در قلب آنها مونج میزند، حتی اگر به هیچ دینی بستگی نداشته باشد.

زمزمه کلامی و عبادت دلیل بندگی و فرمانبرداری از خدا است. در حالیکه تفکرات قلبی معنی عشق بخدا است و فتن بسوی او است.

انسان شریف بلند مرتبه می‌شود، ریا کاران پست می‌شوند و آنها می‌کارند که ادعای بی جهت آنها در پیغمبر بودن از بی ایمانی است.

کسی که بدون دلیل ادعای ولی (مرشدی) می‌کند، او نزد یک به کفر است، ولی (مرشدی) بمعنی دوست (خدا) می‌باشد، لازم است برای یک دوست که با دوست خود ملاقات کرده باشد و با او صحبت نموده. حضرت محمد یک بار به یارانش گفت: "ظاهری برای من وجود دارد که انعام و هم ولی برای شما نیست".

همه مؤمنین نمازی خوانند و از خدا اعتمادی کنند" مارابه راه راست ہدایت بفرما. راه آنکه رحمت خود را شامل آنها فرموده ای" - فقط وقتی روحش به بیت المعمور بر سد (کعبه) آن نماز حقیقی است. چون حتی به بعد از مردن کشیده می‌شود، همانطور که ارواح تمام پیغمبران در "بیت المقدس" عبادت کردن، در شب معراج - بعلاوه هم است که قویاً، از شریعت پیروی کرد تاریخ دین به دیدار خدا. البته خداراهی برای تغییر و بهتر کردن افراد تبلیغ و گناه‌گار خلق فرمود. تفکرات قلبی یک گناه‌گاری برای کمود دعایا و گناهان می‌باشد. در بعضی اوقات این تفکرات میتواند آنها را ادار و که عاشق پروردگار شوند و دارای روح روشن -

وقتی نمازو عبادت را از دست می‌دهید، تمرين کنید زمزمه نام اللہ در حال ایستادن، نشستن حتی وقتی خوابیده اید (قرآن).

نژد یکی، وفاداری، دیدار و عبادت ولی (مرشدی) شانس بزرگی است برای گناه‌گاران و نجات آنها از جهنم، همانطور که حضرت محمد دوستاش را راهنمایی کرده بطریق "اویس قرنی" (وازا و خواست) که دعا کند برای اخْشیده شدن گناه‌گاران امتش - سخاوت والا مقامی و شهادت میتواند پاک کننده گناهان و مغفرت باشد. خدا چنین فروتنی، طلب مغفرت و گریه اشخاص را دوست دارد. در نتیجه آنها، در نتیجه آن خدا نصوح را اخْشید که بدزنان مرده تجاوز میکردو لفظ آنها را می‌دانند (قرآن).

یک روز عیسی از شیطان پرسید، "چ کسی بهترین دوست تو میباشد؟"؟ شیطان گفت، "خیس زاہد" - عیسی پرسید چرا، شیطان گفت که خست یک شخص تمام عبادت اور از بین میبرد - پس عیسی پرسید که بزرگ ترین دشمن تو کیست؟ شیطان جواب داد، "گناهگارخی" - عیسی دلیل آزرا پرسید - و شیطان جواب داد، "سخاوت خنی گناهان اور اپاک میکند" - عشق بندگان و خلق خدا، مراعات (آنها) همراه با حقیقت و جسمی

عدالت و بزرگی در یافت کننده رحمت خدای است - شاعر مشهور اقبال که در آن موقع جوان بود یک روز از مدرسه برگشته است - سگ اور تعقیب می کند - او از پله های خانه اش) و آن زمان به خیره گشت بدون احساس، او فکر کرد که زن گشته است - اقبال یک نان همراه داشت، اونصف آن افوار خورد، و دوباره به او خیره گشت - اقبال نصف دیگر را هم به اوداد خوش تمام روز گشته ماند - شب

پدرش از آن عمل بسیار خوشحال شد و یک برجزیده شد -

وقت سکنیگین در جنگل مشغول شکار بود یک بچه آهورا گرفت و حرکت کرد - پس او دید که مادر آهورا بچه بسرعت اور تعقیب می کند او توقف کرد آهورا هم ایستاد و صورت خود را به آسمان بلند کرد - سکنیگین اشک را در چشمها اوید و آهورا بچه را رها کرد - پس از این حادثه، از طرف خداباران رحمت به سکنیگین بار ییدن گرفت - و او همیشه برای خدا اگر یعنی کرد -

مولانا رومنی گفت: "یک زمانه صحبت با اولیا بهتر از صد ساله اطاعت بی ریا"

یک حدیث مقدس است که میگوید: "من زبان او شدم که با آن صحبت می کرد من دستش شدم که با آن میگرفت" -

ابوذر غفاری میگوید: "تشخیص ولی (مرشد) در روز جزا مردم می گوید مایه او آب دادیم که وضو بگیرد، کسی میگوید اور هم بخندید کسی دیگری می گوید من برایش لباس تهییه کردم یا به او غذا دادم و جواب این خواهد بود که، اور هم بخندید و باین ترتیب افراد زیادی بخارطراو (ولی) بخندید و میشنوند -

حدیث قدسی میگوید: "اگر کسی ولی مرادش بدارد من برعلیه اعلام جنگ خواهیم داد" - جنگ خدابا هر کس این نیست که در یک روز مرش را جدا کند - او زایمان جدا خواهد شد (در زندگی و در زندگی اخروی) - و هر روزه در جهنم سرش بریده خواهد شد، مثل "بلعم باعورا" که خیلی داشتمد یود تجویری سین و فدایی خدا، اما بخارطراو شنی با موی به جهنم رفت -

مردم میگویند که شامیتو اند خدار ابواسطه عبادت پیدا کنید

اما میگوئیم که بواسطه قلب خدار امیتو ان یافت!

عبادت برای تصفیه قلب است، اگر عبادت ایکار را کنید پس شما خیلی دور از خدا هستید - یک حدیث قدسی میگوید، "خدابه عمل نگاه نمی کند یا به چهره ها بلکه به نیت و قلب نگاه می کند" - در حقیقت عبادت میتواند شماره بهشت بر ساند اما بهشت هم خیلی از خدا دور است -

”دانش خاص برای آنها نیست که عشق را می طلبند، نزد یکی و شناخت خدا بدون توجه به حوریان و بهشت“ -

طبق قرآن: ”خدا آنها را او میدارد که بیک ولی یا مرشد ملاقات کنند“ -

وقتی خدا شخص خاصی را بحاطر فقر خاص او دوست بدارد با او به دیده مهر نگاه می کند - نگاه مهر آمیز او گناب آن شخص را پاک می کند - حتی گناه کسانی که همراه او بیند، دوستان خدا -

اصحاب کهف: خوابیده بودند یا در سفر روحانی بودند و سکشان با نظر لطف به آنها نگاه می کرد و سگ با آنها به بهشت میرود بنام، ”حضرت قطیع“

- وقتی شیخ فرید در نظر خدا آمد یک چوپان که نزد یک او بود نیز از فیض برخوردار شد - وقتی خدا ”ابو الحسن خرقانی“ را مورد لطف قرارداد چون از بعضی از رفقار او خوش آمده بود - یک مکالمات دو طرفه را با او شروع نمود - روزی خدا به شیخ گفت، ای ابو الحسن، اگر من آنچه از تو میتوانم به مردم بگویم آنها ترا سگوار می کنند - شیخ جواب داد، اگر منم باز گوئم که خدا چقدر حیم است یعنی کس دیگر ترا سجده نخواهد کرد - پس خدا به شیخ گفت ”مباراکی این را بگویی (در باره ما) - ما هم در باره تو به آنها چیزی نخواهیم گفت -

وقتی زید به حضرت محمد معرفی شد که برای سوین بار شراب خورد بود - همراهان پیغمبر او را بحاطر این کار نهادند، اگفتند، ”پیغمبر پس گفت“، زید را سر زلش نکنید چون او عاشق خداست و متعشق خدا - آنها نیکه عاشق خدا یا پیغمبر ش هستند به جهنم نمی روند - در حقیقت خدا تمام مخلوقات خود را دوست دارد - خدا حتی برای حشره ناچیز داخل سنگ نیز غذای میرساند - همانطور که بچه های نااہل هم تنیبی می شوند و به آنها خدمت میشود همانطور هم خدا بعضی اوقات ”القهر“ است برای نافرمانیان و بدکاران -

این را قبول کنید: خدادلش می خواهد شمارا هم بیند - اما شما آگاه عیستید، بی توجه بدسرنوشت -

آنچه انسان به آنگاه می کند (چهره) شما آنرا زربا آب و صابون میشویید به آن کرم می زنید و ریشتان را مراد ایشان میکنید - اما آیا آنچه را که خدا به آن نظر دارد پاک می کنید (قلچنان را) -

حدیث نبوی میگوید: ”برای هر چیز پاک کننده ای هست و برای تطهیر قلب تکرارات برنام خداست“ -

عشق پاک هم مربوط به قلب است - کسی که فقط می گوید، ”من عاشق تو هستم“ او فربیکار است -

”عشق انجام دادنی نیست، آن همراهی میکند با کسی، وارد دل انسان میشود“ -

خدادر قلب شما است، اندیشه و تفکر قلب و ولی اللہ هم هستند (ولی اللہ)

موتور اتو میل نیست که شمارا به مقصد میرساند بدون همکاری با تمام اجزاء اتو میل -

همانطور نماز کامل نیست بدون کشتن نفس و تذکریه قلب -

آیا خیال می کنید که نماز شتابدون اساس قبول میشود شما لائق بهشت خواهید شد؟ پس چرا دیگران را کافری پندارید، خطا کار و روبه جهنم در حالیکه آنها نباید عبادت می کنند؟ تنها تفاوت اینست که مردم در واگن های مختلف یک قطار نشسته اند. (بعضی روی الاغ ضد مسیحیت و دیگران روی خر عیسی سوارند) - در حالیکه همه از نظر تاریکی درونی مساویند. فقط از نظر اعتقادات متفاوتند. بدین همde در این جهان می ماند و روحشان به سفر ادامی می دهد.

روی زبانشان دعا و در قلبشان بدی، حسد، حرص، این رام را مسم نماز می گویند (عبادت ظاهري) مردم عامي فقط با آن دخونشند، اما هنوز هم در و دام فرقه گرایی گرفتارند و عظ آنها پراکندن زشکاري میان مردم است. مثلاً گروه خاصی را پیروی میکنند (پیسری مراسم) و همچنان سال همان کار را تکرار می کنند و بعد دسته به دسته دیگری پیوسته اند. این به این دلیل است که گروه اول را غلط پنداشته اند. عبادت غلط قبل قبول نیست (از طرف خدا) بعارات دیگر، پس ده پانزده سال عبادت شمار دود بوده. شاید این گروهی که اکنون به آن پیوسته اید نیز غلط شد، پس شما عبادت گذشته و آینده خود را از دست داده اید. وقتی پرده از جلو پوشمان انسان برداشته شود انسان خود را در همان نقطه شروع میبیند (مثل اسب عصاري).

بجای هر دادن زندگیتان باید دنبال یک رهبر جهانی گردید (یک ولی، مرشد مراد).

اصول اعتقد‌ای حضرت والا گوهر شاهی

معتقدین به ادیان مختلف را در یک ردیف قرار دهند. از خدا بپرسید "خدایا کدام یک راشما می‌خواهید ملاقات کنید؟ همانطور که چشم شما به یک ستاره درخشان می‌افتد، خواه به مریخ، زحل یا ستاره‌ای نام دیگری، خداهم به دلهای درخشان نگاه می‌کند بدون اینکه به دین او توجه کند.

"بدون عشق به معشوق ای چل.....کفر چست واسلام چه"

در جتوی خدا، شما به معابد میروید، کلیساها و مساجد آیا شنیده اید که در جایی خدا مقابل شما شسته باشد و در مقابل نمازگزاران؟ این بی‌اطلاع - جای خدار قلب توست - خدار ابه قلب خود دعوت کن - آنوقت جای عبادت را خواهی یافت و عبادت کنندگان پیش تو خواهند آمد - بازیزید بسطای گفت "من مدّتی دور کعبه طواف کرم" و وقتی خدا داخل قلب من شد، دیدم کعبه بدور من طواف می‌کند - این مکانها جای توبه و اتابه هست ور حالیکه قلب خانه خداست - شما خدار اور معابد عبادت می‌کنید اما خدا شما در قلب جان نداری دهد -

یعنی گاه در سروش برگزیدگان توجه به هوس وجود ندارد این عاشقانند که همه را از خود دور می‌کنند
اللہ اللہ می کنید اما اور انی یا بیمید اولیاء خدا هستند که خدار ایشما می‌نمایانند

هر دینی می‌گوید که پیغمبر ش والا ترین است - این امر باعث جنگ می‌باشد "مردم کتابهای مختلف" شد - بهتر است که شما بجمع پیغمبران وارد شوید از راه روحانیت در آن موقع آنها را در عالم بالا و رتبه‌های آنها را در خواهید یافت -

نکته‌های

خدا هر پیغمبری را به نام خاصی می‌نامد، که وسیله‌ای می‌شود برای شناخت "کلمه" برای پیغمبر. این نام هادر زبان سریانی خود خدا بودند. با شناخت آن، انسان وارد امت آن پیغمبر می‌شود. شناخت سه مرحله‌ای اجباری است. پس از وارود شدن به امت یک پیغمبر. انسان تاحد نیایش صفا پیدا می‌کند. در زمان پریشانی انسان رادر زندگی نجات می‌بخشد. پسین آن مک می‌کند تجلی و کم کردن عذاب قبر. هر پیروی باید "کلمه" را بشناسد (کلمه پیغمبر را) و آزار اش و روز مزمومه کند. شما میتوانید کتاب مقدس رادر زبان خودتان بخوانید تراهنمایی شوید. اما در زبان اصلی خواندن رحمت پیشری را بخواهید.

"کلمه" پیغمبران

کلمه مسیحیان:

لا الہ الا اللہ عیسیٰ روح اللہ..... خدایی جز خدایی یکتا نیست عیسیٰ روح خداست

کلمه یهودیان:

لا الہ الا اللہ موسیٰ کلیم اللہ..... خدایی جز خدایی یکتا نیست موسیٰ با خدا محبت میکند

کلمه پیروان ابراهیم

لا الہ الا اللہ ابراہیم خلیل اللہ..... خدایی جز خدایی یکتا نیست ابراہیم دوست خداست

کلمه مسلمانان:

لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ..... خدایی جز خدایی یکتا نیست محمد پیغمبر خداست

هندوها و سیک‌ها یک ارتباط دینی دارند با آدم. و از دین نوح سنت پرستیدن بت وارد دین هندو شد، بعلت احترام زیاد حضرت آدم بنجھر الاسود. باز مانند گان کشتی نوح (دین خود) را تبلیغ کرد و قبی به هند رسیدند. و گروه‌های آنها از حضور کرامت در یافت کردند (ویشنو مهاراج).

در دعاهای خود آدم را شکر جی و خضراب عنوان ویشنو مهاراجی نامند.

پیرو هر دین می‌توانند زبان مخصوص خودش را داشته باشند اما کلمه در زبان سریانی (خدا) برای تشخیص و راستگاری است. زمزمه نام خدا و رسول اقبال لازم است ۳۲ مرتبه در صحنه عصر برای مردم عادی. برای محافظت از شخصیت دینیوی. باید ۹۹ مرتبه زمزمه شود یا هر چه پیشر. برای دفع بلایا (در زندگی) (۵۰۰۰) تا (۲۵۰۰۰) یا (۲۰۰۰) روزانه. آن میتواند در یک جلسه انجام شود بالاترین شماره (۱۲۵۰۰۰) مرتبه در روز است.

بمنظور تصفیه قلب و پاک کردن وصله‌های گناه (از روی قلب)، (یک روش خاص ذکر وجود دارد). با هر قس در حال زمزمه لا اله الا الله، و بخش دیگر در حالیکه نفس را بیرون میدهید پس روی قلب تمرکز پیدا کنید و قی نفس را بیرون میدهید ابرای کسب عشق و دوستی خداروش دیگری نیز وجود دارد که بدون لطف خدا امکان ندارد. همانطور که در این کتاب توضیح داده شد ضربان قلب مثل سردهای گلیسا سات و تهائکله خالص اللہ ہماهنگ با آن است و هر ضربانش - این کار را هرچه بیشتر در روز انجام دهید - بعضی ہا آنرا ہمراہ با تمرکز انجام می‌دهند. بعضی بدون تمرکز - و بعضی پس از احیاء (روشن شدن) قلب و روحشان، پس این ذکر در تمام وقت اتوماتیک وار انجام خواهد یافت.

زمزمہ اولیا (۲،۰۰۰) بار روز و زمزمه عاشق حتی به (۱۲۵،۰۰۰) بار در روز میرسد. اگر موجودات روحانی (داخل شخص) غرقه ذکر شوند، پس این ثواب بدون توجه فرشته (کرام الکتبین) و محسوبه اوانجام می‌شود.

بعضی روی زمین، بعضی روی سریر آسمانی، بعضی در رکعبه، بعضی در حضور الہی

تریاق قلب نوشتہ حضرت گوہرشاہی

در کنار نام اللہ، مومنین باید پیغمبر خود و نام اور اہم در مذکور داشته باشد تا آنکه با اسم خدا موازن پیدا کند. در زمان شعف و از خود بخود شدن یا علو روحانی تکرار کلمه را ادامه دهید، تا زمانیکه آن حالت بپایان برسد، بعد آنکه یک رهبر جهانی را در نظر بپاید، آنکه شخص املاقات کرده اید. تا اونام خدا را در قلب شناخت کند. آنها که بیچ دینی را پیروی نمی‌کنند، خدامی داند که به چه کسی سرنوشت شان را بسطد هد. (بخشی از رحمت روحانی) شاید اصلا وجود نداشته باشد. در طول انجام این تمرین - این فریفتگان باید نام پیغمبر بزرگ - را مرتب در نظر داشته باشد، و یک ولی (مرشد) که شخصا اور ادیده باشند و به او اطمینان دارند. بعارت دیگر (راه شما) عشق و قلب شما بطرف او خواهد رفت راه مردم صاحب کتاب (اہل کتاب) در یک صفحه در گذشتہ جمع شدند. با هم خوردند و نو شیدند، و ازدواج میان آنها مجاز بود، همانطور در زمان ما، اہل ذکر (مردمی که تکرارات نام اللہ را دارا هستند) با هم متحد خواهند شد. مرضی که وارد شریانات خون شود یا وقتی عشق کسی در قلب ریشه گرفت بیرون کردن آن بخت است.

آب از لوازم ضروری ہر خانہ است، در حالیکه در تو ریبن ہا ایجاد برق می کند از شیر کرده بdest می اید. همانطور زمزمه آیات کتب آسمانی تولید نوری کند (زمزمہ آیات والقب اسم خدا) تولید نوری کند. بطرف فرشتگان پیش میرود، و راه غیر مستقیمی است بطرف خدا. این جایگاه "وحدث الوجود" بیان شد (موجود واحد) اما پیشوی نور با زمزمه اسم عصارة (اللہ) میرود تا عصارة ای مستقیم است، و مربوط به "وحدث الشہود" (وحدث کشف و شہود عرفانی) می‌شود.

بسیاری از مردم احترام زیادی قائل هستند و اعتماد دارند و عشق میورزند بپیغمبران و اولیاء دینشان. اما اخلاق خوب ندارند و بگناه کردن علاقه دارند بپیغمبر انسان دانشمند ان و بہ اولیاء دیگر دینها. اینها مقامی در زد خدا دارند. زیرا آنها که بآنها توہین میکنند نیز جزو دستان خدا هستند تو سط خدا برای ادیان و ملل مختلف انتخاب شده اند.

چند حادثه مشهور از ارواح عاشق

یک حادثه از یک روح محظوظ ابدی

کیمبار از میان چنگلی در ایالات متحده شب هنگام میکند ششم - دیدم مردی را که در مقابل یک درخت در حال سجده میباشد - یک ساعت بعد به آنجا برگشتم و هنوز در همان حالت بود، به او نزدیک شدم او کارش را متوقف کرد چون وجود مرد را احساس کرد و سر بلند کردو گفت "چرا من شدی؟" - جواب دادم "من هم در جتوبی خدا هستم اما تو چگونه خدار در و وجود یک درخت می جویی - بهتر است خدار در یک دین جتوبی" ، او گفت "من زبان اصلی انجیل را نمی دانم و زبان قرآن را یا کتابهای آسمانی دیگر را، و از ترجمه آنها راضی نمی شوم - زیرا تضادهای بسیار در میان است - در یک کتاب میگوید عیسی پسر من است - در کتاب دیگر اصلاً او اولادی نمارد - من زیادی از اعتراف را در جتوبی خدار آنها گذرانده ام - اکنون را دیگری را انتخاب کرده ام - این درخت آنقدر زیباست که نشان می دهد خدا آنرا دوست میدارد و شاید رسیدن من به خدا توسط آن انجام گیرد - این (مرد) یک روح عاشق ابدی بود، که از تو ای خوش در جتوبی خدا بود - آیا این چنین اشخاص که "ناتوان" نامیده میشوند به چنین بروند - آنها سگ هستند که بنام قطعیستوده میشوند در حالیکه قطعیستیج و نیز نداشت (سگی که مورد نظر باشد به بہشت خواهد رفت) -

تجربه دو شیزه کا تھرین اہل ایریزونا (امریکه)

او گفت "انجیلا (دوستش) مرآ به تفکرات قلب آشنا کردا او گفت که اگر من احساس کرم که هفت روز اسماخ خدار را برگزیده خدابد انم، در غیر این صورت زندگم به بدرفتة - پس از هفت روز کوشش، هنوز هم لرزشی احساس نکردم، من یک شب به آن سخت گرفت و با خدابدرازو نیاز پرداختم با فروتنی و خلوص - همان شب تفکرات اسم اللہ شروع بر لرزش در داخل وجود من کرد، من سه سال ادامه دادم "کا تھرین تقدیل نمی کند که بس پیری اما بر وش سالم و صحی رسیده ام لش، ہمینطور - اونی پذیر دینی را مگر عشق خدایی را - او میگوید عشق به خدار لش رشد میکند تا تفکراتش و این برایش کافی است -

ملاقات با گروی ہندو

در آن موقع من در کوههای سهوان بودم - بعضی اوقات مقبره لعل شہیاذ ولی را ملاقات می کردم کسی را دیدم که در راه رسید و نیز مقبره نشسته بود، و پیر وان بسیاری از مومنین ہندو ای ان با احساس در اعتراف او گردآمد - پرسیدم این مرد مقدس کیست گفتند که او یک گروی ہندی میباشد که بنور سیده است، و آرزوی ای آنها توسط او به لعل سای ولی میرسد و به آرزوی ای خود سیده است - بسیاری از مسلمانان هم اور احترامی کردند - روزی از یک تپه ای می گذشت، آن مرد را دیدم که تپی را سجده می کرد و با صدای بلند آوازی کرد - روز دیگر اور اور مقبره ای دیدم، به او گفتم از شخص تحصیل کرده ای مثل او بعید است که بتگلی را پرستند - او عقیده ندارد که بت خدا است، بلکه این عقیده او است که در کتاب (مسلمانان) نیز آمده که خدا انسان را در شکل و قیاف خودش آفریده - به این دلیل، او بت های زیادی ساخته و به راه عبادت میکند به امید اینکه شاید یکی شبیه خدا باشد - او بن گفت، تو هم یا نور سیده ای - تو به من بگو خدا چه شکل است - چه مجسمه ای شبیه به خدا است تامن آنرا قلب خود نقش پندم؟

من در سن شانزده هفده سالگی بودم - روزی بخشی از متن مقدس را در مقبره بابا گوهر علی شاه می خواندم (کی از اسلاف خودم) در این موقع مرد بلند قدی در قیانه در رویشان درآمد و بن گفت "آیا توداری غیر ممکن رامی خواهی" - ظاهرش به ولی می خورد، بنابراین من ساکت ماندم، اما گفتم شاید شیطان باشد که مر از خواندن کتاب مقدس بازمی دارد - مدت زمانی گذشت - من در حدوادی و پنج سال داشتم که تکرات قلب من شروع شد - من عادت داشتم آیات آسمانی را زمزمه می کردم همانطور که بن گفتگشده بود - پس آرامی گرفتم تا قلم آنها را بازخوانی کند - من می شنیدم که آن از قلمم می آید - یک روز که داشتم باشادی همان کار را می کردم دیدم که همان مرد همان قیافه وارد شد - و گفت "اکنون تو در حقیقت داری کتاب مقدس رامی خوانی" -

"شفا پیدا نخواهد شد مگر وقتی دار و وار دشکم شود - هیچ چیز حاصل نخواهد شد مگر وقتی کتاب مقدس خداوار دل قلب شود" -

او این شعر را خواند: خواندن زبانی را هر کس انجام می دهد - خواندن قلب کاری می کند اما تائید قلبی فقط از عشق بر می آید -

دوستان لسانی ماچه میدانند -

پس از اتمام نماز م در مسجد داتا در بار، من متوجه مردی شدم که کفش مؤمنین را جفت می کرد - احساس کردم که اوفقط کفشها هارا جفت می کند اما نماز نمی خواند - وقتی بیرون می رتم، به او گفتم "تو که نماز نمی خواندی از خدا چی خواهی با جفت کردن کفشها؟" او گفت "من هیچ وقت در عمر نماز نمی خوانم حالا برای نمازهای خوانده ام در این سن زیاد از خدا چه میتوانم بخواهم؟ امیدوارم بین این همه نمازگزار یک دوست خدا وجود داشته باشد و شاید خدا خودش از این عمل خوشحال شود" - من به او گفتم که هیچ کاری بهتر از عبادت نیست - پس اوجواب داد "هیچ چیز بالاتر از اوه دوست (خدا) نیست، امید است که انسان بتواند اورا خوشحال کند" - سه سال بعد وقتی اعتکاف روحانی من تمام شد، یک روز سفر آسمانی (روحانی) کردم به مجمع پیغمبران باز هم اورا دیدم که در پای معثوقان خدا نشسته - در آن موقع این شعر را بیاد آوردم -

گناهگار به درگاه الهی رسید

عابد و عفیف به نظاره ایستادند

معرفی شخصی حضرت والا گوهر شاهی

حضرتش در کشور هندوستان در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۱ اشہر کوچک گوہر شاه در استان راولپنڈی بدینیا آمدند. مادرشان فاطمی است از ذریه‌های، حضرت محمد بود او دختر کی از نوه‌های سید گوہر علی شاه است. پدر حضرت از احفاد کی کی از (از طرف مادری) نوه‌های سید گوہر علی شاه و پدر بزرگش به خانواده مغولان میرسد. حضرتش متمایل به مقبره ولی بود از همان اوان زندگی. پدرش می‌گفت که او از سن چهار پنج سالگی گاه‌گاه غیب میشد و بعد اور اور کنار مقبره ولی نظام الدین اولیا در (دہلی) میباختند. پدرش می‌گفت که او بنتر میر سید که با حضرت نظام الدین اولیا صحبت می‌کرد، این موقعی که پدرش در دہلی سکونت داشت.

در ماه مارس ۱۹۹۷، حضرتش به هند مشرف شدند و (در طول این زمان) او به مقبره نظام الدین اولیا، میرفت از طریق (روحانی) نظام الدین اولیا، مختلف حرم اسلام الدین نظامی (کی از اخلاف نظام الدین اولیا). افتخار داد به حضرت بانوار افتخار، بر دور سر ایشان نزد یک محل سر مبارک در مقبره.

آنچه حضرت از ابتدای جوانی میگفت، اتفاقی افتاد و باین دلیل هر چه میگفت پدرش میگوید، "گوہر شاهی"، طبق روال روزانه هر صبح به حیاط خانه می‌آید و با آدمش من به احترام او برمی‌خیزم، او میگوید که حضرت گوہر شاهی از این کار من عصبانی میشود و میگوید او پسر من است از این موضوع تجل میشود. من هر دفعه به او میگویم، "این بخاطر تو نیست، بلکه بخاطر خدا است که در درون تو زندگی میکند". من به احترام او برمی‌خیزم.

رئیس مدرسه شہر نوری میگوید، من بعنوان یک معلم ساخت گیر شهرت داشتم و من بجهت شاگردان را تنبیه می‌کردم، او (حضرت گوہر شاهی) دیر بمدرسه می‌آمد. وقتی به او عصبانی میشدم و بخواستم اور اتنبیه کنم احساس می‌کردم که کسی چوب مرآگرفته و باین ترتیب من مبتسم میشدم.

مطالبی از خانواده و دوستان حضرت گوہر شاهی

"ما هرگز نمیدیدیم که با کسی دعوا یا جدال یا بحث کنند یا کسی را بزنند، و اگر دوستی از او عصبانی میشد.

ومی‌آمد که با او دعوا کند، آنرا بخنده روی کرد" -

زوجه حضرت میگوید: در محله اول هرگز عصبانی نمی‌شود و اگر هم بشود خیلی بمن درست است آن در باره یک امر رشت و وقوع میباشد. در باره سناوات آن حضرت، او میگوید "صحیح وقتی ییرون می‌رود جیب بش پراز پول است وقتی بر میگرد و خالی است" - او تمام پول را بمحاجین می‌دهد، وقتی من پول می‌خواهم قیافه در هم میکشد و این مران راحتی کند. سپس او به قیافه مظلوم شوهرش نگاه می‌کند و این بیان می‌کند "اوقلبا خیلی تنی است، او در حالی میشیند که همه چیز را داده است" -

پس از حضرت گوهر شاهی و نظرات آنها درباره او: "او مارا بسیار دوست دارد و موافقت زیادی از ماجمل می‌وقتی پول می‌خواهیم کمی بمامیده، و می‌گوید که شما پول را تلف می‌کنید" - پس ما پا به او می‌گوییم مارا به لباس درویشان درآورده یا بهما پول بدهد.

مادر حضرت گوهر شاهی و نظرات او: وقتی بچ بود و بعد از اتمام تحصیلات اگر ضروری به او میخورد من اور اسرائیل شی کردم اما او هچ‌گاه سر بلند نمی‌کرد - شخص مسني بنام "کله میان" از دیگده مش معمولایی گفت، ریاض راسرائیل شکل دید، شما آنچه من در درون اوی یعنی بینم بینید - او آنقدر بدیگران رحم و شفقت دارد که اگر می‌شنید یک اتو بس خراب شده دوازده مایلی آنجا، او برای آنها غذ اتهیه می‌کرد - و با دوچه برا ایشان می‌برد.

دوست نزدیک حضرت گوهر شاهی، محمد اقبال اهل فزویلیان: محمد اقبال می‌گوید که آنها (حضرت و اقبال) وقتی در لجز ازی در باران راه میرفتد و صفات مورچه هارا دیدند که بر ایشان میرفتند - اور اخود را در لجز ارکج کرد و دور کرد تا مبارا به مورچه ها صدمه بخورد - وقتی به حضرت اهتمام قتل زدند، قدوس شیخ آمد تا در موضوع رسیدگی کند - افراد محلی گفتند که حضرت حتی به مورچه ای آزار نمی‌رساند چه به اینکه انسانی را بقتل رسانده باشد -

حضرت گوهر شاهی و عمه اش: حضرت می‌گوید "خیلی پیش"؛ من و انش آموز کلاس هشتم بودم که روزی عمه ام که خیلی اهل عبادت بود او (حمد، حرص که اغلب در میان عبادت کنندگان روانج دارد) را دارا بود، گفت که همه چیز من خوب است الا که من عبادت نمی‌کنم؛ "من گفتم به عمه، عبادت ہدیه ایست بخدا، و نمی‌خواهم عبادت مرا همراه کنم با خست، بدجنی، تکبر، حسد و آزار بطرف خدا بفرستم"؛ من او گفتم وقتی نماز می‌خواهم که درست صحیح باشدند مثل نمازاو، که نماز ش را بجامی آور دو در عین حال گناه زشت انجام می‌ده مثل غیبت، تہمت و آزار دیگران -

حضرت گوهر شاهی درباره پچگی خود صحبت می‌کند

"از ده دوازده سالگی عادتاً با خدا در حالت رویا صحبت می‌کردم و بیت المعمور (کعبه) را می‌دیدم و می‌لی اطلاع بودم - بعد از اتمام اعتکافم - وقتی همان روابط، دیدار و منظره دوباره آمد، حقیقت آنها آشکار شد" -

من عمومی داشتم در ارش که به فاحشه خانه می‌رفت - خانواده اش اور از اینکار منع میکردند - روزی مرایا خود برد، در زمانیکه سوء ظن کسی را بر نیا نگزید (از تصمیمیش) من بیچ آشنا می‌باخشم خانه و فوایش نداشتم - امقداری چای و پیسکویت بمن داد (تام اسرگرم کند) و خودش تنها به آنجامی رفت - او بمن گفت، این اداره ایست که زنان در آنجا کارمی کند، من کم از آنجا خسته شدم، وقتی عمویم به من گفت "آنها زند و خدا آنها را به این منظور آفریده" - او میخواست که مرانیز بیالا ید - حرف عمومیم مرآ آزرد، من تمام شب را خوابیدم و با نفس جنگ کردم و تا گهان بخواب رفتم -

من جای بلند و داریه شکلی را دیدم که در زیر آن ایستاده بودم - صدای بلند از آن بالاشنیدم "اورا جلو بیا ورید" دیدم دونفر عمومیم را گرفتند و اورا جلو بردنداشته به او گفتهند، خوش است.

صدادوباره شنیده شد "اورا باشلاق های آهنی بزنید" - آنها شروع کردند به زدن او شروع به فریاد کرد و ناگهان چهره اش شبیه خوک شد - صداسپس رو به من گفت، "اگر تو هم با او همراه شدی مثل او با تو معامله خواهد شد" - من تو به کردم و طلب بخشش کردم و از خواب بیدار شدم در حالیکه این شخصان را برابر داشتم، "خدایا توبه کردم، خدا یا توبه کردم" - تا شیر آن تا چندین روز در من اثرگذاشته بود.

روز دیگر، با تویوس به دلکده ای می رفتم - دیدم که چند وزد دارند ضبط صوت یک تاکسی رامی دزدند - وقتی راننده مقاومت کرد، کار دیرون آوردند، به او حمله کردند و اورا کشتهند - بادیدن این موضوع تویوس ایستاد، بادیدن ما، دزد ها فرار کردند - راننده مرده جلوی چشمهاي ما، فکر کردم که زندگی آنقدر بی اعتماد است - به رخواب رفتم و این شعر در وجود من انعکاس داشت - "خدایم گناهان مران بخش، من آمده ام تا در محضر تو بی خشم" " - همه شب را باناراحتی گذراندم - چند وقت پس از این حادثه، من از دنیا دست شستم و به مقبره ولی جام داتار رفتم - در آنجایی تسلیم نیافتم و برادرزاده ام مرادوباره به زندگی بازگرداند.

در سن سی و چهار ولی بری امام در جلوی من ظاهر شد و گفت، "اکنون دوباره زمان برگشت توبه جنگل است، پس از سه سال گوشگیری وقتی به چیزی دست یافتیم، به مقبره جام داتار برگشتم - ولی (از قبر بیرون آمد) و در جلو من ظاهر شد - من به او گفتم، "اگر تو مر را پذیرفته بودی وقتی قبل اپیش تو آمد من از زندگی شهواني نجات یافته بودم (آنچه قبل از رفتن به جنگل با آن دست به گریبان بودم) - ولی جواب داد" انوقت وقتیش بود" -

حقایقی چند درباره شخصیت آسمانی حضرت ریاض احمد گوهرشاهی

در سن ۱۹ سالگی، موجودروحانی، "جسے توفیق الہی" بحضرتش در ارتباط قرار گرفت و یک سال ادامه داد، حضرت لباس را پاره کر دنواری از آن را ب دور کمرش بست و به جنگل جام داتارفت آن موجودروحانی موقتاً به احوالات پیدا کرد. چهارده سال از او دور شد. و پس آن علت گشتنیش به جنگل لعل باغ شد در سال ۱۹۷۵.

در سن ۲۵ سالگی، "موجودروحانی گوهرشاهی"، به مقام عالی رسید، و فرمانده نیروی احتصاصی گردید. و در نتیجه از بدیهیا و سوسه های شیطان و شیاطین انسی در امان ماند. موجودروحانی "جسے توفیق الہی" موجودروحانی "طفل نوری" خیلی مخصوصند و از ارواح دیگر بالاترند. ملاسک مقرب و موجودات روحانی (معمولی قبلی ها مثل فرشته مغرب رابط مستقیم با خداوند و جایگاه آنها احادیث است).

در سن ۲۵ در شب پانزدهم رمضان سال ۱۹۷۶ یک دانه (موجود) از نور در قلب حضرتش ریشه دواند. چند وقت دیگر برای تعلیم و تربیت (حضرتش) بسیاری از عوالم و فضاهای دعوت شد. در پانزدهم رمضان ۱۹۸۵، آن خشم روحانی نور تبدیل شد به موجودروحانی "طفل نوری" - آن کاملاً با او (حضرتش) تعلیم شد و به این دلیل امتحان شد و دعوت شد به عالی ترین "جمع پیغمبران" و تاج افتخار بر سر او قرار گرفت. "طفل نوری" بعد ازدوازده سال به این درجه رسید اما به افتخار رسید در مدت نه سال بواسطه وظائف جهانی.

دلایل تشکیل مراسم روز "موعده انتقام حضرت ریاض احمد گوهرشاهی"

در پانزدهم رمضان ۱۹۷۷ مراسم "البام خاص" از طرف خدا به حضرت شروع شد. قول "راضیه و مرضیه" به انجام رسید و حضرتش به این مقام منسوب شدند. چون ہر درجه و مرتبه و صعود مقام همه مربوط به پانزدهم رمضان میشود، آن روز به این دلیل عیدگرفته میشود.

در سال ۱۹۷۸ حضرتش به حیدر آباد تشریف آوردند و مراسم رہبری و تعلیم شروع شد، و پیغامش سرتاسر به دنیا مخابرہ شد و جلوپشمان، ما قلب بسیاری از خواهان مقامات بالاترگرات و ذکر باری تعالیٰ را ادامه میدهند و بسیاری از آنها اسم خدا در قلبشان نقش بسته. آنها میتوانند نام اللہ را که برداشان حک شد ببینند. بسیاری از مشتاقین به نور (صفای قلب) میرسند. دیدن قبرها، (از آنها میتوانند داخل قبر را ہم ببینند) - و دیدن اجتماع پیغمبران (که بعضی تو استند در جمیع آنها شرکت کنند). حضرت بسیاری از بیماران را بایرون راندن مرض از بدنشان شفاؤ ہند.

پس از دریافت تعلیم و راهنماییها از حضرت ریاض احمد گوهرشاهی، مردم از ہر زندگی، ہر ملتی و ہر زاد عشق بخدارایا یافتد. و به اصل وریشہ خدار رسیدند.

"قتم به خدامن ہم از آن مردمان ہستم کہ نام اللہ بر قلبشان نقش بسته و می درخشد" -

شیخ نظام الدین (میری لاند، ایالات متحده امریکہ)

توضیح کامل راجع به تصاویر روی خورشید و ماه حضرت والا گوہرشاہی

سخرا نیها کردند و در سهایی اموختند درباره عشق آسمانی سرتاسر دنیا. و این شهرت جهانی برایش به ارمغان آورد.

در سال ۱۹۹۲ء میتوسط، انگلستان، بسیاری از مردم به تصویر حضرت در ماه اشاره می کردند. بنابراین مشاهدات شاهدین بسیاری گزارش شد از بسیاری کشورها. تصاویری از ماه بوسیله وسائل ویدیویی برداشته شد. تصاویری از ماه برداشته شد از کشورهای مختلف و آژانس فضایی ناسا(NASA). در ابتداء تصویر چهره روی عکسها کاملاً اشکار بود. مدت دو سال تصویر روی ماه آنقدر آشکار است که میتوان آنها را بدون دوربین یا وسائل کامپیوتری مشاهده کرد.

در سال ۱۹۹۷ء نماید وہ من ظفر حسین به این موضوع در ناسا(NASA) اشاره می کند. آنها می گویند که آنها از تصویر حضرت در ماه آغاز هستند. اما آنها می گویند این تصویر از آن مسح می باشد. که در شکل دویست مایل طول، نوری نقش بسته. آمریکا یهای هم از NASA درخواستند تا درباره این موضوع توضیح کامل بدهد.

NASA از توضیح کامل آن طفره رفت زیرا حضرت از آسیا هستند. بعلاوه، پروفسور پیغمور آلتریک مطلع NASA در کتابش فضاشناسی تصویری آن ادعه اراده کرد و گفت آن تصویر یک زن میباشد. پس چنین شایع شد در میان فرستادگان مسجی که آن تصویر یک زن میباشد. پس چنین شایع شد در میان فرستادگان مسجی که آن تصویر از "حضرت مریم مقدس" است. پس از اینکه وسیله ارتباط جمی این موضوع را فاش کرده در پاکستان بسیاری از مردم آنرا بعد از بررسی های کامل پذیرفته بغضی از مردم، بدون تحقیق کامل یا بررسی آنرا به مخفکه گرفته و بسیاری آنرا خر انگشتند. چند وقت بعد تصویر روی فضابدهان ها افتاد. اما همیست این موضوع پیشتر میان پیروان حضرت گوہرشاہی مورد قبول واقع شد. در سال ۱۹۹۸ء، یک گزارش در روزنامه پرچم (پاکستانی، کراچی) منتشر شد که تصویری روی سنگ مقدس حجر الاسود دیده شده.

من قبلاً راجع به این تصویر میدانم. من تصاویر بسیاری از سنگ را داشتم که بر روی آن تصویر وجود داشت و مشخص شده بود. تقریباً تمام مریدان حضرت گوہرشاہی درباره آن تحقیق و مطالعه کرده بودند. لیل سکوت من درباره این موضوع جلوگیری از اختشاش میان مسلمین بود، اما بادیدن این گزارش در روزنامه تشویق شدم بعداً. مطابقی راجع به این موضوع چاپ و چکشیده بین همه توسعه گردید. تقریباً تمام مسلمان دست به تحقیق زدن چون مطلبی بود مر بوط بدین خودشان.

پیشتر مردم این مطلب را قبول کردند چون تصویر روی سنگ آنقدر واضح بود که نمیشد آنرا انکار کرد. به این دلیل بسیاری از مخالفین انتشار دادند که آن تصویر بحر است. تقریباً در هر کشوری، تصاویری از ماه و حجر الاسود معرفی شدند. عربستان سعودی و محمد بن نشان حکمیین شدند. مثل اینکه حضرت گوہرشاہی خود با داشت خود تصویر مبارک را روی حجر الاسود قرار داده بودند. آنها اعلام کردند که ظهور چهره روی سنگ و عکسها غیر قانونی است و بنابراین چگونه چهره ای میتواند روی حجر الاسود ظاهر شود دولت عربستان یک حکم قتل برای حضرت گوہرشاہی دریافت کرد از محله

شریعت.

واینکه اگر حضرت قدم به مکه بگذرد حکم قتل او صادر شود - حتی در پاکستان گروههای حامی عربستان در صدد نداشت حضرت را بقتل برسانند و تعلیمات او را از بین ببرند و بسیاری قصد جان حضرت را کرده‌ند.

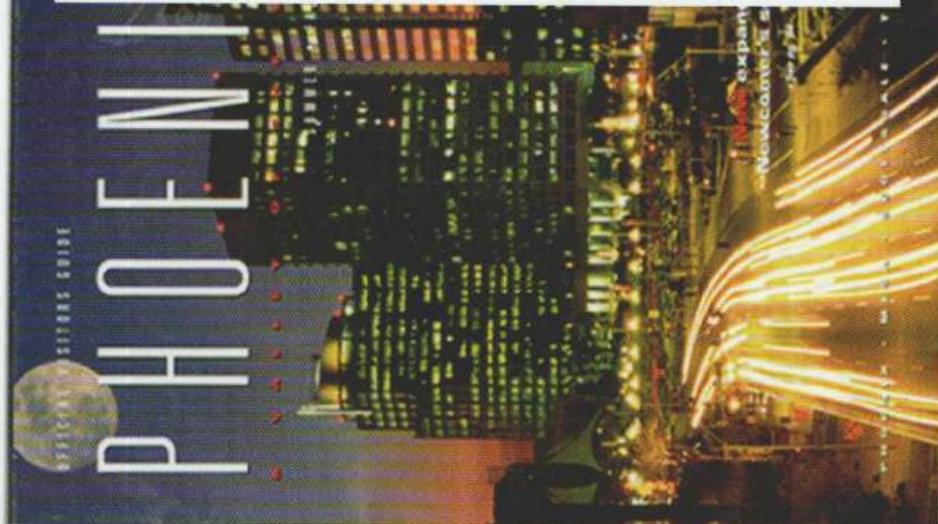
تصویر حضرت گوہرشاهی حتی در خورشید هم دیده شده

من بارهای دولت پاکستان اعلام کرده ام علت پرونده‌های دروغین بر علیه خودم را از دولت خواسته ام تا تحقیق کنند موضوع تصویر را - این تصویر علامات خدایی از طرف دولتها بخاطر فرقه گرامی مرد و داعلام شده بعلاوه دولت نواز مجبور کرد حکومت محلی سندراتا دستگیر و تابود کنند حضرت گوہرشاهی را یا از محل براند بهر و سیله ممکن - من آنون با حکومت نظامی پاکستان در تماش هستم - من از آنها تقاضا کرده ام که این علامات ای را مورد مذاقه قرار دهند بدون پیچ پیش داوری و بدون ترس از هرگروه و این علامات فرستاده شده از طرف خدار اخکلر نکند - چون تعلیمات حضرت گوہرشاهی بر اساس عشق خدایی و صلح است با این تعلیمات، مومنین به هر دین شروع به انقلابات فکری در میان خود کرده‌اند - بعلت احترام عیقق که برای حضرت گوہرشاهی قائلند - هندوها، سیک‌ها، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان همه با هم به اتحاد رسیده‌اند - این یک حادثه غیر متوجه است، که بوسیله آن حضرت گوہرشاهی (که ظاهرش) مسلمان می‌نماید محترم و معزز گشته و از ادعوت بعمل آمده که در کلسا به آخر ای کند - همچین در معابد گرددوارا - این چنین شخصی باید تشویق شود، چون مایه اختخار کشورش چست و کسی که خدا اور امعرفی مینماید - برای اثبات حقایق و علو آسمانیش، خدا آن علامات را می‌فرستد - تا با کرامات روحانیش مردم به نور قلبی بر سند، با اسم خدا و محبت واقع شوند (محبت اللہ) داشمندان و گروههایی که دشمن اولیاء هستند و دشمن خاندان محمد هم با هم بر علیه حضرت متوجه شده‌اند -

توجه عامه از ججرالاسود بر گردانده می‌شود بر اثر تحریکات اتهامات دروغین - نقشه‌های بی اساس - و تبلیغات منفی درباره حضرت گوہرشاهی در حالیکه این یک مسئله هم و حساس است، زیرا ایمان مسلمانان درکل در خطر قرار دارد - پس چرا هم در این باره پافشاری نمی‌کنند؟ هم تبلیغات شبیت و هم منفی در این باره وجود دارد و هم جهان - درباره ججرالاسود، آنون پوشاندن و نادیده گرفتن این موضوع غیر ممکن است -

از طرف دیگر، داشمندانی که به اولیاء عقیده مند می‌باشد درباره حضرت گوہرشاهی کروکور مانده اند و بی تفاوت بخاطر دشمنی و حسد با حضرتشان - تصویر آنقدر قابل رویت است که تقریباً غیر ممکن است که آنرا نادیده گرفت - این مردم می‌گویند که کره ما، هم آنون منبع سحر و افسون قرار گرفته، در حالیکه حضرت محمد فرمودند که ما نبی تو اند منبع سحر قرار گیرید - داشمندان می‌گویند ججرالاسود هم، تحت تاثیر سحر افسون قرار گرفته - حال سوای مطرح می‌شود که اگر ججرالاسود میتواند تحت تاثیر سحر قرار گیرد پس مسلمانان چه جائی رامیتوانند برای خود نگهدارند؟ برای جواب به این داشمندان، آنها مثال می‌آورند که حتی خود پیغمبر هم از دست تاثیر سحر در امان نماند و کعبه مقدس از خود حضرت محمد بزرگتر نیست - و حقیقت یک بار حضرت محمد تحت تاثیر سحر قرار گرفت اما یک آیه، سوره والناس برای ربانی او از آن نازل شد و از اثر آن سحرنجات یافت - داشمندان مخالف میتوانند همان آیه را بخوانند و بر ججرالاسود بدمندو بر ما و اگر تصویری ها از بین زفتهند و بلکه واضح تر شدند آنوقت باید حقیقت را قبول کنند، در غیر این صورت باید قبول کنند که تحت تاثیر پدر نادانی (ابو جهل) قرار گرفته‌اند -

در پشت جلد مجله آمریکا بی عکسی است از فنیکس مرکزی تصویر
حضرت گوهر شاهی بروشی قابل رویت است روی ماه همانطور که نشان داده شده



Official Visitors Guide, Summer * Fall 1996



لطفاً من نامه عکاس را بخوانید

من تصویری گرفتم از قسمت مرکزی
شهر فنیکس که در ماه تصویری از کنار
صورت یک انسان بوضوح دیده میشود
در حالیکه دیده شود با زاویه ۹۰ درجه

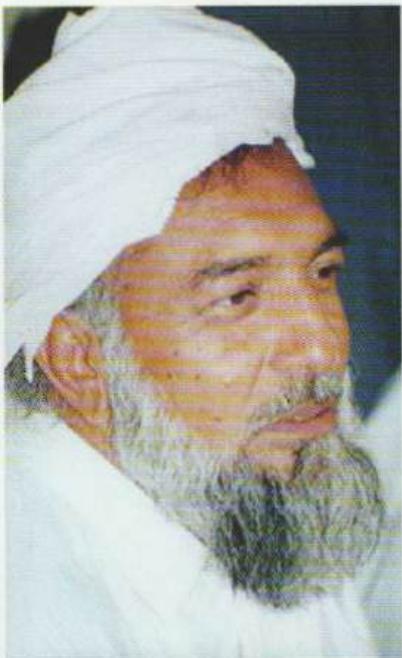


1640 N. 5TH STREET
PHOENIX, AZ 85004
(602) 710-3-00

Mr. Syed Shah
3401 N Columbus # 10-F
Tucson AZ 85712
8-1-00

Dear Syed,

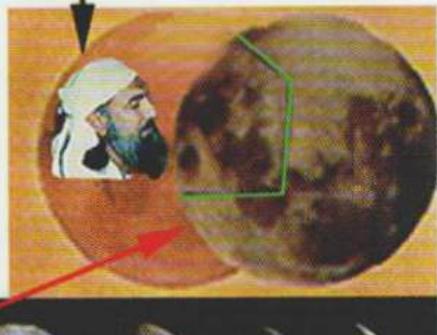
Please find (4) color duped transparencies and one 8 x 10 reprint you expressed interest in having during your visit to Phoenix Monday July 29, 1996. As discussed, the enlargement of the moon, which I photographed over downtown Phoenix in February 1996, does have a chance of a moon in profile when viewed rotated 90 degrees counter-clockwise. I hope you enjoy the prints and slides. If you have any questions or comments concerning the material or wish more images please feel free to call me here in Phoenix at (602) 710-3-00.



حضرت گوہر شاہی

ماہ

239



The Moon's rotation is locked to its period of revolution around the Earth, and so we never see its far side, but photographic from space have revealed a similar picture there, although there appear to be no large craters.

CREATING AND RAY SYSTEMS

If you use a pair of binoculars or a small telescope to look at the Moon when it is near full, you will see the bright crater known as Tycho, which is surrounded by a system of rays. With some careful inspection, you will see that some of these rays stretch all the way to the opposite edge of the Moon. When a comet or an asteroid passed this close, possibly 40 million years ago, it impacted our planet of Moon.

THE MOON

It is the only other world in the solar system that has a solid surface.

The rays stand out when the Moon is full, but at other times they cannot be seen. Instead, you will see a sunlight cone between its bright and dark portions. Known as the terminator, this is a region of changing shadow, where craters and mountain ranges stand out in stark relief. Regular observers of the Moon study the same area in many different lighting conditions in order to appreciate the moonlit day.

COLLINS SKYWATCHING

THE ULTIMATE GUIDE TO THE UNIVERSE

moon's gravity, and to just over half of the Sun, a high tide on the day-side every 24 minutes. This tide reflects the Sun's heat and the Moon's revolution around the Earth.

Q. Why are there two main tidal bulges on the Earth, causing the water on the side facing it to pile up, accounting for our high tides? The high tide on the other side of the Earth arises because the gravitational pull of the Moon is such that the Earth itself is pulled a little toward the Moon. This movement results in the water on the far side being "left behind" and piling up. In between these high-tide regions are the regions where the ocean levels are at their lowest. See diagram.

FACT FILE

Distance from Earth:
238,000 miles (384,000 km)

**Sidereal rotation period
(about Earth):** 27.3 days

Mass (Earth = 1): 0.012

Radius at equator (Earth = 1):
0.272

Apparent size (1 arc minutes)

**Sidereal rotation period
(at equator):** 27.3 days

Everyone is a moon and has a dark side which he never shows to anybody.

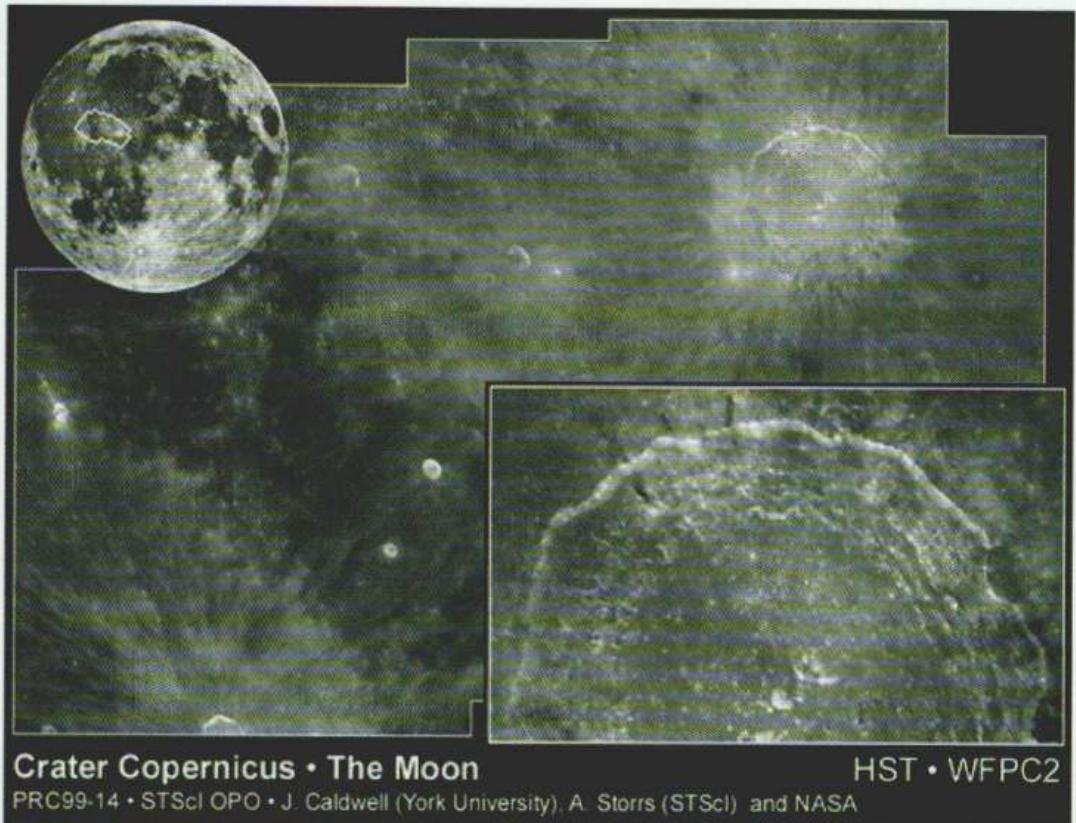
Paul Valéry's line of the Moon. Translation from French:

تصویر های مختلف از حضرت گوہر شاہی



تصویری از ماه توسط NASA

<http://oposite.stsci.edu/pubinfo/pr/1999/14>



Crater Copernicus • The Moon

PRC99-14 • STScI OPO • J. Caldwell (York University), A. Storrs (STScI) and NASA

HST • WFPC2

توضیحات بیشتر درباره این عکس را میتوانید در
صفحات بعدی بباید

خدا گفت: ما علامات خود را بزودی نشان خواهیم داد، در جهان و در

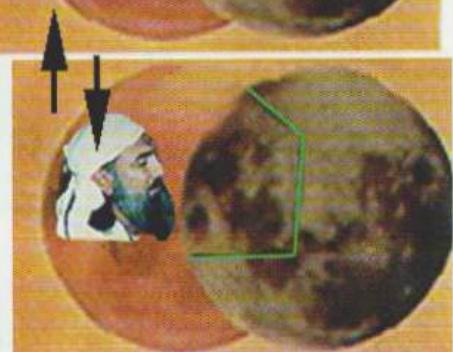
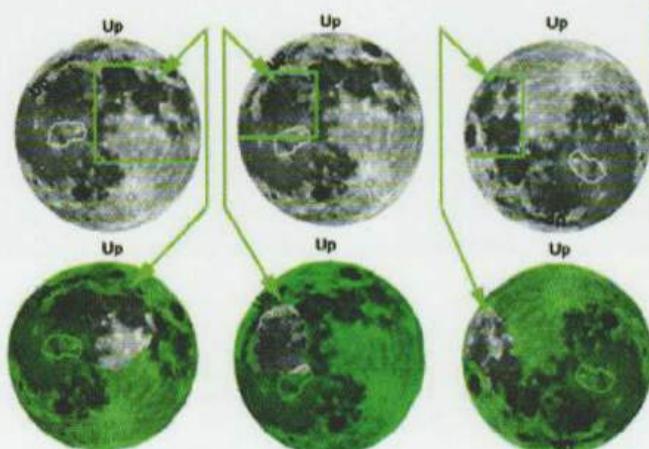
درون خودتان تا اینکه باور کنید که آن حقیقت دارد

برای دیدن علامتش به آسمانهایانگاه کنید و در فضا

علامت از آن کسیست که از شرق می آید (اقبال) **Up**



حضرت گوهر شاهی



ماه

با گردن داندن تصویر بر خلاف گردش ساعت

تصویر بخوبی دیده میشود

Plate 15-3. Phase of the moon (page 60)

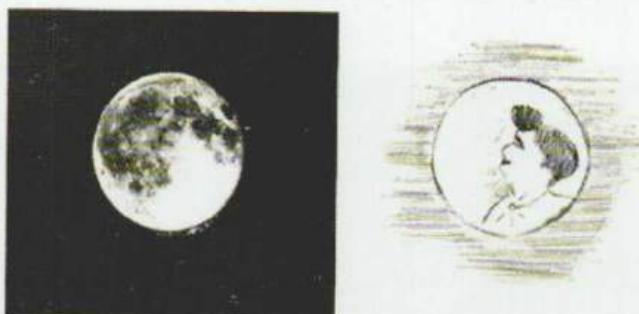


PLATE 15-4. The Lady in the Moon. If the page is held at arm's length, the drawing on the right will help you find the lady in the photograph of the moon on the left. To find her in the sky, look at the moon when it is full or during a few days before full moon. (Page 64)

by
PICTORIAL ASTRONOMY DINSMORE ALTER and CLARENCE H. CLEMINSHAW

by

DINSMORE ALTER, Ph.D. Sc.D.
Drafter

CLARENCE H. CLEMINSHAW, Ph.D.
Associate Drafter

GRAPHIC OBSERVATORY
CITY OF LOS ANGELES

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form, except by a reviewer, without the permission of the publisher.

Library of Congress Catalog Card Number 56-7639

Manufactured in the United States of America

6 7 8 9 10



(1)



(2)



(3)

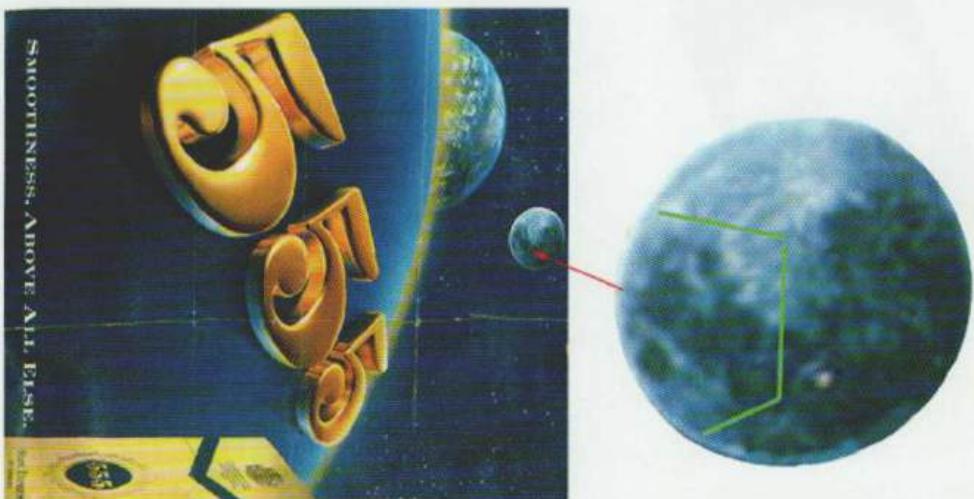
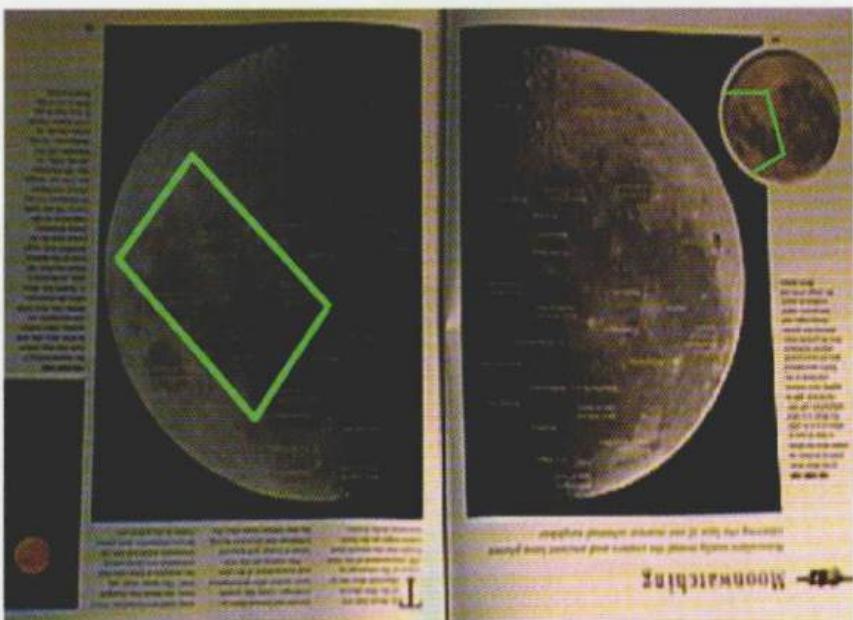
این تصاویر از کتابی که در بالا به آن اشاره شده برداشته شده است

وقسی مردم در ایالات متحده دریافتند که تصویر روی ماه شخصی است از اصل آسیابی، صورت تا به یک مسلمان شبیه است از آن بعد تصویر برگر دانده شد. تصویر بالا (1) تصویر اصلی است از ماه، تصویر دوم ماه است. قسمی از صورت و ریش تغییر داده شده شده تامبا در سر نشان داده شود بجای صورت. صورت تغییر یافته نشان میدهد چهره را که کاملاً اصلاح صورت کرده. تصویر (3) بالا نشان میدهد که دیسمور تصمیم داشت که معروفی کند مثل یک زن. به این منظور که مردم تصور کند که آن تصویر مریم مقدس است.

هر مداند چنان کوچک شده و گلو خط دار شده و چشم طولانی شده. علامت خدا ساخته که

تغییر داده شده خوب نیست زیر اینها بزرودی در سرتاسر جهان آشکار خواهد شد

تصویر ماه در مجلات و مقالات که توسط شرکت های مختلف ارائه شده

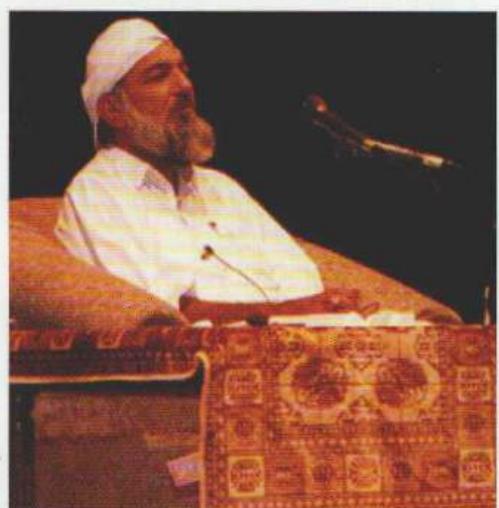


هر گاه در شرق هستید یا در غرب سعی کنید از ماه عکس بگیرید با دوربین
عکاسی خود تان از هر زاویه و شما این تصاویر را خواهید دید، سپس به چهره
مربوط روی ماه نظر کنید

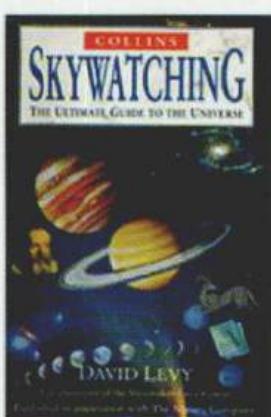


مثال های دیگری از عکس های ماه و روی آنها تصویر

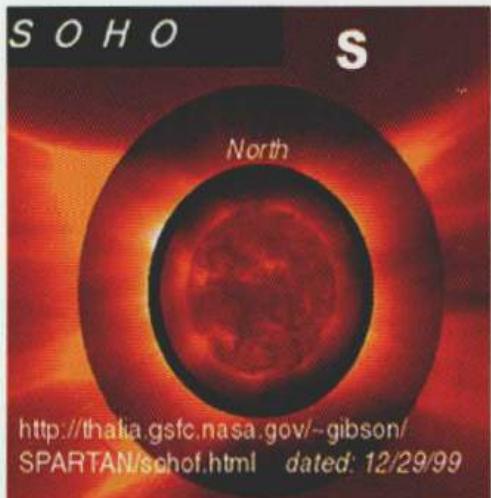
حضرت گوهر شاهی پیدا است



صفه ۲۳۵ از آن در اینجا نشان داده شده



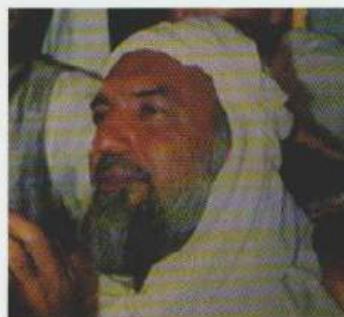
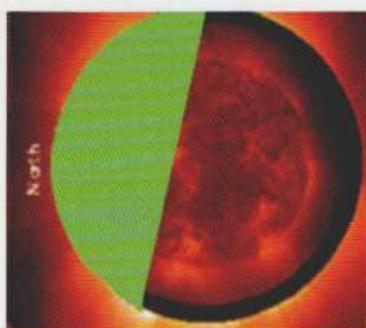
تصویر برداشته شده از خورشید توسط NASA



مقایسه تصاویر حضرت گوهر شاهی

تصویر خورشید از NASA که تصویر حضرت گوهر شاهی

بخوبی دیده میشود

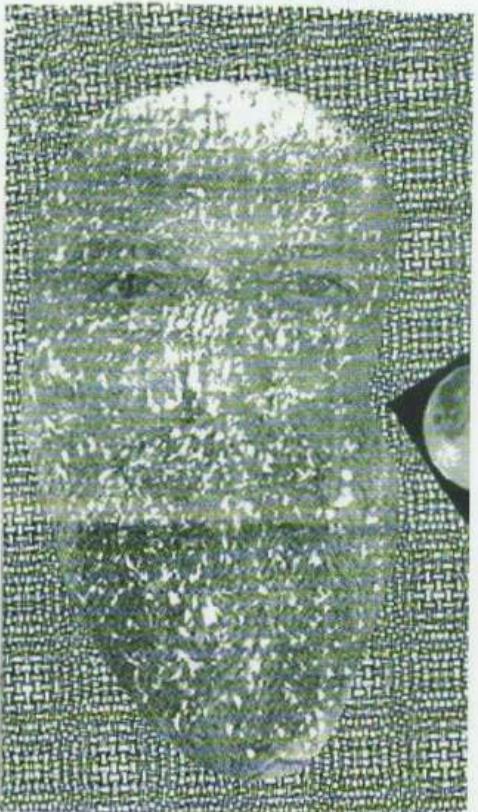


در حقیقت ماد و خورشید علامت عظمت شمار انسان می دهد

با وجود این دلیل حقیقت شما در وجود تان در قلب من است

یونس الگوهر

چیف ایدیٹر - سهیل اختر



NASA FINDS MASSIVE FACE IN SPACE!

NASA has released a shocking photograph that clearly shows a gigantic face floating in distant space!

The breathtaking photo was taken during the shuttle mission in late February — but experts admit they are baffled as to where the face originated.

"This is clearly the image of a man's face but he is in the universe," said astronomer Isaac Hawkins of Alaska, Ga.

"Whatever this is it clearly is enormous. We estimate it is as large as 150 of our suns," Hawkins said. "For something this size to go unnoticed during our previous years of space exploration is virtually impossible."

The only explanation is that it somehow has an ability to appear and disappear at will, which would make it unique."

The face was visible to shuttle astronauts during only a 12-minute period.

"When it came into view it started astronauts," Hawkins said. "A couple of them at first thought they were hallucinating."

By WHITNEY ASQUE
Space World News

"But when they transmitted the photograph of the face, everyone at NASA

realized this was a major space discovery."

Making the mystery even more mind-boggling is the way the face faded away into the darkness of space.



'It's as large as 150 suns!'

— Astronaut Isaac Hawkins

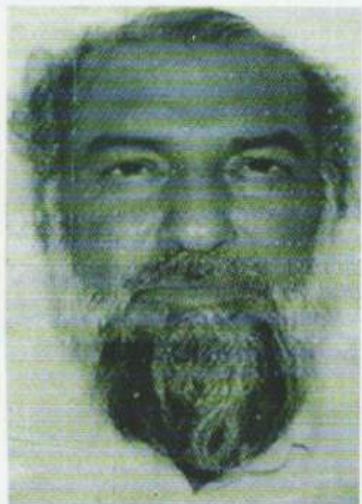
ASTOUNDING NASA photo of

این تصویر حضرت گوهر شاهی است در حقیقت وجود روحانی

خاص که بعنوان طفل نوری شناخته میشود

فقط تعداد کمی از زهاد هستند که دارای این موجودیت میباشدند

در بسیاری از کتابهای تصوف به این موضوع اشاره شده است



حضرت گوهر شاهی

چهره انسانی روی حجر الاسود کشف گردیده (در مکہ عربستان سعودی)

A human face is discovered on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia.

Sheikh Hamad bin Abdallah
Spiritualists in Makkah say that
this is the face of Imam Mehdi
(Al-Muntazar)

Daily Parcham
Karachi,
Pakistan
26th May 1998



Computer Report from Pakistan
APTECH CENTRE

THE COMPUTER JOURNAL OF PAKISTAN

This also was the news in Makkah on 27.05.98 and Weekly "The Living God" of May 1998. The Message - No. 6 - 1998. About the claimed existence of Promised Higher Journal, So in order to live this news, We welcome all spiritualists throughout the world to hear the message of Promised Higher Journal. Computer Shows a Picture of Promised Personality. Some people may be perturbed by it because the many pictures of others there in Computer. But only One Personality will stand revealed with no regard."

It is said amongst spiritual circles around the world that in addition to his facial images appearing on the sun and the moon, the face on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia, is that of Riaz Ahmed Gohar Shahi of Pakistan.



روحانی در مکہ میگوید کہ این تصویر مهدی المنتظر است (شیخ حمد بن عبد الله)

حجراستور پر اسلامی شیوه عمل میں کمالی

بادوچ زرائے کے صاحبِ کراچی کے جیون ملاہ ایک معروف دارالعلوم میں سہوڑ کر رہے تھے۔
شیر کا اندر تا ایک ہیئت سے یعنی شریعت کی درست کس میں تحریق کی یادتھی ہے
ملاہ جتنی فضیل پر متفق نہ ہو سکے اور نظرخانی طور پر دو کروڑوں میں تحریم ہو گے۔
سوہی ملاہ کا انتہی راز اور ایک اور بکری مذکوب کے بعد ایسا ہے۔ آزاد ہاصل کرنے والوں کے راستے



حجراستور پر اسلامی شیوه دار قائم اسلام میں

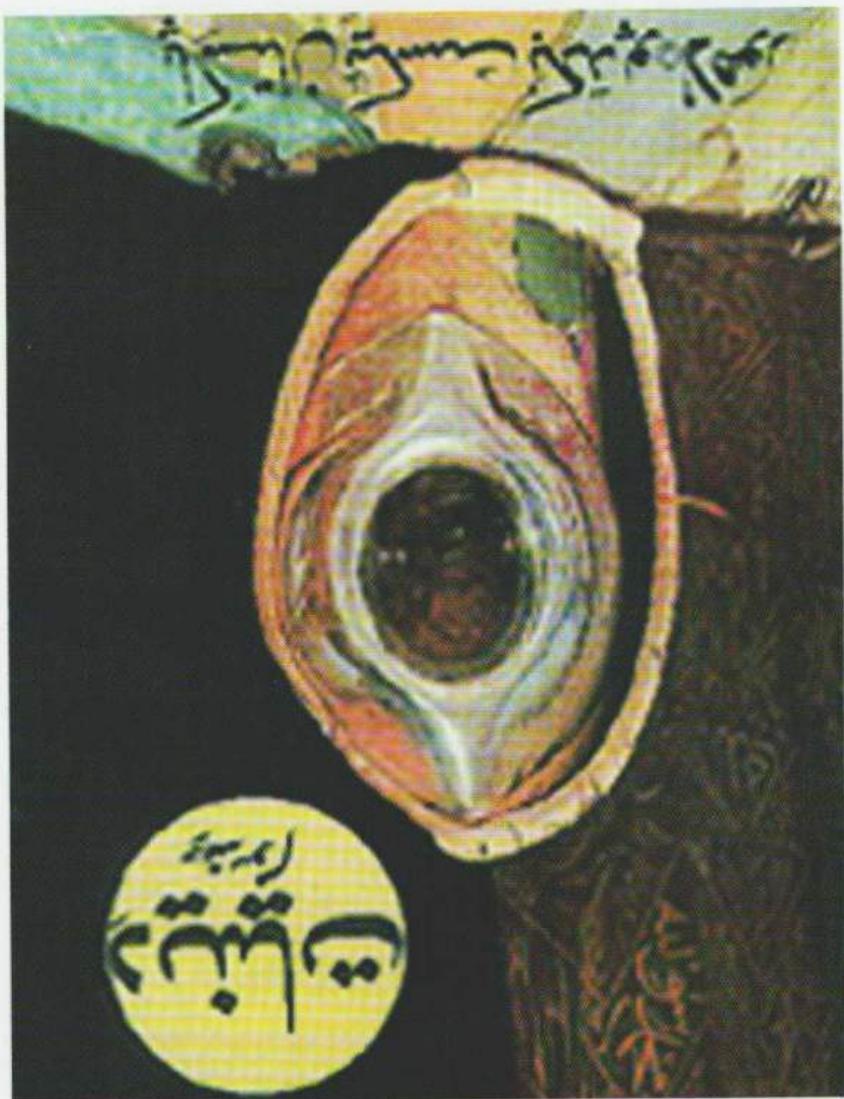


تصویر آنقدر واضح است که ہیچکس نمی تواند وجودش را انکار کند
خیلی ها می گویند کہ تصویر از آن امام مهدی علیہ السلام است

کراچی (محاسب نیوز)

طبق فکس دریافت شده از کشور عربستان شیخ حمد بن عبد الله سخنانی در مکہ ایجاد کردہ اند، میگوید
قبل از سفر حج علامات چهره انسانی بر حجر الاسود نمایاں بود. تصویر غالب شده است، بنا بر این از ابتداء
دیده نمیشود اما با دقیقت کامل میتوان آنرا مشاهد کرد. شیخ حمد بن عبد الله میگوید کہ دو دلیل برای این
تصویر میتوان تصور کرد. شاید آن طبیعتاً آمده باشد، یا شاید ہم ساختہ بشر باشد، چون حجر الاسود کاملاً
محافظت میشود توسط مأمورین و همیشہ تعداد بسیاری آنرا ازیارت می کنند در همه وقت، خیلی احتمالش
کم است که کسی جرأت کردہ باشد تا تصویری بسازد و بر آن نصب کند. این سؤال پیش می آید کہ اگر
تصویر همیشہ بوده پس چرا زیارت کنندگان حجر الاسود تا حال آنرا اندیده اند. تصویر آنقدر واضح و
آشکار است کہ ہیچکس نمی تواند آنرا انکار یا رد کند.

مخزن کتابهای پاکستان درسی (lahor)



این کتاب ، عنوان دینی توسط اداره آموزش و پرورش دولت محلی پنجاب پاکستان رسیده
آن حاوی تصویری از حجر الاسود است که روی آن چهره مبارک حضرت گوهر شاهی
دیده میشود

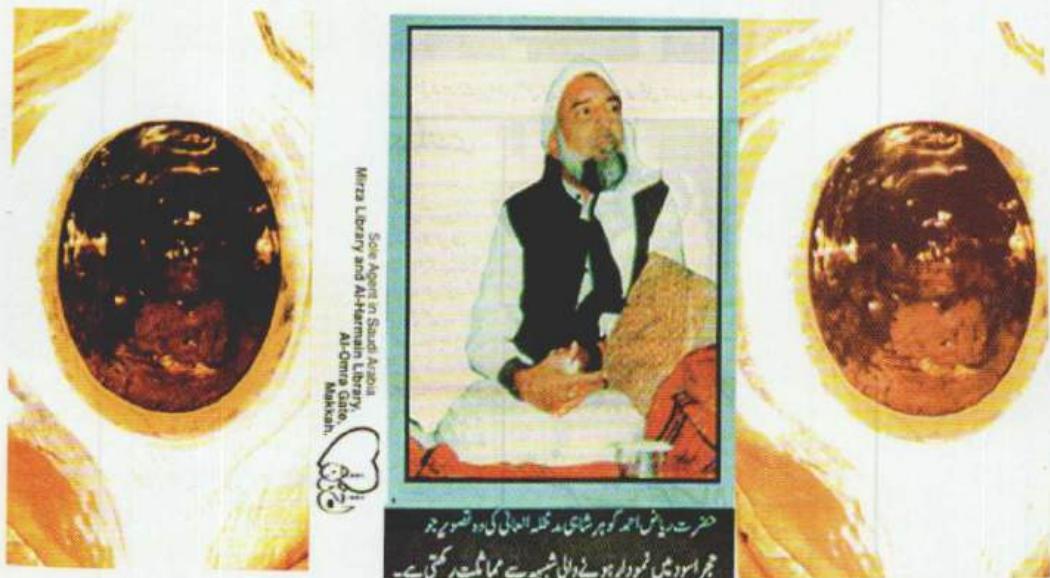
صورت حضرت گوهر شاهی روی حجر الاسود و قصی

سر پائین گرفته شده دیده میشود



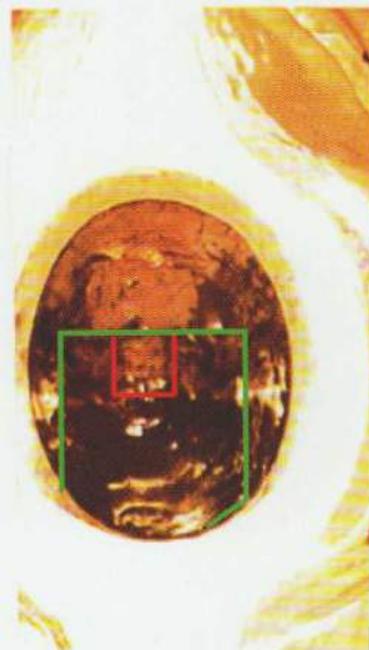
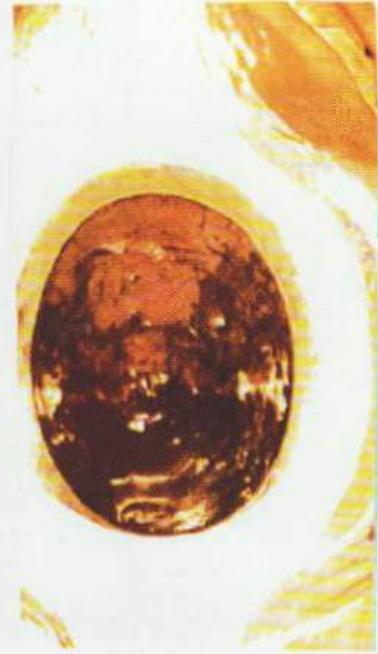
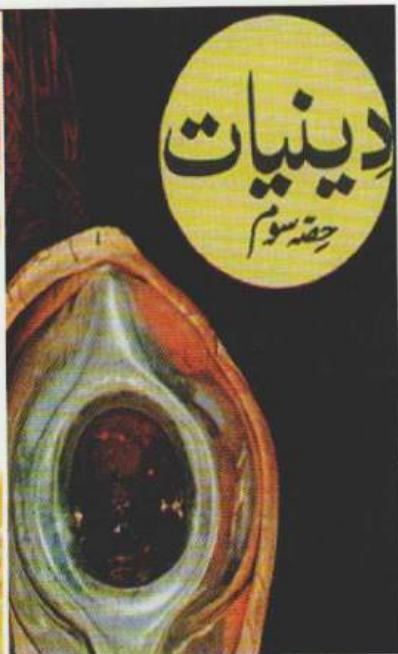
در بالا یک طرح بطور طبیعی ظاهر شده است روی حجر الاسود وجود دارد. آن

منبعی شده برای تحقیقات کامپیوتری و در اینجا روشن تر نشان داده شده



تصویر حضرت گوهر شاهی کہ شباهت زیادی با طرح ظاهر شده روی حجر الاسود دارد

تصویر حجر الاسود کہ بوسیله کتابخانہ میرزا بچاب رسیدہ (مکہ، سعودی)



طرح علامت گذاری و بوضوح شخص شده برای تشخیص آسانتر

یاسای حضرت گوهر شاهی (موجود روحانی) در سن ۲۵ سالگی هدیه شده بادر جه
سر کردگی سپاه روحانی

این تصویر جدیداً روی یک غبار یا هاله سیاره ای (یک ستاره خورشید مانند) آن توسط NASA منتشر شد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه بفرمایید

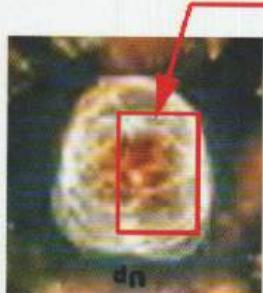
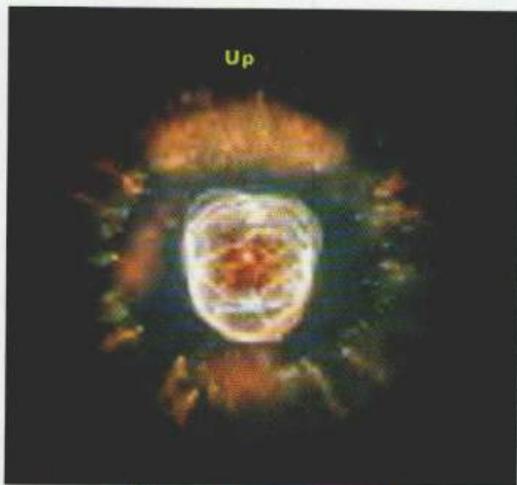
<http://www.spacedaily.com/spacecast/news/hubble-00b1.html>

SPACE SCOPES

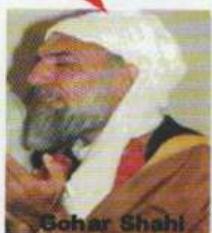
Hubble Brings "Eskimo" Nebula Alive
[< /news/hubble-00b2.html >](http://www.spacedaily.com/spacecast/news/hubble-00b2.html)

Greenbelt - January 11, 2000 -

The Hubble Space Telescope has captured a majestic view of a planetary nebula, the glowing remains of a dying, Sun-like star. This stellar relic, first spied by William Herschel in 1787, is nicknamed the "Eskimo" Nebula (NGC 2392) because, when viewed through ground-based telescopes, it resembles a face surrounded by a fur parka.

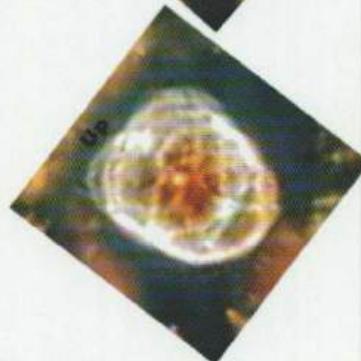


حضرت گوهر شاهی



حضرت گوهر شاهی

این تصویر را برخلاف حرکت ساعت بچرخانید
 تا چیزهای نوشته شده روی آنرا ببینید



Gohar Shahi

بسیاری می‌گویند که این خیال است. تصویر به نظر کسی می‌رسد که تصویر می‌گند. تصویر در دوربین عکاسی تصویر نمی‌شود. بعضی آنرا به تله پاتی یا مسمریزم تعبیر می‌کنند. جاهای عبادات زمین و آسمان نمی‌توانند تحت تأثیر تله پاتی یا سحر قرار گیرند. اگر بیطور است بس حیفتخاست؟ بعضی می‌گویند که ایالات متحده بول گرفته و این عکسها را در آنجا بکمک کامپیوتر فرار داده.

آیا حضرت گوهر شاهی از ایالات متحده تردد نهاده است؟

اگر این موضوع صحبت داشت ایالات متحده چهاره یکی از پابهار ایالات متحده، تا بدینوسیله گشورش و دیش از آن سود جسته و مشهور شوند

\$16.95

The Martian Enigmas

Mars has stirred our imagination since ancient times; until the second half of this century Mars was thought to be a world much like earth. But in the late 1960s NASA's Mariner probes shattered the illusion, revealing the Red Planet to be more like our Moon. Evidence of water erosion and other discoveries, however, fueled the hope that vestiges of life might yet be found on Mars.

In 1975 two Viking spacecraft, each consisting of an orbiter and a lander, were sent to Mars. Their primary mission was to soft-land two robotic probes on the surface to search for signs of microbial life in the red Martian soil. Late in July 1976 one of the orbiters sent back a curious photograph of what appeared to be a mile-long humanoid face staring straight out into space from a northern region known as Cydonia. The "Face on Mars" was promptly dismissed by NASA as a "trick of light and shadow" and the photograph filed away.

Several years later the Face was rediscovered by two engineers, Vincent DiPietro and Gregory Molenar, and became the focus of a decade-long series of independent multi-disciplinary investigations. Professionals in physics, engineering, cartography, mathematics and systems science, as well as anthropology, architecture, art history, theology, and other fields, have now discovered and studied nearly a dozen features on the Martian surface that may pose a serious challenge to conventional beliefs about the improbability of extraterrestrial life.

The Martian Enigmas is a report by Mark J. Carlotto on his state-of-the-art digital image processing of the controversial Viking photos. Dr. Carlotto illustrates the processes used to digitally restore and clarify the Viking photographs, and presents striking three-dimensional renditions of the Face and other intriguing objects on Mars. He argues that these objects may be precisely what many scientists have sought for decades: the first hard evidence that we are not alone.

Mark J. Carlotto is a Division Staff Analyst at The Analytic Sciences Corporation (TASC), a high-tech firm in the Boston Area. He earned a Ph.D. in Electrical Engineering from Carnegie-Mellon University in 1981. From 1981 through 1983 he was an Assistant Adjunct Professor at Boston University. Dr. Carlotto has over ten years of experience in image processing and related fields, and has published over forty papers in computer vision, digital image processing, pattern recognition and other areas. He is a senior member of the Institute of Electrical and Electronic Engineers.

A Closer Look MARK J. CARLOTTO



Photo Credit: Mary Kay Branan (Courtesy)

ISBN 1-55643-129-5



\$16.95

North Atlantic Books, Berkeley, California
Cover and Book Design by Daniel Drasin



این تصاویر را از زوایی NASA

<http://www.psrw.com/~markc/marshome.html>

بیرونی سر مارک سمجھی از دانشگاہ بوسن کے تحقیق

۱۷۵

10

سی این گرفته شود تصریح حضرت والا گور شاهی
www.tlig.org/jesus.html

www.goharshahi.com

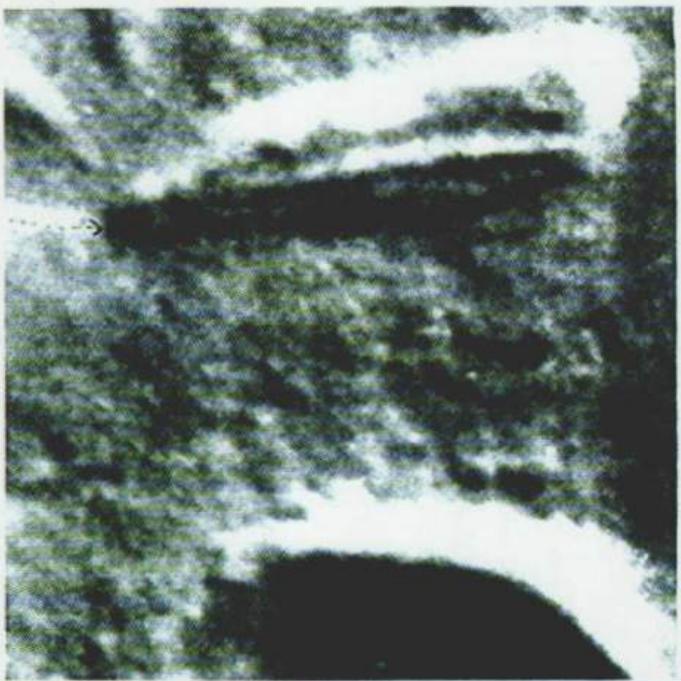
11

Two faces in one picture when rotate it at 180 degree

Jesus and Gohar Shahi meeting took place at New Mexico in 1997

Published in the Sunday Magazine
The Jang, Pakistan on 18-03-01

The "Cliff" from 35A73. A peculiar, cliff-like mesa that rises 25-30 meters above a pancake-like "crater pedestal" (the surrounding ejecta blanket formed when the Martian permafrost was melted and ejected from the original cratering impact). Hoagland has demonstrated that the Cliff participates with the Face in solstice alignments and in several other angular and positional relationships. The Cliff's overall shape, surface texture and internal appears to differ markedly from that of the surrounding crater ejecta, which suggest that its formation post-dates the intense cratering impact. Supporters of the intelligence hypothesis theorize that if the object had pre-dated the impact ejecta material would have piled up on the east side of the Cliff, displaying peripheral splash patterns and formed a "blast shadow" on the opposite side. However, the adjacent terrain on the crater side, rather than being piled-up appears instead to have been hollowed-out—the opposite result to the expected from natural forces. This and the striated or "plowed-field" effect between the Cliff and the crater, have fueled speculation about the quarrying of material for the Cliff's construction.



There appears to be a continuous groove or path originating in the hollowed-out area that rises ramp-like to the northeast end of the Cliff, turns and proceeds southward, then makes a final hairpin turn and terminates at the northwest end. This groove defines the elongated "nose" of what appears to be another set of facial characteristics. These are made more obvious here by artificial foreshortening that stimulates a view from the south at angle of about 70° from nadir.



27

Jesus and Gohar Shahi facing each other in the picture

This matter given is a clipping from Pakistan Post New York dated 14-06-01.
It also published in Nawa-e-Waqt UK on 29-06-01.

تمہرے حضرت والا گورہ شادی
در جہادی دیگر سعیر از مویں
ستارہ نابو لا، ملاد ایں سبست راسیں
مودع اعلیٰ سد آپاں جنفت دارو
امت بردار عکوبان

Nebula Star
The Moon Up



دیگر سیارات مور بینج مور برو طب مور

چیزی مسیح شنیده بود که همه پوشاک است و اینها عجایب به مرغی ندازد. بو مجموعه خلاصه است. صورت تلویزیونی سهارا از سهارا و مولانا دیگر سهارا از سهارا معاشر به مدت سه هفته بیشتر بیشتر رسیده اند و تو طرف دیگر حضرت الا-کفرر که هم اکنون هی و حاضر درجهان ما میباشد. جای خاصی برای زندگی ندارد او فرم سراسر جهان شرگرد چشم و نتویر میباشد و دیگر سهارا از سهارا نیست. که میتواند آنها را کامپیوتر به آدرس www.goharshahi.com بخواهد.

R.A.G.S. International UK. "ریگس" میکری میکتدھ ریگس لین الملاعی

بر از نثار از طریق NASA می‌باشد.

E-mail: younus38@hotmail.com
amjad_all7@hotmail.com

Contacts: +971 (0) 50 5922671 [UAE]
+44 (0) 7833374251 [UK]
کے حصہ انسان را در گردانہ پیش نہ

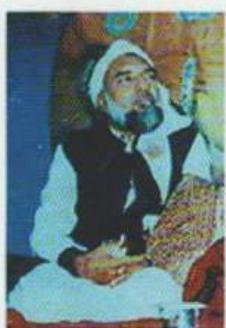
Disturbing Controversies like the Cydonia region of Mars
www.creation-science-prophecy.com/links.html



These pictures were taken from the book

"Martian Enigmas"
by Mark J. Carlotto

سر مقاله‌ای از یک روز نامه پاکستانی



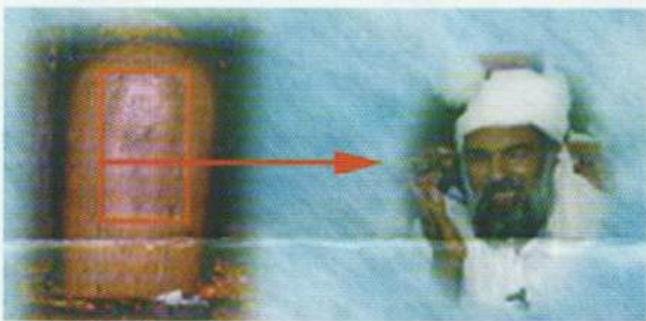
حضرت والا ریاض احمد گوہر شاھی

من تقاضا می کم از دولت پاکستان و دولتمردانش تا تحقیق کاملی از تصاویر این جانب در ماه و حجر الاسود بنصایند. اگر این ادعا صحت داشت دولت باید از من حمایت تا اینکه بتوانم عشق آسمانی را در سر اسر جهان تبلیغ نمایم و در نتیجه مردم همه ادیان توسط آن متحده شوند. آن همچین به مردم عادی کمک خواهد کرد تا یک رهبری صحیح به آنها ارائه شود.

اگر که این توضیحات بالا باثبات نرسد، دولت حق تبیه و تحت تعقیب قرار دادن را دارد

نیزگاٹ کے شہزادے کے مدد میں پشتو گورنمنٹ کی تحریر

الاعداد لوگ عقیدت سے اس تصویر کو دیکھنے آرہے ہیں روز نامہ مہران حیدر آباد



میرا بہاراں کو کھوئی، جو رکھ کر
میرا خدا کی ایجاد نہ کر سکا۔ میرا سے اپنی دلیں
میری بہاراں کی ایک بڑی قلی کی سب سے زیاد تر
کلارک خود کرتے سے پہلے ہی تاریخ سے بڑی کاروباری
کی تحریر ختم اور یہ تحریر کے لئے آئندہ انو
کامیابی کا اعلان کیا ہے۔ میرا خوب سکریوں میں چھپا
درستگی کے ساتھ اسی میں میرا خود کی کاروباری
کی ایک عالمیت سے متعلق ایک بڑی کتاب کی تحریر کیا
بہے۔ اس کے بعد خود اسی کاروباری میں کاروبار کرنا
کیا تھا۔ میرا خود ایک بڑی کاروباری کی کاروباری
کی تحریر کرنے کے لئے ایک اکابر اور نئے

تصویر حضرت والا گوهر شاهی روی سنک مقدس در معبد

شیو در عمر کوت (سندھ، پاکستان)

مردم بسیاری با علاقه فراوان می‌آیند برای دیدن تصویر

دیلی مهران، حیدر آباد ... پاکستان

حیدر آباد (خبرنگار مخصوص) روزنامه محظوظ دیلی مهران در نسخه ششم جون ۱۹۹۸ منتشر کرد اخبار کشف یک تصویر از حضرت والا گوهر شاهی راروی سنک مقدس موجود در معبد شیو نزدیک عمر کوت. مردم بیشماری برای دیدن تصویر می‌آیند. هندو ها با علاقه وافر و توجه خاص با آنجا می‌آیند. یک کتابچه توزیع شد بخاطر این موضوع و باین دلیل آن سنک مرکز توجه عموم شده است. امت هندو خوشحالند و پیداشدن تصویر حضرت والا گوهر شاهی را بروی سنگ جشن می‌گیرند.

یک تبلیغات معرف حضرت والا گوهر شاهی توسط جامعه محلی هندو در مجله هفتگی
دبارد که در لندن منتشر شده

Amar Deep HINDI WEEKLY **पंच 70 रुपये**
Editor: T.M. Naqvi, McLeod Ganj, New Delhi-110034. Tel: 011-466 5554 Fax: 011-479 1100. **70 Pence**

Riaz Ahmed Gohar Shahi

Given Hindi Text

दिव्य देवता की अवधारणा और उसके लिए विश्वास की जगह आपने अपने देवता की अवधारणा की जगह लिया है।

जाति में लोकसंघर्ष, जिसे विभिन्न जाति-जनजाति के सम्बन्धों का दर्शन किया और उनमें जो जाति अवधारणा आ पड़ी है। लोकसंघर्ष के दृष्टिकोण से इसका अधिकारी ने अपनी विचारणा की, जिसमें लोकों की जातिवादी और जनजातीयी के विवरण दिए गए। यहाँ जाति वादी विचारणा का अधिकारी ने अपने जनजातीयी के विवरण दिए हैं। जाति वादी की विचारणा के अन्त में लोकसंघर्ष की विवरण दिए हैं। जो लोकसंघर्ष की विवरण दिए हैं, वह लोकसंघर्ष की विवरण दिए हैं।

सामाजिक अनुदान के उपर व्यवस्था न आती, लोगोंके द्वारा उपर उपर व्यवस्था नहीं होती है। इस दृष्टि से मात्र व्यवस्था उपर उपर व्यवस्था के लिए व्यवस्था नहीं होती है। लोगोंके द्वारा उपर उपर व्यवस्था नहीं होती है। लोगोंके द्वारा उपर उपर व्यवस्था नहीं होती है।

विनायक मन्त्र सुन्दर लोटे में जलता, यसका जल से जिन जल और
जीर्णी विनायक का जल जलता, ऐसा भविष्यत के दृष्टि जलता
हिंडा। इन जलों को दोस्तों में देख दिया विनायकोंसे ये अपना
जलता है। ये दो अपने अपने रूप से अपना जलता है। उम्
भावनाओं से उत्पन्न दृष्टि द्वारा ये दृष्टि द्वारा ये दृष्टि द्वारा
जलता है। ये दो लोटामी लोटाए पर ही अपनायते हैं लोटन में
उपर्युक्त दृष्टि।

کئی بندہوں کو خواب میں دم کرنے آنکھوں کی بیٹالی گو گوائی حاصل ہو گئی

بھارت میں گورنر شاہی کے حاذف میں سے تھے ہوئے جز اور افراد

III اور جاندھر T.I. جلد گوہشانی کا اثر دینے کے لئے کس کے انکشیدے کے گزار قادری



بسیاری از هندوها حضرت والا گوهر شاهی را در خواب دیدند که مرض آنها را شفا مید هد بسیاری بینانی خود را باز یا فتندو بسیاری کرها شنوا شدند و قادر به صحبت نیز شده اند



یک پدیده آسمانی

در دست راست حضرت والا گوهر شاهی نام حضرت محمد حک شده است . و در روی انگشت دست
چپ نام خدا (الله) بخوبی دیده میشود

باد داشت

بعضی گله کرده اند که چرا نام خدا روی انگشت سمت چپ حک شده؟ اگر من انگشتان ایشان را آفریده
بودم و اگر من حک کرده بودم این اتهام و گله گزاری بمن میخورد . خدا میداند شاید این حادثه است یک
(پدیده آسمانی) باشد

برگشت عیسی

عیسی در آمریکا با حضرت والا گوهر شاهی ملاقات می کند
دریک مصاحبه در لندن ۲۸ جولای ۱۹۹۷ حضرت والا گوهر شاهی
سخنان زیر را اظهار فرمودند



در روز ۲۹ مه ۱۹۹۷ من در مهمناصرای آل مونت در تانوس بودم (در نیمه دوم شب، احسان کردم مردی در اطاق من است. نور کافی نبود، بنابر این من اول خیال کردم یکی از پیروانم است. از او پرسیدم، چرا به اینجا آمده ای؟ آن مرد جواب داد (آمده با تو ملاقات کنم) چراغ روشن کرد، مرد خوش قیافه ای را در پروردی خود دیدم که او رانمی شاختم. بازیدن او احسان انرژی بسیار و قدرت روحانی کردم و موجودات روحانی و یک جذبه روحانی شبیه به موافقی که در مجمع پیغمبران می کردم. (در عالم قدسی) احسان کردم بسیاری از زبانها رامی داند. مرد جوان بد من گفت: «من عیسی بن مریم هستم اکون در آمریکا هستم. من از او پرسیدم 'کجا زندگی میکنی' جواب داد، 'من نه در گذشته و نه در حال خانه ای نداشته ام.'.

وقتی از حضرت والا گوهر شاهی درباره توضیحات بیشتر از این دیدار خواسته شد. حضرت والا گوهر شاهی جواب دادند. آنچه عیسی و من در باره آن صبحت کردم یک راز است. ولی آنرا در زمان خاصی در آینده باز گو خواهم کرد. حضرت والا گوهر شاهی میفرمایند چند روز بعد من به توسان (آریزونا) رفتم. در آنجا کسی عکسی را به من نشان داد و گفت. «آن عیسی است» من فوراً شخص داخل عکس را شناختم چون همان شخص بود که در اطاقم در آل مونت دیده بودم. من از شخص صاحب عکس پرسیدم درباره اصل آن عکس. او گفت بعضی اشخاص از بعضی از جاهای مقدس عکس میگرفتند. با کمال تعجب این عکس از (مسیح) میان عکسها چاپ شده بیرون آمد. وقتی که عکسها به چاپ رسیدند. این مردنه دیده شدن عکسی از او برداشته شد. من عکس آن مرد جوان را گرفتم (عیسی) و سعی کردم با عکسی که از ماه برداشته شده بود مقایسه کنم. متوجه شدم که آن عکس مطابقت می کند با یکی از تصویرهای روی ماه. من تایید می کنم و تشخیص میدهم که این عکس واقعی از عیسی است. یک مجله به تازگی مقاله ای چاپ کرده که از قول منابع رسمی کلیسا درباره برگشت عیسی نقل قول کرده و خواستی که مربوط به آخر الزمان میباشد. بسیاری از اطلاعات منتشر شده عصوصاً پیشگوئیهای سری انجیل که از طرف واتیکان رم اشاعه یافته، و عقیده دانایان هم آنکه است با مطالب حضرت والا گوهر شاهی.

دوستان!

برای این لحظه بوده که خدا فرمود:

”ما بزودی نشانه‌های خود را روی زمین به شناسان خواهیم داد و در فضای خارج حتی در میان خودشان“

گفته‌های حضرت گوهر شاهی

ارواح زمینی به کرات در بدنهای اشخاص دیگر وارد شده‌اند. روح اشخاص مخلص (نورانی) میروند به بدنهای پاک. روح زمینی حضرت محمد باقی ماند برای امام مهدی همانطور که قسمت‌های بدن حضرت (پاودست) میتوان گفت که جواهر چشمان آمنه (مادر حضرت محمد). همانطوری شود گفت درباره هر قسمت از روح آسمانی حضرت محمد که پسر عبد الله بود و جواهر آمنه. ارواح اهل بیت (خانواده پیغمبر) شامل شدند در خانواده پیغمبر، -

یک نکته مهم

مهدی به معنی کسی است که رهبری خواهد کرد.

مهدی به معنی کسی است از ما (که چهراش در ماه ظاهرا می‌شود) مثل نامهای مهناز (زیبایی) و مهتاب (زیبا مثل ما).

محمد یونس الگوهر

younus38@hotmail.com

حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت گوهرشاهی شروع کرد به تبلیغات این مأموریت آسمانی در سال ۱۹۸۰- تعلیمات او درباره عشق آسمانی بسیار مورد ستایش قرار گرفت- مردم (همه دین‌ها) شروع به احترام به عشق نسبت به حضرت گوهرشاهی کردند- به منظور یادگیری روحانیت و رسیدن به تکررات قلبی (ذکر قلب) آنها از حضرت گوهرشاهی دعوت کردند به مکانهای عبادت قابل احترام-.

حضرت والا گوهرشاهی به هر معبد از هر دین حضور یافت، این بی سابقه است و یک مججزه بزرگ- چند دین مججزه و برنامه وجود دارد که در ارتباط با حضرت گوهرشاهی می‌باشد- مادر اینجا چند مورد انتخاب شده را برای رضایت خاطرش باز گوییم-



Gohar Shahi

"MESSENGER OF LOVE"

WORLD'S PROMINENT SPIRITUAL (SUFI) GUIDE

"In order to recognize the God and to be able to approach the essence of God learn spiritualism, no matter what religion or sect you belong to"

(GOHAR SHAHI)

How to change your physical heartbeats
to the ethereal chanting of the name of God.

In order to achieve the Love of God, remember the God through your heartbeats without leaving your lifestyle. The special meditation (Zikr) is the practice for well being and preventive medicine for cardiovascular disease.

"Healing through the light of God"

Lecture and Q&A:
Saturday at 8:00 to 9:00 PM Chelsea Rm.

Meditation: at 9:10 to 9:45 PM

Healing Session are free by Appointment

For more information:

Ashburn Virginia (703) 729-6292

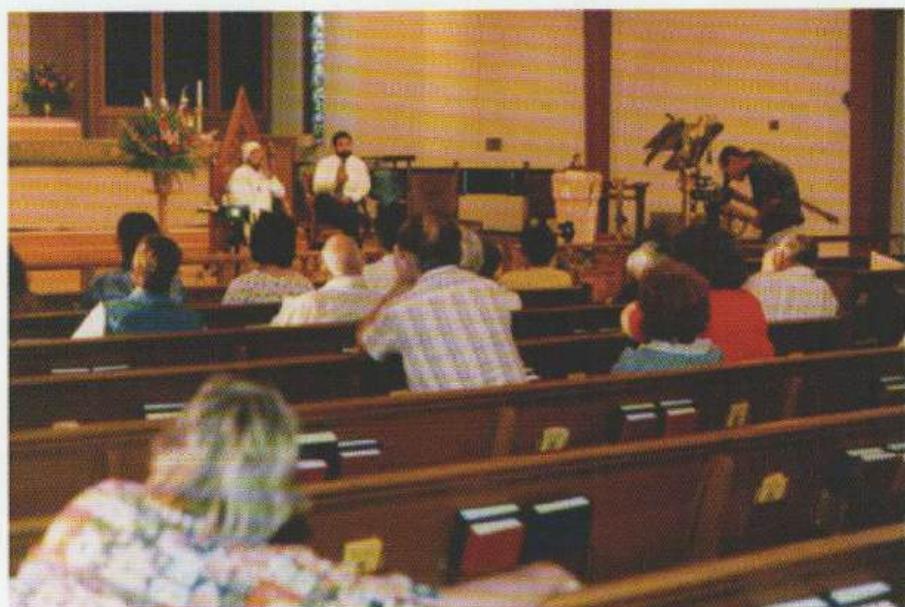
Email: goherasi@email.msn.com

NEWLIFE EXPO '99
New York City
THE SYMPOSIUM FOR NATURAL HEALTH

October 1, 2, 3
at the Hotel New Yorker
(34th Street & 8th Ave.)

جامعه عیسیویان نیویورک از حضرت والا گوهر شاهی دعوت کردند برای سخنرانی روحانی

در هتل نیویورک دوم اکتوبر ۱۹۹۹



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در کلیسای مرکزی توسان
در ایالت آریزونای آمریکا میباشد

تصویری از مجمع روحانی لاهور در یازدهم آوریل ۱۹۹۶

بیشتر مستمعین شافعی و حنفی مذهب میباشند



جولائی ۱۹۹۷ (پیروی جهانی اتحاد) در برسکوت، آریزونای آمریکا

حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در معبد سای بابا در دور بان ، افریقای جنوبی
در این مجمع پیروان سای بابا و ایکنو کولیت ها حضور دارند



حضرت والا گوهر شاهی در حال صحبت با گروه مسلمانان شیا در مسجد نور امام
در ناظم آباد کراچی، پاکستان میباشد

حضرت والا گوہر شاہی درمیان سیک ہا



સુર્યાંગ માટે

www.gutenberg.org/cache/epub/1/pg1.html

• 100 •

परमात्मा की विद्या की विद्या है। जो ने अपनी विद्या की विद्या ली तो उसे विद्या की विद्या दी गयी। जो ने अपनी विद्या की विद्या ली तो उसे विद्या की विद्या दी गयी। जो ने अपनी विद्या की विद्या ली तो उसे विद्या की विद्या दी गयी।

अवश्यक नहीं है कि विद्युत ऊर्जा का उपयोग इन विद्युतीय उपकरणों के लिए किया जाए।

मात्र नहीं विद्युत की जैविक और
विद्युत की विद्या वही है।

**NO LASER
NO OPERATION
NO SPECTACLES**

Astonishing results in Myopia and Other Eye Ailments by highly qualified, well-experienced and renowned Ayurvedic Physicians of Northern India

Daisy Harris - Come & See the Cured
Visit Personally.

DOBRA LITTLEFIELD EYE HOSPITAL

ONLINE RESEARCH METHODS

1. New Market Gate, Jalandhar-8 (Pb.)
266-718, 2686 LAWSON

Phone : 281549

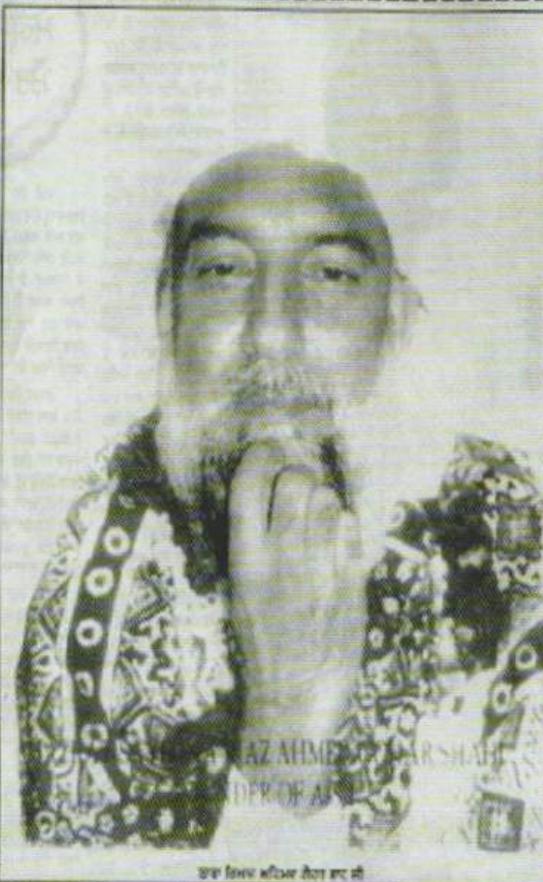
GUARANTEED

حضرت والا گوهر شاهی در حال تفویض احترمات و بزرگداشت روحانی یک گروه

از حضار سیک میباشد در در گرونانک کارد وارا در فیونکس آریزونای آمریکا

ਦਿਲਾਂ ਰਾਹੀਂ ਰੱਬ ਨੂੰ ਮਿਲਾਉਣ ਵਾਲਾ-ਬਾਬਾ ਗੋਹਰ ਸ਼ਾਹ ਜੀ!

पात्र नार्वे लें उत्तर
दिखा दा, तो तंत्र
पर्विट दा तिक्क बनावा
एवं यह यात्रा अपनी
सर्व दृष्टि दृष्टि दृष्टि
उत्तर यात्रा कर्म ताता से
भाव भाव दा, तो तंत्र
वाच, वाचिक, वाचिक
God न देख ताता देख
ताता देख ताता देख
ताता देख ताता देख
ताता देख ताता देख



www.fineartamerica.com

四百三

स्वामी-जाने दिल एक की जीवन
पर दिल दे दिल अट्टे का, दिल
एक दिलम ही है जो यहाँ उत्तम
लग जाता रखता है कि कही दिल
यु जा दे जाता है पास दे सदा। दिल
दिल जाता है कि कही है जो उत्तम
लग जाता रखता है कि कही दिल

ਸਾਰਲ - ਵੰਡ ਵਿਅਸ਼ਤ ਦੇ ਸਥਾਨ ?
ਕਿਉਂ ਕਿਉਂ ਜਾਣ ਦੀ ਪੀਂਹੀ ਹੈ ?

ਪਾਰਦ - ਹਾਂ ਕਿਵੇਂ ਕੁ ਬਲਾਵ
ਕਿਵੇਂ ਤੇ ਸਾਡਾ ਬਲਾਵ ਨੇ ਪੈਂਦਾ
ਹੈ ਅਤੇ ਪੈਂਦਾ ਕਾਨੀ, ਹਾਂ ਕੇਂਦ
ਗਾਂਧੀ, ਹੋਰੀ ਚਿਹਨ ਕਿਵੇਂ ਹੈ।

वर्णन-हितम् उ॒ Meaning

(ਲੋਕਿਆਂ ਨੂੰ ਜਾਣੀ ਵਿਚਾਰ। ਅਗੇ ਲਿਖੇ ਅਤਿਥਿ ਵਿਚ ਦੋ ਗਿ ਸ਼ਾਮ ਹੈ ਤੁਝਾਂ ਤੇ ਪ੍ਰਭਾਵ ਲਾਵੇ ਬਿਨਾਂ ਕਾਨੂੰਨ ਵਾਲੇ ਅਤੇ ਸ਼ਾਸਤਰੀ ਵਾਲੇ)

ਫਿਰ ਫਿਰ ਅਮਨਾਂਦੀ ਮਿਲ ਗਈ ਹੈ ਤੇ ਰੋਜ਼
ਦੀ ਜੀਵਨ ਕਿਸੇ ਵੀ ਵਾਰ ਨ ਸ਼ਾਮ ਨਹੀਂ ਹੈ

قسمتی جدا شده از مصاحبه حضرت والا گوهر شاهی به زبان کرومکسی پنجابی در ۷ اکتوبر سال ۱۹۹۹
انجمن سیک های سان فرانسیسکو در آمریکا از حضرت والا گوهر شاهی دعوت بعمل آور دند تا در باره
عشق آسمانی صحبت بفرمایند. انجمن سیک ها صحبت های ایشان را بنفع انجمن سیک های محلی به
طبع رسانند. آن توضیح کاملی درباره تعلیمات حضرت والا گوهر شاهی داد و گفت که گفته های ایشان
حقیقت دارد و راه ساده ای برای پیدا کردن خدا و اینکه به این تعلیمات باید عمل شود

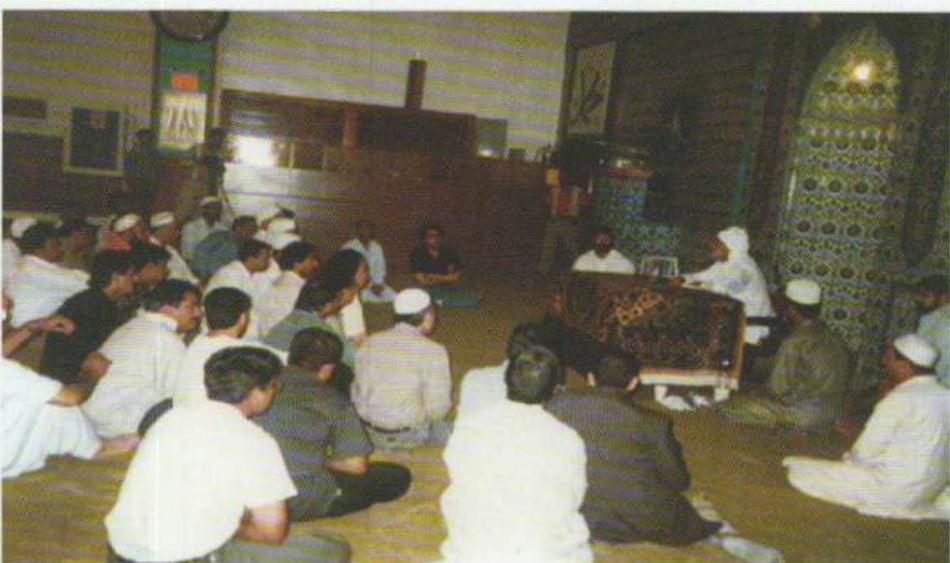
منظره ای از حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی که صحبت میکنند

در کنفرانس (اسم ذات)



تصویری از کنفرانس (اسم ذات) که در هفتم اکتبر ۱۹۹۶ در کراچی

برگزار گردید و در آن از همه نوع و دین شرکت کردند



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در میان مسلمانان مالکی و حنبیلی

مذهب در مسجد ترکی بنام بروکلین آمریکا

معرفی کوتاهی از کتاب

- ۱- اگر شما دینی را بپروردی می‌کنید اما از عشق بخدا محرومید، پس آنها از شما بهتر ند. آنها بی که از دینی نمی‌پیروی نمی‌کنند، اما عشق آسمانی دارند.
- ۲- عشق مربوط به قلب است. وقتی کلمه (الله) هماهنگ شد با ضربان قلب شما، به شریانهای اصلی خون شما میرسد از راه جریان خون و در نتیجه روح را بدار می‌کند. روح وقتی تحت تاثیر قرار گرفت همراه با نام خدای تعالیٰ به عشق آسمانی میرسد.
- ۳- هر نامی در هر زبانی که خدارا نشان دهد قابل احترام می‌باشد. نام اصلی خدا در زبان سریانی الله می‌باشد. (زبانی که در آسمان ها و توسط خدا با ملائکه ها صحبت می‌شود). فرشته خدارا الله می‌نامند. نام الله همچنین متصل به (کلمه) هر پیغمبری می‌باشد.
- ۴- انسانی شایسته افتخار است که، با قلب پاک در جستجوی خدا در زیر دریا و روی زمین باشد.
- ۵- (آدم) های بسیاری همزمان در جا های مختلف جهان فرستاده شدند. همه آدم ها در این جهان خلق شدند از خاک همین زمین. در حالیکه آخرین آدم (صفی الله که در عربستان بخاک سپرده شده) تنها او در آسمان (بهشت) خلق شد از خاک بهشت. ملائک به هیچ آدم سجد نکرد (جز آدم (صفی الله) فقط به او).
- ۶- هفت نوع موجود روحانی وجود دارد در بدن انسان. آنها متعلق به هر طبقه از آسمان می‌باشند و هفت نوع وظیفه در بدن انسان دارند. وقتی به نور می‌رسند. آنها شکل انسان را تشکیل میدهند. آنها همزمان می‌توانند به جاهای زیلادی بر سند. حتی به مجمع زهاد و پیغمبران و در عین حال می‌توانند با خدا مشغول صحبت رو برو شده و اور ادریابند.
- ۷- برای هر فرد بشری دو دین وجود دارد. یکی برای بدن خاکی. وقتی بدن بسیرد آنهم می‌برد. یکی هم برای روح انسان (آن از زمان قبل او خلقت وجود داشته) آن عشق آسمانی است. از میان آن فقط، انسان به تعالیٰ میرسد.
- ۸- عشق آسمانی از هر دین بالاتر است. در نظر داشتن خدا، از هر عبادتی مهم تر است.
- ۹- دانش در ارتباط با خلقت انسانها، حیوانات، صخره ها و درختان، دلایل اینکه چگونه و از چه چیز (حرام) دوری کیم، چه چیز مجاز است (حلال) برای استفاده و چرا بی آنها.
- ۱۰- چه کسی (موجود) حتی قبل از فرمان باش (کن) وجود داشت (ارواح و ملائک) کدام سگها وارد بهشت می‌شوند بعنوان قطعی؟ مردم، آنها بی که روحشان (کلمه) را خوانده بود در زمان قبل از خلقت؟

آن مرد کیست. راز که باز گوئشده در این کتاب؟

یک ضرورت است خواندن این کتاب برای دانش و تحقیق

این کتاب سایت زیر در دسترس است